

نظام اسلامی

۱۴۲۵

۱۰۱۱

* کارنامی ساعات مطالعه هفتگی دروس *

| صفته | ساعت دقيقه | صفته |
|------|------------|------|------------|------|------------|------|------------|------|
| | ۱۳ | | | ۷ | | | | ۱ |
| | ۱۴ | | | ۸ | | | | ۲ |
| | ۱۵ | | | ۹ | | | | ۳ |
| | ۱۶ | | | ۱۰ | | | | ۴ |
| | ۱۷ | | | ۱۱ | | | | ۵ |
| | ۱۸ | | | ۱۲ | | | | ۶ |
| | * | | | | | | | |
| جمع | | | | جمع | | | | جمع |

نحوه استفاده:

- ۱ - در هر نوبت که مطالعه درسی را آغاز می‌کنید، ساعت شروع را در جای دیگر یادداشت نمایید و پس از پایان مطالعه، مقدار زمان مطالعه (ساعت و دقیقه) را در جای مربوط به آن هفته بنویسید. مثلاً در هفته اول، نخستین نوبت مطالعه، ۲۵ دقیقه طول کشیده است آن را در نخستین سطر هفته اول ثبت نمایید.
- ۲ - چنانچه نوبتهاي مطالعه در هر هفته کمتر از سه نوبت است، سطرهای دیگر را خالی بگذارید.
- ۳ - در مقطع میان ترم و پایان ترم، مجموع ساعات مطالعه را محاسبه نمایید.
- ۴ - در هر مقطع میانگین ساعات مطالعه در هفته را محاسبه کنید.
- ۵ - مشخص کنید در چه هفته‌ای بیشترین ساعات مطالعه را داشته‌اید.

پیش‌نیاز : کلیات نظم بدیع

بیت العدل اعظم دریمام مورخ رضوان ۱۹۹۰ میفرما پند : "نظریه شرایط کنونی عالم اثبات ضرورت فناوری نظم اداری بهائی بیش از پیش ضروری بنظر میرسد ."

مقدمه : پس از شناخت کلیات نظم بدیع وعظت مودعه ونیز خصائص برگسته و مختصه آن شایسته است که با نظم اداری وارتباط آن با نظم بدیع آشنا گردیم . دانستیم که تاریخ بود این نظم بدیع احکام و مبادی میباشد که میتوان جزء ثانی یعنی مبادی را به دو قسم مبادی روحانی و مبادی اداری تقسیم نمود . اما مقصود از نظم اداری مقدمه و جزئی از نظم بدیع است که در حال حاضر بصورت تشکیلات محلی و ملی و بین‌المللی ظاهر شده و در آینده آیام توسعه و گسترش خواهد یافت . بیت العدل اعظم ارتباط نظم بدیع و نظم اداری را اینگونه بیان میفرما پند "نظم اداری مقدمه نظم بدیع است . . . نظم اداری هسته مرکزی و مظہر قوای مکنونه عالیه محیطه نظم بدیع جهان آرای الهی است که بعد از استقرار بذیرد و خود مبشر طلوع عصر ذهیبی گردد . "(۱) این مطلب که بطور کلی وجود سیستم اداری در هدایت و کنترل امور جوامع از چه اهمیتی برخورد ارادت و نیاز به وجود این سیستم از چه زمانی خود را نمایان ساخته مطلبی است که اشاره به آن قبل از مطالعه نظم اداری بهائی خالی از فایده نخواهد بود هرچند که این ذکر بسیار مختصر باشد .

تحقیقات انجام شده در مبادی علم اداره و کنترل اجتماع نشانگر آنست که پس از تکمیل اولین جوامع بشری لزوم ایجاد سیستمی جهت هدایت واداره امور عده‌ای که با هدف مشترک گرد هم آمدند احساس گردید . در اولین جوامع فرد یا افرادی برآسان قدرت، شرکت، وراثت و یا انتخاب، مسئولیت هدایت گروه، قبیله و یا جامعه خود را بمعهد میگرفتند . هدایت نیروها در یک مسیر معین و استفاده منسجم از آن نیاز به تمرکز قدرت را در اداره کنندگان جامعه ایجاد مینمود و این تمرکز قدرت در انتزاع بانفس بشری تغییر چهاردنه و در اثر عدم هدایت صحیح به فساد کشیده میشد . لذا در طول تاریخ داشمندان و - اندیشمندان برآن گردیدند تا جهت کارآیی هرچه بهتر سیستم‌های کنترل کنندگان هدایت این انتظام نمایند و علوم مختلفه تاریخ، فلسفه، سیاست و علم اجتماع همگی بخشی از کار خود را به آگاه نمودن اداره کنندگان و مردم جهت ایجاد طرق مناسب برای اداره صحیح امور جامعه و برقراری ارتباط مطلوب بین افراد اجتماع اختصاص دادند و این موارد اکثرأ در

قالب میانی سیاسی و بعنوان سیاست مطرح میگردید تا آنکه "در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توجه دانشمندان مدیریت بنارسائی سازمانهای عمومی موجود و کمبود توانائیهای رهبری برای اداره این سازمانها معطوف گردید و علم اداره بعنوان رشته‌ای مجزا از سایر رشته‌های علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفت" (۱)

یک نظر بخودی خود بمرحله اجرا گذارده نمیشد بلکه لازم است که جهت به اجرای درآوردن آن "سازمان" بوجود آید. پس از ایجاد چنین سازمانی نیاز به آن است که مسیر تعالیت‌هایی که برای نیل مقاصد مشترک و اهداف تعیین شده صورت می‌پرسد معلوم و مشخص گردد، پروفسور پیگورز (۲) این جریان "سازمان" دادن و رهبری و "مدیریت" تعالیت‌های سازمان را "اداره" (۳) مینامد وی معتقد است که هیچ نهضت، گروه و اجتماعی بدون "اداره" یعنی بدون وجود این جریان سازمان دادن و مدیریت سازمان قادر به اداره امیه حیات نیست. با توجه به موارد فوق دانشمندان تعریف ذیل را بعنوان تعریفی خلاصه از علم اداره ارائه مینمایند: "اداره عبارت از یک سلسله روابط میان افراد بشر میباشد که مبتنی است بر عمل‌ها و عکس العمل‌ها و اعمال نفوذ متقابل" (۴)

پیشرفت، قوام و بقای یک جامعه مستلزم آن است که سیستم اداری و هدایت صحیحی را دارا باشد وجود همین اهمیت در سیستم اداری و گسترش آن و نیز تنوع نیاز سیستمهای اداری آنرا به بسیاری از علوم دیگر مرتبط مینماید و تمامی آنها را به خدمت گرفته و با رهبری و هدایت آنها رشته نوینی را ایجاد مینماید. (۵) سیستمهای اداری که یکی پس از دیگری با به عرضه وجود نهاده‌اند همگی خواهان تحقق بخشیدن به هدف فوق هستند ولکن چون هریک تنها به گوشاهی از معضلات جامعه نظر انکند و در حل آن میکوشند و نیز به علت آنکه از روحانیات بی بهره اند و پیشه دارا مال بشری و مادی داشته و حتی در بعضی از موارد با بعض و اغراض خاص توأم‌ند قادر کارآئی مطلوب میباشند. چنانچه حضرت ولی‌امر اللہ در توقع عصر ذهنی میفرمایند: "نهضت‌های ساخت دست انسان... بعلت ریشه داشتن

۱) Perspectives on Administration Dwight Waldo University of Alabama 1958

۲) پول پیگورز Poul Pigros استاد مؤسسه تکنولوژی ماشین‌گوشت آمریکا - کتاب سیراند پیشه اداری، دکتر بشارت، انتشارات دانشگاه ص ۳۳

۳) لازم به تذکر است که حضرت ولی‌امر اللہ نیز همین لفظ را در مورد نظم اداری در انگلیسی بکاربرد هاند:

۴) کتاب سیراند پیشه اداری و مبانی علم اداره تألیف دکتر علی‌پشا بشارت ص ۳۶

۵) برای آگاهی بیشتر به کتاب سیراند پیشه اداری و مبانی علم اداره تألیف دکتر طیب‌زاده بشارت - مراجعه فرمائید.

د رآمال بشری و توجه به امیال مادی محکوم به انحطاط و زوال است. این نهضت ها که زائیده فکر محدود است و از توهّمات بشری سرچشمه میگیرد و معمولاً بانیات سوّ آمیخته است و گاه صرفاً به جهت تازگی آنها و تسل شان به غرایز پست انسانی و اتکا به امکانات و منابع دنیای دنی در کوتاه زمانی دیدگان انسان را خیره میسا زد بلاناصله از قلل انتخارات زود گذر خود به ظلمات نسیان سقوط میکند و نیروهایی که بوجود آورند افتخارات بودند خود موجب اضمحلال آن میشوند . " موارد مذکور موجب آن گردیده است که سیستم‌ای موجود بجای اداره جامعه آنرا دچار آشتفتگی و هرج و مرغ نموده اند و جهان را بسوی ناپودی سوق میدهند . به همین علت است که نیاز به تنظیم نوینی برای احیا حیات اجتماعی انسان بر روی کره خاک احساس میگردد و اکنون نظم اداری آئین بهائی باید برای این وظیفه قدم درمیمدان مبارزه با مشکلات و معضلات جهانی ورفع هرج و مرغ حاکم بر عالم نهد .

شناخت نظم اداری بهائی وارکان اصلیّه آن ونظمات حاکم بر آن از جانب ما ، پیوان این آئین نازنین که حاملان دریاق اعظم ، برای جهان مستعد بوده میباشیم حائز اهمیت نراوان است زیرا نظم اداری از جهتی " بمثابه صدقی برای حفظ وصیانت گوهرگرانبهای امرالله است و بمیور زمان واضح و میرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیّه است که این شرع ائور را بمرحلة نهایی وارد خواهد کرد " (۱) واز سوی دیگر " مقدّ راست - نظم اداری بهائی نمونه والگوی برای جامعه آینده باشد " (۲) چه که انظمة حالیه تکافوی اداره امور آشفته جهان کنوی را نمینمایند و در این مرحله بحرانی از تاریخ عالم انسانی که حیات فردی و اجتماعی انسان دچار آشتفتگی و آشوب همه جانبه گردیده است این نظم الهی تنها زانجا عالم بشری از آلام واسقام مستولیه بر آن است زیرا " این بسی واضح است که کسانی که زبان بهنکوش و ذکر عیوب نظم قدیم میگشایند و حتی حاضرند که نظم کهن را منسخ و معدوم سازند خود از ارائه نظم و ترتیبی که بتواند جایگزین نظم قدیم شود عاجز و قادرند " (۳) و " پیشوایان مذهبی ، نماینده کان مکاتب سیاسی و اداره کنندگان مؤسسات بشری که در حال حاضر با یأس و تعجب شکست طرحها و اضمحلال سیستم‌های ساخته بشر را مشاهده میکنند " (۴) به عدم توانائی خود در ارائه طریق مناسبی برای نجات جهان از وضع نابسامان خود اذعان دارند . " پس بشریت درمانده باید بسوی این هدف یعنی استقرار

(۱) توقعی د ور بهائی

(۲) پیام رضوان ۱۹۹۰

(۳) پیام رضوان ۱۹۹۰

(۴) کتاب حال و آینده جهان ص ۵۵

نظمی بدیع و جهانی تلاش کند . نظمی که اساسن الهی است و نظرگاهش کافه عالم انسانی، مبادیش مبتنی بر بعدالت است و خصائصش انظمه عالم را بمقابلهم میطلبد " (۱) نظمی که مقصد و مرامش " حل و نصل مشکلات و تعیین مسیر پیشرفت و ترقی جامده است " (۲) و بواسطه خصائص و صفات ممیزه و برجسته خود تنها طریقی است که قادر راست جامعه انسانی را در آستانه عصر ذهبي قرار دهد ، عظمت و اهمیت مقام این نظم تابدان حد است که عصری از اعصار در بیهائی یعنی عصر تکونی بهارتیان آن مخصوص (۳) گشته و همچنین آغاز عهود جدیده در این عصر با پیشرفت و تکامل حاصل در مؤسسات آن مقارن میباشد . مولای توانا حضرت ولی امرالله درباره عظمت و خصائص ممتازه این نظم میفرمایند " نظمی که کافل ظهور وحدت اصلیه د رهیأت اجتماعیه و وصول عالم به درجه بلوغ و کمال و رافع علم صلح اعظم و ضامن تأسیس مدنیت الهیه در عصر ذهبي دور اعز افحش کورالهیست نظمی که مثیل و نظیرش نهاد رشیعت موسوی ونه در رشیعت عیسیوی ونه در شریعت محمدی ونه در شرایع دیگراز آدم تا خاتم ظاهر نگشته نظمی کنه از قوانین و انظمه و د سایر سقیمه عالم مقتبس ونه به انکار و اصول شعوب و ام شرقیه و غربیه متمایل نظمی که از دسائیں احزاب و مخاصمات دول و منازعات ام در کنار نظمی که دارای بعضی از مزایا و عناصر صالحه و حقایق سلیمانیه انظمه عالم و از عیوب اصلیه نظریه آنان عاری و مبترا ، رفته و فته قوه " قد سیه " ساریه " جاریه " د افعه " الکهیدر سنه ستین به آن بشارت داده شده و در سنه تسع در عالم وجود احداث گشته و تولد یافته و در سنه شصتین سریانش به منتهای درجه قدرت رسیده و درین میثاق تصرفات اولیه اش جهان فرنگ را به اهتزاز آورده در این عصر نورانی در مؤسسات نظم بدیع الهی حلول نمود و تجسم یافت و در قنوات و مجاری معیته منصوصه از قلم اعلی و لک مبین آیات جمال ابهی جاری و ساری گشت " (۴)

ارائه شکل و روح نظم اداری بهنحو احسن و اکمل بعنوان داروی قطعی و سریع التأثیر اقسام و امراض طاریه بر عالم بشری مستلزم اطلاع تک تک افراد احیاء برعظمت حقایق مستودع د راین نظم و اصول و روابط حاکم بر آن است تا هر یک بتواند به عظیمه ای که بعنوان یکی از اجزاء مشکله جامعه ای برعهده دارد بهنحو مقتضی و شایسته عمل نموده الگوی کامل نظام بی شبه و مثیلی که مقد راست اداره جامعه آشی را برعهده گیرد به جهانیان عرضه نماید .

(۱) کتاب حل و آینده جهان ص ۳۱

(۲) پیام رضوان ۱۹۹۰

(۳) توقيع در بیهائی ، نصل چهارم

(۴) توقيع ۱۰۵ بدیع از مجموعه توقيعات مبارکه ۱۰۲-۱۰۹ صفحات ۱۴۹-۱۵۰

هدف : هدف از مطالعه این درس کسب آشنا بی و شناخت نسبت به :

۱- اصول و روح نظم اداری و چگونگی نفع و تکامل آن .

۲- ارکان نظم اداری و مؤسسات تابعه و اطلاع از نحوه خدمات و چگونگی انتخاب و انتصاب اعضای این مؤسسات .

۳- نظامات و مقررات اداری بهائی و خصائص آن میباشد .

عناوین درس :

الف : نظم اداری

۱- تعریف و اهمیت نظم اداری (قرن بدیع جلد چهارم ، توقيع دور بهائی فصل چهارم ، ارکان نظم بدیع ص ۵۳)

۲- شاخصهای نظم اداری (قرن بدیع جلد چهارم ، توقيع دور بهائی فصل چهارم)

۳- کیفیت تأسیس و رشد و تکامل نظم اداری (قرن بدیع جلد چهارم)

۴- هدف نظم اداری (قرن بدیع جلد چهارم ، توقيع دور بهائی فصل چهارم)

ب : مؤسسات نظم اداری

۱- ولایت امرالله

- مقام ولایت و اهمیت آن در امر بهائی (ارکان نظم بدیع ص ۱۷۵ تا ص ۲۵۰ و توقيع دور بهائی فصل چهارم)

- وظایف و مسئولیت‌های ولایت امر (ارکان نظم بدیع ص ۲۱۴ تا ص ۲۵۵ و توقيع دور بهائی فصل چهارم)

- حضرت شوقی ربانی پگانه ولی امر بهائی (ارکان نظم بدیع ص ۲۵۷ تا ص ۲۸۲)

- مجاهدات متعالیه و متوالیه حضرت ولی امرالله (نمودار ضمیمه و مقاله بیست و پنج سال درظل ولایت امرالله)

- دستخطهای بیت العدل اعظم درخصوص فقدان ولی امرالله (ارکان نظم بدیع ص ۲۲۵ تا ص ۳۱۵)

- مؤسسه ایادی امرالله (ارکان نظم بدیع ص ۸۵ تا ص ۱۲۰)

(الف) تاریخچه مؤسسه ایادی امرالله (ارکان نظم بدیع ص ۹۹ تا ص ۱۱۴)

(ب) وظایف حضرات ایادی در عصر رسولی (ارکان نظم بدیع ص ۸۵ تا ۹۹)

(ج) وظایف حضرات ایادی در عصر تکوین (ارکان نظم بدیع ص ۸۵ تا ۹۹ و ص ۷۵)

ص ۸۶)

(د) هیأت‌های معاونت ایادی در صیانت و ترویج (وظایف و مسئولیت‌ها) (ارکان نظم بدیع

ص ۱۲۳)

۲- بیت العدل اعظم

— عظمت، مقام وعلت تأسیس این مؤسسه فخیم در آثار الهیه (مجموعه نصوص ارکان نظم بدیع ص ۱۸۸ تا ص ۲۰۰ و ۱۴ ارکان نظم بدیع ص ۵۲ - ۴۱)

— شورای جهانی انتصابی وانتخابی، طلاایع تشکیل بیت العدل اعظم (ارکان نظم بدیع ص ۲۳۱ تا ص ۲۵۵)

— انجمن شورین بین المللی ونحوه انتخاب اعضای بیت العدل اعظم (ارکان نظم بدیع ص ۲۵۵ تا ص ۲۲۵ وص ۲۲۲ تا ص ۲۳۱ و نوار ۱۴)

— وظایف واختیارات وقانون اساسی بیت العدل اعظم (ارکان نظم بدیع ص ۲۲۲ تا ص ۲۳۱ وص ۳۱۵ تا ص ۳۳۲ و نوار ۱۴)

— اقدامات ومجهودات بیت العدل اعظم (بهنمود ارجمند مراجعه شود)

— دوایر وتشکیلاتی که مستقیماً تحت نظر بیت العدل اعظم قائم به خدمتند (بهضمیمه مراجعه شود) (ص. ۵)

(الف) دارالتبليغ بین المللی:

— مقام دارالتبليغ (ارکان نظم بدیع ص ۱۸۳)

— نحوه انتصاب اعضاء، وظایف ومسئولیت‌ها (ارکان نظم بدیع ص ۱۸۳ تا ص ۱۸۸ و ضمیمه جزء راهنمای این)

(ب) هیئت‌های مشاورین ومعاونین ومساعدین:

— علت تأسیس ونحوه انتخاب مشاورین (ارکان نظم بدیع ص ۱۳۲ تا ص ۱۳۱ وص ۱۷۷ تا ص ۱۸۳)

— وظایف ومسئولیت‌ها ونحوه خدمات مشاورین (ارکان نظم بدیع ص ۱۵۷ تا ص ۱۵۲)

— هیئت‌های معاونت مشاورین ونحوه انتصاب ایشان (ارکان نظم بدیع ص ۱۲۰ تا ص ۱۲۳ وص ۳۳۷)

— وظایف ومسئولیت‌ها ونحوه خدمات معاونین (ارکان نظم بدیع ص ۱۵۷ تا ص ۱۵۲)

— مساعدین هیئت‌های معاونت ونحوه انتصاب و خدمات ایشان (ارکان نظم بدیع ص ۱۲۳ تا ص ۱۲۸)

(ج) محافل ملیّه:

— اهمیّت ونقش محافل در امریکه‌ای (نوار ۱۱ و ۱۲)

— انجمن شور ملّی ونحوه انتخاب محفل ملّی (نوار ۱۲)

— وظایف ومسئولیت‌ها واختیارات محفل ملّی (نوار ۱۲)

— تشکیلات تحت اشراف محافل ملّیه (نوار ۱۲)

(د) محافل محلیه:

- نحوه انتخاب محفل محلی (نوار ۱۱)
- وظایف وسائلیتها و اختیارات (نوار ۱۱)
- تشکیلات تحت اشراف محافل محلیه

(ه) ضیافت نوزده روزه و نقش آن

(کتاب نظم اداری بهائی برای طرح مکاتبهای بشرح پیوست) ص ۵۴ تا ص ۵۶

ج: نظامات بهائی

- اهمیت شور وشورت در دور (از جزء خصائل اهل بہا و فرائض اصحاب شور) (فصل آداب مشورت در تشکیلات بهائی، اهمیت شور وشورت در امریک بهائی از جزء نظم اداری بهائی برای طرح مکاتبهای بشرح پیوست) ص ۵۹ تا ص ۶۴

- وظایف اصحاب شور (از جزء خصائل اهل بہا و فرائض اصحاب شور) (فصل طریق مشورت ولوازم روحانی آن، لزوم قبول رأی اکثریت، اهمیت خضوع و خلوم، لزوم اتحاد و اتفاق و پرهیز از اختلاف، چگونه مشورت نعائم، از جزء نظم اداری بهائی برای ۰۰۰)

- نظامات اداری مؤسسات نظم اداری (از کتاب نظم اداری بشرح پیوست) ص ۶۵

- خصائص انتخابات در امریک بهائی (از کتاب نظم اداری بشرح پیوست) ص ۵۷ تا ص ۵۹

- موقعیت فرد در نظامات بهائی (نوار ۱۲، او جزء خصائل اهل بہا و...) فصل مناسیبات محافل با افراد

* جهت استفاده از تعمود از ب ERAH نمای مندرج در صفحه سوم تعمود از مراجعه شود.

معرفی منابع مورد مطالعه:

۱ - قرن بدیع جلد ۴ ترجمه فصول ۲۲ الی ۲۵ توقیع God passesby اثر کلک انسور حضرت ولی امرالله در فصول قبلی کتاب قرن بدیع حضرت ولی عزیز امرالله بطور کلی مراحل رشد و تکامل و نقاط مشعشع این امریزد این را از نقطه پیدایش و نحوه ظهر و پرواز آن زمان هریک از طلعتات مقدّسه بیان میفرمایند و از فصل ۲۲ به بعد اولین بوارق استقرار نظم جهانی و مراحل رشد و تکامل آنرا مورد بررسی قرار میدهد. از جمله مواردی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از:

فصل ۲۲ - مبدأ و منشأ این نظم سماوی - کیفیت تأسیس نظم اداری و مسائل مهمه الواح و صایا - وجوده تفایز و عناصر سالمه این نظم از سایر انظمه - حملات بر نظم اداری از جانب اعداء داخلی و خارجی، استحکام و تثبیت محافل و اقدامات و عوامل مهمه ای که موجب

بسط واتساع نظم اداری گردیده.

فصل ۲۳ - حملات بر مؤسسات و مشارعات بهائی از طرف معاندین و مخالفین امراللهی، اقدامات بر علیه مؤسسات امریه و احباب روسیه، آلمان و ایران.

فصل ۲۴ - انفعال و استقلال شریعت الله‌زاد یا عنیقه - اقدامات محاذ در راه - شناسایی و رسمیت آئین الهی از جانب ولاة امور و اقداماتی بمنظور تقویت بنیة جامعه و تحکیم علائق وحدت بین افراد بهائی - انفعال "امر الله‌زاد یا عنیقه در ایران بواسطه تأکید و اهتمام مخصوص پاران در اجراء بعضی از احکام منصوصه کتاب مستطاب اقدس.

فصل ۲۵ - توسعه بین المللی فعالیتهای تبلیغی د رنتیجه آشکارشدن استقلال و جامعیت امراللهی در انتظار عالمیان.

نظری به گذشتند - فتوحات و انتصارات حاصله د رقون اول بهائی، اعتلا و انتشار امر و توسعه مؤسسات امری د رنتیجه تضییقات وحدت بلا یا و مخالفتها با امراللهی - آنچه دره ویت این امر ابدع مستور و بهت دریج از حیز غیب به مرصد شهود خواهد آمد.

در این برنامه مطالعاتی قسمتها بی از این کتاب که در خصوص پیشرفت‌های امر مبارک در اقالیم شاسعه جهان و اقدامات و مجهودات جوامع بهائی و اسامی لجنات، مؤسسات املاک و موقوفات و برخی مسائل و مباحث واقعی تاریخی (به خصوص ذکر نام بعضی شخصیت‌های تاریخی) می‌باشد مد نظر نبود و تنها بعلت ارتبا طی که درین مطالب برقرار بود، این قسمتها از برنامه حذف نشد هاست.

۲- فصل چهارم از ترجمه توقيع در بیهائی (صاد راز کلک انور حضرت ولی امرالله) تحت

عنوان : The Dispensation of Bahá'u'lláh

در این فصل تعریف و تشریح و توصیف نظم اداری و همچنین عظمت و اهمیت آن صورت پذیره، ارکان نظم اداری و ارتباط لا ینفصم این درکن رکن، تبیین و تشریح شده و نظم اداری بعنوان حکومت متحده جهانی، حکومتیکه درستقبل ایام اداره امور جهان براساس آن ترتیب و تنظیم خواهد یافت، معرفتی گردیده است.

۳- مقاله بیست و پنج سال در ظل ولايت امرالله بقلم حضرت امة البهاء روحیه خانم مندرج

در آهنگ بدیع سال ۱۵ شماره ۱۰۹ و ۱۰۰

در این مقاله به مجهدات متواتریه و خستگی ناپذیر مولای حنون حضرت ولی امرالله زید و جلوس بر اریکه کولا بیت تاسمه ۱۹۴۱ میلادی اشاره گشته و بصورت خلاصه و فشرده در مورد عظمت و اهمیت مجهدات حضرتش بقلم یکی از نزد یکترین نفوس به آن حضرت که خود شاهد بخش کثیری از این مجهدات و اقدامات بوده، رقم خورد هاست همچنین برای اطلاع و آگاهی از مساعی و مجهدات امنع افحام اکرم حضرت ولی امرالله به پیوست نمود اری که توسط یکی از مراکز بهائی ترسیم گردیده ضعیمه میگردد تا اطلاعات دقيقه و بیشتری را در این زمینه بدست دهد. برای اطلاع بیشتر از حیا، مقام و مجهدات یکی از کتاب گوهریکتا بقلم ایادی امرالله حضرت حرم، ترجمه ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی بعنوان منبع جنبی استفاده نمود.

۴- کتاب ارکان نظم بدیع، تألیف جناب غلامعلی دهقان ص ۲۱ تا ص ۳۸

در این کتاب مطالبی راجع به مؤسسات نظم اداری، نحوه تأسیس، اهمیت و حدود اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های مؤسسات مذبوره و چگونگی ارتباط آنان با یکدیگر بیان گردیده است.

قسمت‌های ذیل از کتاب ارکان نظم بدیع جزء برنامه مطالعاتی نمی‌باشد :

جدول اعضای هیئت معاونت در مناطق مختلف ص ۱۲۸-۹، دستخط معهد اعلی در خصوص ازدیاد اعضای هیأت معاونت در افریقا ص ۱۳۰-۱، اسامی افراد اولین هیأت‌های مشاورین همچنین تقسیم مناطق خدماتی هیأت‌های مشاورین و... از ص ۱۳۷ تا ص ۱۵۷. به علت اغلاط چاہی در بعضی از صفحات کتاب نویق، همچنین از قلم افتادن و تغییر چند مورد از مطالب مندرج، اصلاحیه‌ای تهیه گردید که به پیوست ضمیمه می‌گردد. مده ۴۶

۵- نوارهای نظم اداری تقریر جناب هوشنگ محمودی، شماره‌های ۱۱۲۱۳۱ و ۱۲۱۳۱۴

نوار ۱ : در این نوار نقش و اهمیت محافل روحانیه محلیه، نحوه تأسیس این محافل بر اساس انتخابات بهائی و مقررات اداری مربوط به آن، وظایف، حدود اختیارات و حوزه حاکمیت محافل مقدّسه روحانیه و روابط این محافل با یکدیگر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

نوار ۲ : در این نوار مطالبی پیرامون محافل ملیه و نحوه تأسیس و کیفیت انتخاب - اعضای محافل ملیه، وظایف، حدود اختیارات، مسئولیت‌ها و حوزه حاکمیت این محافل، همچنین انجمن شور روحانی ملی و وظایف آن و ترتیب اداری انتخاب اعضای محفل ملی د رانجمن شور روحانی ملی بیان می‌گردد. لجنات ملیه و نحوه تشکیل وحدود اختیارات این لجنات تشریح و روابط محافل ملیه با افراد احباب، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

نوار ۱۳ و ۱۴ : در این نوار عظمت مقام و اهمیت و فلسفه وجودی بیت العدل اعظم، مرجعیت، حقوق اساسی، اختیارات، مسئولیت‌ها و مصون از خطاب‌بودن بیت العدل، نحوه انتخاب و مدت اجلای آن (تحال حاضر)، شرایط و صفات اعضای بیت العدل و وظایف مکمله اعلی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

منابع ذیل نیز جهت مطالعه در این برنامه مطالعاتی در نظر گرفته شده است که چون ذکر کلیه مطالب مندرج در این منابع درهایی از عنایین درس جهت سهولت مطالعه صورت پذیرفته‌لذا از ذکر مندرجات منابع مذکور، در این قسمت صرف نظر گشت:

۶- قسمت‌هایی از جزو خصائص اهل بہا و فرائض اصحاب شور. گردآوری جناب دکتر ریاض قدیمی (به شرح پیوست) ص ۵۲

۷- قسمت‌هایی از کتاب نظم اداری بهائی برای طرح مکاتبه‌ای تألیف جناب هوشنگ محمودی (به شرح پیوست) ص ۴۱

۸- نمود ار اقد امات و مجہودات بیت العدل اعظم (به شرح پیوست) ص

۹- مجموعه نصوص درباره بیت العدل اعظم (به شرح پیوست) ص ۷۲

از آنجاییکه اطلاع صرف از سistemات اداری بهائی لازم است ولکن کافی نیست و حتی باید در عمل به کار بسته شود. پیشنهادی گردد جهت فراگیری هرچه بیشتر و بهتر سistemات اداری، جلسه‌ای طبق سistemات اداری بهائی تشکیل واداره شود بدین ترتیب که از همان ابتدا ناظم و منشی جهت اداره گروه مطالعه انتخاب وکلیه مقررات لازم اجرا گردید تا به مرور با مطالعه این برنامه و اطلاع بیشتر از مقررات نظم اداری تا حدودی در این زمانه تجربه لازم را حاصل نمایید.

به این منظور راهنمایی درباره چگونگی اداره جلسه و برخی قواعد و قوانین اداری تهیه گردید که مورد مطالعه واستفاده قرار خواهد داد. صوره همچنین برای فراگیری هرچه بیشتر و به کاربردن قواعد و مقررات نظم اداری و درک بهتر جزو خصائص اهل بهاء . . . می‌توان از تقریر جناب ریاض قدیمی تحت عنوان "آداب مشورت در تشکیلات بهائی" بمنزله کمک آموزشی بهره جست.

لازم به تذکر است که راهنمای فوقي و نوار مذکور (در امتحانات) جزء موارد ارزشیابی نخواهد بود. گرچه استفاده و مطالعه آن الزاماً و ضروری است و در حکم تکلیف این درس می‌باشد.

جهت فراگیری هرچه بیشتر موارد این درس می‌توانند عنوان درس را به عنوان موضوع شور و دستور جلسه قرار دهید. البته موضوع شور می‌تواند مباحث و مسائل دیگری هم باشد مانند:

— چگونه می‌توان حاصل مطالعات خود را به دیگران ارائه نمود.

— روش‌های مناسب برای ارائه بهتر درس در طرح معارف عالی.

— چگونگی خدمت در شرایط کنوی و طرق آن.

و با هر موضوع دیگری که گروه مطالعه بعنوان موضوع شور در نظر می‌گیرد.

روش مطالعه و فعالیت‌های ضروری

برای مطالعه این درس و کسب نتیجه مطلوب، یکی از طرق مطالعه با ذکر چند نعمت پیشنهاد می‌شود و بدینه است مطالعه این درس منحصر و محدود به روش ارائه شده نمی‌باشد.

طریق مطالعه:

- ۱- دفتری درقطع معمولی تهیه و صفحات آنرا طبق جدول ثمونه تقسیم و خط کشی نمایید.
- ۲- هنگام مطالعه مطالب کلی و جزئی را براساس عنوان درس استخراج و در جدول مرقوم دارید.

- ۳- مطالب استخراج شده تحت عنوان واحد را یکجا مورد مطالعه قرار دهد .
- ۴- عناوین را بصورت سؤالهای کلی و جزئی تغییر شکل دهد .
- د رصوريکه برای هریک از سؤالات مطروحة پاسخی کافی و مناسب بافتید نتيجه مطلوب .
- حاصل ، در غیراينصورت لازم است مطالب را مجدداً مرور نمائيد تا از ارتباط و انبساط مطالب يا عناوين انتخابي مطمئن شويد .

نمونه‌ای از روش مطالعه پيشنهادی

| عنوان درس | مطالب استخراج شده | منبع مطالعه | صفحه |
|-----------------------------------|---|---|------|
| شاخه‌ای نظم اداری | این نظم بمنابع صدقی برای حفظ وصیانت گوهنر دوربهائی گرانبهای امرالله‌است | صخره‌ای که این نظم اداری برآن استوار است مشیت ثابت‌الهیه منبع المهاشم نفس حضرت بهما اللہ‌است حامی و مدافعه جنود مجنده ملکوت ابھی | ۲۵ |
| کیفیت تأسیس نظم اداری | جمال اقدس ابھی واضح اصول و احکام این نظم امنع اللهی . . . حضرت عبد البهای مرکزیت‌الاق و مهندس و طراح این نظم بیزد ادنی کیفیت تأسیسیش را در الواح مقدّس‌سهوصایا تبیین وارکان وقوام آن راتعیین و مؤسسات بد بعد از را که اکنون بهقت پیروان شریعت رحمانی و ثابتان بر عهد سیحانی د رشیق و غرب عالی د رعصر تکوین د وربهائی نهاد و میشود تنضیم و تصریح فرمود. | قرن بدیع جلد ۴ | ۸ |
| کیفیت رشد و تکامل نظم اداری | محافل جدید التاسیس لیک رشتہ اقدامات و مشارکات مهنّه که از لحاظ حفظ وحدت جامعه واستحکام نظم اداری و تثبیت اساس محافل دارای تأثیرشدید بوده مبادرت نمودند و اولین قدم که در راه این منظور اترم برداشتند تدوین اساسنامه مملی بهائی بود . . . تدوین اساسنامه‌ها اعم ازملی و محلی که کل دارای مقصد و مرآ واحد بوده‌اند . . . راه را برای تسجیل مؤسسات اداری امری برآسان توائین جاریه ممالک دراج بتأسیسات مذهبی و تجاری بازنمود . . . و چون این امر بعنی ثبت نام محافل می‌گردید محافل روحانیه مقام و شخصیت قانونی یا فنند و سمت و صفت شرعی حاصل نمودند و در نتیجه قدرت واختیارات آنان تزیید و دایر معمليات‌شان توسعه پذیرفت. | قرن بدیع جلد ۴ | ۴۰ |

| عنوان درس | مطالب استخراج شده | منبع مطالعه صفحه |
|-----------------------------|--|--------------------|
| کیفیت رشد و تکامل نظم اداری | شناشائی نمایند گان منتخب بهائی نیز در اقطار مختلف فعالی را برای تأسیس اوقاف ملی و محلی بهائی آماده ساخت. | ٤٦ قرن بدیع جلد ٤ |
| کیفیت رشد و تکامل نظم اداری | اقدامات وسیعه دیگری نیاز از طرف محافل جدید - التاسیس معمول گردید کو اجد اهمیت بیشمار است از آن جمله اختیار مقرّ مخصوصی جبهه محافل مرکزی است که از شاخص ترین مشروعتات و تأسیسات امریکه دارمالک و اقالیم مختلف بشمار می‌باشد این مرکز که محور جمیع خدمات اداری بهائی دست‌قبل ایام محسوب بود و در مهد امرالله تأسیس گردید و اکنون در جمیع نقاط و مراکز امریکه بعنوان رسمی و مشخص خود یعنی حظیرة القدس معروف و موصوف است و چون در نظر ارایم که در رایام اولیه احبابی استمدید والهی برای زیارت الواح مقدسه و بحث در مسائل تبلیغیه ناگزیر در دل شب ازد خمه‌های تنگ و تاریک و حفره‌های زیر زمینی در از تعریض اعداء استفاده نمینمودند معلوم می‌شود در این امر خطیر چه پیشرفت محسوسی حاصل گردیده است. | ٥٥ قرن بدیع جلد ٤ |
| کیفیت رشد و تکامل نظم اداری | طی حکمی انفال امرالله در کشور مصر مرکز عالم عربی و اسلامی از طرف رؤسای اهل سنت و جماعت اعظم شعبه اسلام اعلان که به حیثیت و اعتبار نظم اداری - دین الله بیفزود و پایه واساس آنرا مستحکم ساخت. | ١٣٢ قرن بدیع جلد ٤ |
| " " " | این تحول عظیم که در نتیجه تعریض اعداء حاصل گردید شریعت الله را از مرحله مظلومیت به مرحله انفال و استقلال سوق داد. | ١٣١ " " |
| " " " | این اعلام ممهد سبیل گردید و جامعه بهائی مصر و از آن پس سایر جو اجمع بهائی دنیارا به اینای وظایف - مقدس خویش تحریص نمود تا به استناد این حکم محکم استقلال و شناسائی امر عزیز الله را از حکومات متبعه خود خواستار گردند. | ١٣٨ " " |
| " " " | درایالات متحده امریک . . . جامعه بهائی آن سامان با توجه به آثار و نتایج مترقبه برقتوای محکم اسلامی مصر به اقدامات جدیدی دست زدند که نتایج آن بتدریج در طی سنین واضح و آشکار گردید. | ١٥٤ " " |

| عنوان درس | مطالب استخراج شده | منابع مطالعه صفحه |
|-----------|-------------------|-------------------|
|-----------|-------------------|-------------------|

| | | |
|-----------------------------------|--|------------------------------|
| کیفیت رشد و تکامل نظم اداری | شناسایی محفل مرکزی بهائیان امریک از طرف اولیای امور آن سرزمین بعنوان یک هیأت — رسمی مذهبی واعطا اجازه مخصوص نسبت به حفظ و نگهداری اموال و املاک امریک و همچنین تأسیس اوقاف بهائی و تحصیل معافیت آن از ثأد به رسوم دولتی | قرن بیست و پنجم ۱۵۵ جلد ۴ |
|-----------------------------------|--|------------------------------|

نحوه ارزشیابی:

- روش ارزشیابی این درس به صورت سؤالاتی با پاسخهای کوتاه و مشخص و همچنین سؤالات توضیحی خواهد بود . مانند نمونه‌های ذیل :
- ۱ - کیفیت تأسیس این نظم ابدع در کدام اثر مبارکه و توسط چه نفس مقدسی بیان گردیده است؟
 - ۲ - وظایف و مسئولیت‌های ولايت امر چیست؟ توضیح دهید .
 - ۳ - هدف از مشورت درا مر بهائی چیست؟
 - ۴ - علل تأسیس هیأت‌های مشاورین قاره‌ای را بنویسید .

تبصره : لازم به تذکر است که اداره امور جوامع بهائی به وسیله مؤسسات نظام اداری به کانه راه تعشیت امور در جوامع بهائی نمی‌باشد . بلکه به نابه صلاح دید و اراده مرکز و مرجع امر الله ممکن است اداره امور از طرق دیگری که مقتضی ومصلحت باشد صورت پذیرد .

از منابع ذیل میتوان بعنوان کتب و مراجع جنبی بهره‌جست :

- ۱ - کتاب نظم اداری - تألیف جناب هوشنگ محمودی
- ۲ - نظم اداری بهائی برای طرح مکاتبه‌ای - تألیف جناب هوشنگ محمودی
- ۳ - اصول نظم اداری . . . تألیف ایادی امر الله جناب علی اکبر فروتن
- ۴ - نوار اصول مشورت - تقریر جناب ایوح این
- ۵ - جزوی نظم اداری - تألیف لجنه ملی جوانان و نوجوانان
- ۶ - جزوی "بهائی پروسیجر" یا نظم اداری بهائی - گردآوری محفل ملی بهائیان آمریکا

جدول زمان بندی مطالعه درس نظم اداری

الف : نظم اداری :

- قرن بدیع جلد ۴
۳ هفته
- توقیع وربهایی فصل چهارم و ارکان نظم بدیع ص ۵۳
۱ هفته
- ب : مؤسسات نظم اداری (ولا یت امرالله) :
- توقیع وربهایی فصل چهارم
۱ هفته
- مقاله ۲۵ سال درظل ولا یت امرالله و نمودار ضمیمه
۱ هفته
- (صفحات ۸۶ و ۸۷ جزو)

- ارکان نظم بدیع صفحات ۱۴ الی ۱۲۲ و ۲۷۵ الی ۳۱۵
۱ هفته
- مرور مطالب تا میان ترم
۱ هفته
- امتحان میان ترم
۱ هفته
- بیت العدل اعظم :

- نوار ۱۳ و صفحات ۳۹ الی ۰۵ جزو راهنمای ۱ هفته
- نوار ۱۴ و نمودار ضمیمه ص ۸۸ الی ص ۹۰ جزو راهنمای ۱ هفته
- ارکان نظم بدیع صفحات ۱۴ الی ۵۲ و ۱۸۸ الی ۲۷۵ و ۳۱۵ ۱ هفته
الی ۳۲۷

دار التبلیغ بین المللی و هیأت‌های مشاورین و معاونین و مساعدین :

ارکان نظم بدیع صفحات ۱۸۳ الی ۱۸۸ جزو راهنمای ۱ هفته

ارکان نظم بدیع صفحات ۱۲۰ الی ۱۳۷ و ۱۵۲ و ۱۸۳ الی ۱۵۷

۳۲۷

محاصل ملیه و محلیه و ضیافت نوزده روزه :

- نوار ۱۱
۱ هفته
- نوار ۱۲ و صفحات ۴۵ الی ۵۶ جزو راهنمای ۱ هفته
- ج : نظامات بهائی :
- صفحات ۵۶ الی ۲۸ جزو راهنمای نوار ۱۲
۱ هفته
- مرور کلی مطالب و آمادگی جهت امتحان پایان ترم
۱ هفته
- امتحان پایان ترم

جهت مطالعه دقیق تر ضروری است که به فهرست‌عناوین درس مندرج در صفحات ۵ الی ۷ جزو راهنمای مراجعه شود تا مشخص گردن هر یک از عنوانین فرعی ارائه شده در چه صفحاتی باید مورد مطالعه قرار گیرد.

در ضمن در قسمت‌عنوانی درس صفحه ۶ سطر ۸ (- وظایف و اختیارات و قانون اساسی بیان العدل اعظم) شماره صفحات کتاب ارکان نظام بدین طریق زیر اصلاح شود :

ارکان نظام بدین صفحه ۲۰۳ تا ص ۲۲۲ و عن ۲۱۵ تا ص ۲۳۲ و نوار ۱۴

و در همین صفحه سطر ۶ شماره صفحات ۲۰۳ تا ۲۲۰ به شماره صفحات ذکر شده در مورد کتاب ارکان نظام بدین فزونه گردید.

در خصوص معرفی منابع مورد مطالعه ۱ - قرن بدین جلد چهارم شایان ذکر است که فصل بیست و پنجم (توسعه بین‌المللی فعالیتهای تبلیغی) و نیز نظری به گذشته و آینده از کتاب قرن بدین جلد چهارم از برنامه مطالعاتی حذف شده و جزء موارد ارزشیابی محسوب نمی‌گردد ولی جون در ارتباط با موضوع است برای مطالعه جنسی دانشجویان اختصاص پائمه است. لذا این بخش مانند سایر فصول در قسمت معرفی منابع، معرفی گردیده است.

قسطنطی از توقیع منبع "د وربهائی"

نظم اداری

یاران و یاوران حضرت عبد البهای، شمس‌هدایت البهیه که شیخ احمد و سید کاظم طلوع آنرا از افق شیراز بشارت داده بودند، در سیر به اقطار غربیه در این راه با وجود اعلیٰ رسید و آخرالامر با صعود حضرت بها اللہ درافق عکس غروب نمود و بدیگر قبل از انقضای هزار سال تمام طلوع نخواهد کرد. غروب چنین کوکب لامعی دوره نزول وحی البهی را کدام و اقدم مرحله د وربهائی است، بلکن خاتمه داد.

صرف نظر از مدت کوتاه بین شهادت حضرت اعلیٰ و نزول وحی بر جمال ابهی در سیاه چال طهران، این دوره که حضرت باب آنرا آغاز فرمودند و در زمان حضرت بها اللہ به ذرۂ علیاً واصل شد و به شارات و نعموت جمیع انبیای این کور عظیم مسیوک است، به نزول مستمر آیات در مدت قریب به پنجاه سال ممتاز و بدین سبب از حیث شرات و طول مدت وحی در راس تاریخ ادیان بیسابقه و نظیر است.

با صعود حضرت عبد البهای نیز عصر رسولی این ظهور که اولین مرحله آئین نازنین ماست خاتمه یافت. عصری که شکوه و جلالش بحدی است که عظمت فتوحات امرالله در مستقبل ایام در مقابل آن جلوه و ظهوری نکند تا چهرسد بهاینکه آنرا تحت الشّعاع قرار دهد. زیرا موقتیهای بانیان مشروعات کوئی امرالله و فتوحات باهره‌ای که در مستقبل ایام نصیب باسنان عصر ذهبي خواهد شد با اعمال حیرت بخش نفوسيکه سبب حیات امرالبهی گشته و اساس اصلیه آنرا بنیان نهاده‌اند، برابری ننماید و در صدق واحد در نیاید. آن عصر اول و خلاق د وربهائی باید بنفسه از عصر تکونی که بعد از وارد گشته‌ایم و عصر ذهبي که متعاقب آن خواهد بود، اولی و متمایز باشد.

حضرت عبد البهای حائز مقامی است که در این معتبره عالم بینظیر و مشیل است. میتوان گفت که آن حضرت عصری را که خود منتبه به آن بود، ختام بخشید و عصر ثانی را انتتاح فرمود که حال در آن قائم بخدمتیم. بین ترتیب الواح وصایا حلقة ارتباط ابدی ولا ینفصی است که سرالله الاعظم حضرت عبد البهای جهت ارتباط اعصار ثلاثة امریکائی بوجود آورده است. بنابراین عصر نشو و نمای تدریجی بذر امرالله باعصر از هار و عصر بعد از آن که مآلًا اثمار ذهبيه‌اش بیار می‌آید مرتبط و پیوسته است.

قوای خلاقه منبعه از شریعت حضرت بها اللہ که در رهوبیت حضرت عبد البهای حلول نمود و توسعه یافتد را رئیس و تأثیرات متقابله سندی بوجود آورد که میتوان آنرا بمنزله دستور نظم بدیع عالم که در عین حال افتخار این کور اعظم و نوید آن است، تلقی نمود. لذا الواح وصایای مبارکه را میتوان بمنزله ولیدی دانست که طبعاً از اقتران معنوی آن نافع

قّوّة مولدة مشیت الهیه یا واسطه ظهور و حامل برگزیده آن قوّه بوجود آمده، چون الواح وصایا ولید عهد و میثاق است یعنی هموارش شارع و هم وارث مبین شریعت الله، لهذا نمیتوان آنرا نه از موجد قوّه فاعله اولیه و نه از آنکه آنرا عالاً بیار آورده، مجرّی نعمود. باید همواره بخاطرد اشت که منویات منیعه حضرت بها الله بنحوی در روش و حالات حضرت عبد البهاء نفوذ و سریان یافته و مقاصد آنان بقسمی با یکدیگر مزوج و مرتبط گشته که صرف مهادرت به انتزاع تعالیم جمال قدم از تأسیساتی که مثل اعلای همان تعالیم وضع نرموده بمنزله رد یکی از مقدّس‌ترین حقائق اساسیه این آئین بشمار میرود.

نظم اداری امر الله که از حین صعود حضرت عبد البهاء تاکنون همواره درنشو و نما بود و در مقابل انتظار اهل بها لااقل در چهل اقلیم از اقالیم جهان مجسم و مصور گشته بمنزله قالب الواح وصایای مبارکه است که این طفل نوزاد در آن حصن حصین پرورش یافته ورشد و نما مینماید. این نظم اداری چون توسعه یابد و اساسن تحکیم گردد، قطعاً قوای مکنونه و آنچه را که در رهوبت این سند خطپیر که مرآت مجلای نوایای یکی از اعظم طلاعات در حضرت بها الله است، ظاهر و آشکار خواهد نمود و همینکه اجزای مرکب و تأسیسات اصلیه اش با کمال اتقان وجدیت شروع به فعالیت نمود، دعوی خود را مبرهن داشته ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آنرا داراست که بمنزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه کامل آنست و باید در میقات خود عالم انسانی را فراگیرد.

در اینخصوص باید متذکر گردد بد که این نظم اداری اساساً با آنچه انبیای سلف وضع نرموده‌اند، متفاوت است، زیرا حضرت بها الله بنفسه اصولش را بیان و تأسیسات را استوار و مبین کلمه‌اش را معین نرموده‌اند و به هیأتی که مأمور تکمیل و تنفیذ احکام شرعیه‌اش بوده، اختیارات لازم عنایت کرده‌اند و این جمله خود رمز قوت امر الله و ما به الامتیازش از سائرادنی وضامن حفظ و وقایتش از انشقاق و تجزی است. در هیچیک از کتب مقدّسه ادیان عالم حتی در آثار حضرت اعلی نمیتوان راجع به عهد و میثاق و تدارک نظم اداری نصوصی یافست که از حیث درجه و اعتبار با آنچه در این مورد در اساس آئین بهائی است، قابل قیاس باشد. آیا فی المثل در مسیحیت و بی‌اسلام که دونمونه بارز از ادبیان کثیر‌الانتشار معظم عالمند نمیتوان چیزی یافت که با کتاب عهدی و بی‌الواح وصایای قیاس گردد و یامعاد ننماید؟ آیا نصوص انجیل و بی‌قرآن هیچیک به رؤسا و مجامعی که مدعی مقام تبیین و حق تفسیر مند رجات کتب مقدّس و اداره امور جامعه خود بوده‌اند، اختیارات کافیه اعطام ننماید؟ آیا پطرس قائد مسلم حواریون و امیر المؤمنین علی پسرم و وصی شرعی حضرت رسول دارای شواهد و نصوص صریحی از حضرت مسیح و حضرت محمد بوده‌اند که مؤید بروایت ایشان باشد و بتواند منکرین آنان را چه در زمان حیات و چه در وار بعد با مخالفت خود سبب انشقاقی که تا امروز باقی است، گشته‌اند ملزم به سکوت ننماید؟ آیا در کدامیک از آثار مضبوط

حضرت مسیح درباره خلافت و نزول احکام مخصوصه و دستورات صریحه اد اری که کاملاً از مبادی روحانی متغیر باشد، چیزی میتوان یافت که قابل قیاس با اوامر مشروطه و قوانین و حدود عدیده ای باشد که در نصوص آثار حضرت بهما اللہ و حضرت عبد البهای نازل گردیده است؟ آیا هیچیک از آیات قرآنی که از حیث قوانین شرعی و دستورات اداری و فرائض دینی برآد یان منحطه سالنه تقدّم بارزی دارد، اختیار مسلمی را که حضرت محمد شفاؤها در موارد عدیده بدهو صیخ خود اعطای کرد بود، بر اساس متینی استوار سیسا زد؟

شارع آئین بابی نیز هرچند تاحدی بوسیله کتاب بیان فارسی از بلای انشقاقی که دامنگیر مسیحیت و اسلام گردید، کاست ولیکن آیا میتوان گفت برای صیانت امرش اساس صریح و مؤثری گذاشته است که با آنچه الى البد باید ضامن وحدت در میان پیروان حضرت بهما اللہ باشد، برابری کند؟

تنها این آئین در میان ادیان سالنه بر اثر دستورات صریحه و اندارات مکرر و مخصوصی که کافل صون و وقايت امرالله است بنیانی نهاده است که پیروان گمگشته مذاهب منشأه و درمانده عالم باید به آن نزدیک شده در آن تأمل و تعقّن نمایند و تا وقت باقی است در کهف صلح و سلام خلل ناپذیر عالمگیرش ملجم و مقر جویند.

پس عجب نیست که حضرت عبد البهای، که با کتاب و صایایش مؤسس چنین نظم بدیع و مرکز چنین میثاق متینی است باین بیانات ناطق باشد:

”از اوّل ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشد“ و نیز در تاریکترین و خطرناکترین ایام عهد خود چنین فرموده است: ”بتدربیح آنچه در هویت دور مقدس است ظاهر و آشکار گردد. الان بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیانات.“ و این کلمات اطمینان بخش آن حضرت که مبشر ارتفاع نظم بدیع مقرر در الواح و صایای است:

”اگر چنانچه وقتی آید غصن از عالم جسمانی انقضایا باد و اوراقش بربیزد، هر اسان مشوید زیرا البته سبز و خرم شود و پس از مفارقتش چنان انبات نماید و نشو و نمایند که عالم وجود را به ظل خویش درآورد و اوراقش به ذرهه علیها سربرآرد و به شعر و نواکهی جاوه کند که جهان را معنیر سازد“ (مضعون بیان مبارک)

کلمات مبارکه ذیل را بهیج چیز جز بقدرت و عظمتی که نظم بدیع حضرت بهما اللہ از خود به ظهور خواهد رسانید، حمل نتوان نمود. نظمی که شالوده حکومت عالمگیر بهائی در مستقبل ایام است. قوله الاعلى:

”قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم واختلف الترتيب بهذا البدیع الذي ما شهدت عین البداع شبهه“

حضرت باب بنفسه در اشاراتش بین بظهوره اللہ اخبار و ستایش از نظم بدیع مینماید که

باید ظهور حضرت بها اللہ آنرا ظاهر فرماید : در باب سوم از بیان فارسی این آیه مبهمه مذکور است :

”طوبی لعن بنظر الی نظم بها اللہ ویشکر ریه فانه بظہر ولا مرد له من عند اللہ فی
البیان“

در الواح حضرت بها اللہ که در آن اساس بیت عدل بین المللی و بیوتو عدل محلی صریحاً معین و مقرر گشته است، در مؤسسه ایادی امرالله که بد و حضرت بها اللہ ویسیں حضرت عبد البهای آنرا بوجود آوردند، در اساس محافل روحانی محلی و ملی که حتی قبل از صعود حضرت عبد البهای در مرحله جنبی خود به اینای وظیفه مشغول بودند، در اختیاراتی که شارع آئین ما و مرکز میثاق در الواح خود به این محافل عنایت نرموده اند، در اساس صندوق خیریه محلی که اداره آن بر طبق دستورات مخصوص حضرت عبد البهای خطاب به پاره از محافل روحانی در ایران بوده است، در آیات کتاب مستطاب اقدس که در آن تلویحاً به اساس ولایت امر اخبار گشته، در پاره اصل توارث و تقدم ولد ارشد که در جمیع شرایع گذشته معمول بوده است و حضرت عبد البهای در بکی از الواح خود آنرا تأسید میفرمایند، در جمیع این موارد آثار و علائم اولیه این نظم اداری و جریان آن مشهود است که حضرت عبد البهای آنرا بعداً در الواح وصایای خویش اعلام و برقرار نرمودند .
حال لازم است به تبیین خصائص و وظائف ولایت امر و بیت عدل دورکن این بنیان مشید نظم اداری میاد رت گردند .

تشریح کامل عناصر مختلفه ای که با این مؤسسات انجام وظیفه مینمایند، خارج از حد و مقصود این رسالت که متناسب حقائق اساسی امرالله میباشد . تبیین و تشریح کامل روابطی که این دورکن اساسی الواح وصایای حضرت عبد البهای را بیند یگر متصل و هریک را به شارع آئین و مرکز میثاق مرتبط مینماید وظیفه ایست که نسلهای آینده کما ینبغی و یلیق اینها خواهند نمود .

منظور فعلی این عبد آنست که با آنکه حال بدایت ظهور است و درک عظمت این نظم چنانکه باید میسر نیست، به ذکر بعضی از خصائص بارزه این دورکن نظم اداری پرداز که قبل از صراحت بیان شده و عدم وقوف بر آن قابل غفو و اغراض نیست .

در بد و امر باید به نهایت وضوح و بد و نهیج ابهامی مذکور گرد که این د مؤسسه نظم اداری حضرت بها اللہ اساسی من عند اللہ است و وظایف خطیر و ضروری و مرام و مقصد مکمل یک یگر . هدف مشترک و اساسی این د مؤسسه آنست که همواره سلطه و اختیاراتی را که من جانب اللہ بود و باز نفس ظهور سرجشیه گرفته است، حفظ نماید و وحدت پیروان آئینش را محفوظ دارد و اصالت و جامعیت تعالیمیش را صیانت کند و بمقتضای زمان قوانین غیر منصوصه را تشریح نماید و چون این د مؤسسه لا ینفصم متفقاً به اجرای وظائف پردازند .

امور تمشیت پذیرد و اقدامات جامعه مرتبط گردد وصالح امرالله ترویج یابد و قوانینش تنفیذ شود و تشکیلات تابعه اش حمایت گردد، هریک منفرد آ در حدود اختیارات معینه وظائف خود را انجام میدهد و دارای تشکیلات فرعیه است که برای اجرای شایسته وظایف و تکالیف آن مقرر گشته است و نیز قدرت و اختیارات حقوق و امتیازات خود را در حدود مشخصه اعمال مینماید و قدرت و اختیارات حقوق و امتیازات این دو مؤسسه هیچیک باشد بگرمناصل نیست و بهیچوجه از مقام و اهمیت دیگر نمیکاهد و گذشته از اینکه غیر متوجه این وهادن اساس - هم نیستند. اختیارات و وظایف شان مکمل یکدیگر است و اساساً در مقاصد و نواها هم واره متعددند.

هرگاه ولايت امر از نظم بدیع حضرتبه‌ا الله منتزع شود، این نظم ناقص ماند والی - الابد محروم از اصل توارشی میگردد که بفرموده حضرت عبد البهاء در جمیع شرایع الهی نیز برقرار بوده است. حضرت عبد البهاء در لوحی که به افتخار یکی از احبابی ایران نازل گردید میفرمایند: "در جمیع شرایع الهیه ولد بکرامتیازات فوق العاده داشته حتی میراث نبوت - تعلق به او داشت."

بدون این مؤسسه وحدت امرالله در خطر افتاد و بنیانش متزلزل گردد و از منزلتیش بگاهد و از واسطه نیپی که بر عوایق امور در طی دهور احاطه دارد، بالمرأه بینصب ماند و هدایتی که جهت تعیین حدود و وظایف تقینیه منتخبوی ضروری است، از آن سلب شود و چنانچه بیت عدل اعظم که اساساً اهمیتش از ولايت امر کمتر نیست از آن منتزع گردد بنظر بدیع حضرت ببه‌ا الله از جریان بازمانده، دیگر نمیتواند حدود و احکام غیر منصوصه تشریعی و اداری امرالله را که شارع اعظم متعهد است در کتاب اقدس نازل نفرموده، تکمیل نماید.

حضرت عبد البهاء راجع به وظایف ولايت امرالله در الواح وصایا میفرماید: "اوست مبین آیات الله" و این عیناً عبارتی است که آن حضرت در موقع اعتراض ناقضین «یثاق به مقام تبیین از نصوص مبارکه» حضرت ببه‌ا الله اختیار فرموده، در رد آنان اظهار میداشتند و نیز میفرماید: "ومن بعده بکراً بعد بکر یعنی در رساله او" و ایضاً میفرماید: "حصن متن امرالله باطاعت من هو ولی امرالله محفوظ و مصون ماند واعضای بیت عدل و جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله باید کمال اطاعت و تکین و انقیاد و توجہ و خضوع و خشوع را به ولی امر داشته باشند".

و در مقام دیگر حضرتبه‌ا الله در ورق هشتم از فردوس اعلی میفرماید: "آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنی ایشان بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند آنکه یلهمهم ما یشا و هو المدبر العلیم." حضرت عبد البهاء در الواح وصایا میفرماید:

مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی ھر بیت عدل آنچه بالاتفاق و بابه اکثریت آراء تحقیق یا بد همان حق و مرا دالله است من تجاوز عنہ فھومن
احب الشفاق و اظہر النفاق و اعرض عن رب المیاثق ”

حضرت عبد البهاء نه فقط بیانات مذکوره در فوق را که از براءه حضرت بها اللہ نازل گشته تأیید میفرماید بلکه به این هیئت حق و اختیار آنرا اعطای فرموده است که به اقتضای زمان قوانینی را که خود و یا هریک از بیوت عدل سابق تغیین کردند، نسخ نماید. چنانچه در الواح و صایا به صراحت میفرماید:

”چون بیت عدل واضح قوانین غیر منصوصه از معاملات است، ناسخ آن مسائل نیز تواند بود . . . زیرا نعم صریح الہی نیست：“

و نیز این کلمات اکیده را در باره ولایت امر الله و بیت عدل اعظم بیان میفرماید: ”فرع مقدس و ولی امر الله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ وصیانت جمال ابھی و حراست وعصم فائض از حضرت اعلی روحی لھما الفدا است، آنچه قرار دهنده من عند الله است.“

از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولی امر مبین آیات الله و بیت عدل اعظم واضح احکام غیر منصوصه است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانند رموده تمکن و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق و استیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بها اللہ است. هیچیک از این دو نمیتواند به حدود مقدّسه د پگری تجاوز نماید و هرگز نیز سعدی نخواهد تعود. هیچیک در صدد تزییف سلطه و اختیارات مخصوصه مسلمه د پگری که از طرف خداوند عنایت گشته است، برخواهد آمد.

هر چند ولی امر رئیس لا ینعزل این مجلس نخیم است، معبدها نمیتواند بنفسه حتی بطور موقت واضح قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الفا نماید ولیکن هرگاه تصمیمی را وجد آنآ مباین با روح آیات منزله تشخیص دهد باید ابرام و تأکید در تجدد نظر آن نماید.

ولی امر مبین نصوص است و جز بسمت عضو بیت العدل اعظم وضع قانون نتواند به تنهایی ممنوع از تدوین اساسنامه است که برای تعییت امور وایفای وظایف بیت عدل لازم است و نمیتواند نفوذ خود را بمحرومی اعمال کند که آزادی انتخابات اعضاء بیت العدل اعظم که وظیفه مقدّس بیوت عدل خصوصی است، سلب گردد.

باید بخاطر داشت که حضرت عبد البهاء در لوحی که بافتخار سنه نفر از احبای ایران که در خصوص مرجع اهل بها بعد از صعود سؤال نموده بودند، مذکورا قبل از صعود اخبار به موضوع ولایت امر فرموده اند. قوله الاعلى:

”آن هذا السر مصنون فی صد الامر المختوم کاللوا لو“ المکنون و سیلوح انواره ویشرق

آثاره و نیظه را سراه

یاران عزیز الهی، هر قدر مقام ولایت امر د رنظم بد بیع حضرت بها «الله جل جلیل و وظایفش حیاتی و مسئولیتیش سنگین و عنایاتی که در حق او در کتاب و صایا نازل گشته موثر باشد، نباید نسبت به مقامش مبالغه نمود. ولی امر هر چند حائز لیاقت و مخدود را مورمه باشد، هرگز نباید به مقام فرید مرکز میثاق ترفیع داده شود و مماثل و شریک حضرت عبد البهای ملحوظ گرد د تاچه رسد بهاینکه مقام مظہریت ظهور بهاین نسبت داده شود. چنین انحراف شدیدی از اصول موضوعه امرالله کفرمغض است. چنانچه قبلًاً در فصل مربوط به مقام حضرت عبد البهای اشاره گردید، هر چند میان حضرت عبد البهای و مظہر ظهور - الهی فاصله باشد، با فاصله میان مرکز میثاق بهای و لا یت امر قابل قیاس نیست. فی الحقیق ناصله میان ولی امر و مرکز میثاق بمراتب ازید از فاصله میان مرکز میثاق و شارع آئین الهی است و ذکر این نکته را وظیفه مبرمه خود میدانم که همچوی ولی امرالله نمیتواند ادعای نماید که مثل اعلای تعالیم حضرت بها «الله است و یا آنکه مرآت صافیه است که انوار حضرتش را منعکس میسازد و هر چند ولا یت امرالله در ظل صیانت جمال ایهی و حراست وعده فائض از حضرت اعلی و در وظیفه و حق تبیین تعالیم بهائی شریک و سهیم حضرت عبد البهای میباشد ولیکن اساساً در رتبه حدود ات بشریه واقفند و برای اینکه بعهد نمیتوانند بهمچوی عنوان حقوق و امتیازات و اختیاراتی را که حضرت بها «الله به فرزند جلیلش عنا یت فرموده به خود نسبت دهند.

در پرتو این حقیقت مناجات نمودن بسوی ولی امرالله، اورا رب یا آقا خواندن، عنوان اقدس بهوی دادن، تبرک از او طلبیدن، میلاد ش را جشن گرفتن و یا تجلیل هرواقعه ای که ارتباط به حیات وی داشته باشد، کل در حکم انحراف از حقایق مقررها است که در کمون آئین نازنین مامکنون و مندرج است^(۱) و مقام تنفسی و تبیین آیات و کلمات حضرت بها «الله و حضرت عبد البهای که منحصراً به ولی امرالله عنایت شده مستلزم آن نیست که او را در رتبه و مقام آن هیاکل مقدّسه قرار دهد، ولی امر نمیتواند با احراز حق تبیین بهاینکه وظایف و مسئولیتی خوبیش پرداخته، در عین حال از حيث رتبه و مقام ماد و آن د و نفس بزرگوار و متفاوت با آنان باشد.

۱- حضرت ولی امرالله را بینباره بفارسی میفرماید، قوله الا حلی: "رجای اخیرم آنست که در مراسلات و مذاکرات احتیای الهی جز بمشوقی اندی مرآ مخاطب نسازند، فخرومه اهات این عبد باین نام است و بس، چه که از فما طهر صاد رمیگشت و در نظرم از هرگونه اسم و لقبی عزیزتر و شیرینتر و شریفتر است و همچنین احترامات فائقه و تعظیم و تکریم از هر قبیل مخالف و مباين حال و تمنای این عبد است، نظر برادرانه نمایند و این نظر را در اعمال و اقوالشان نسبت به این فانی ابراز و اظهار نمایند".

ولی امر حاضر و ولاة امر دوستقبل ایام باید با اقوال و اعمال خود کاملاً به حقیقت این اصل مهم آئین نازنین ماشهادت دهند و باروش و سلوک خود حقیقت این اصل را بر اساس متنین استوار سازند و برای نسلهای آینده آیات باهراتی مصون از اتهامات باشند و من بسهم خود اگر تأمل در قبول این حقیقت مسلم و تردید در اظهار این عقیده راسخ روا دارم، به ثقه و اعتمادی که حضرت عبد البهاء به این عبد داشته بیوفانی کرده و غصب مقامی نموده ام که فقط به آن حضرت عنایت گشته و این خود گناهی است غیر مغفور.

اینک کلمه‌ای چند در خصوص اساسی که این نظم اداری مبتنی برآنست و اصلی که برای تعشیت امور مؤسسات مهنة آن لازم است، باید بیان گردد. قیاس این نظم فرید الهی با نظامات متنوعه‌ای که عقول بشری در ادوار مختلفه تاریخی برای اداره مؤسسات خوییش ایجاد کرده است کاملاً خطاست. نفس این قیاس به خودی خود میرساند که شأن و منزلت صنع بد بع مؤسس عظیم الشأنش بی نبرده ایم و چون در رنظر آریم که این نظم بد بع عیناً همان مد نیت الهی است که شریعت غرای حضرت بها الله باید در ارض مستقرسازد، البته چنین مقایسه‌ای را جائز نشماریم. هیچیک از انظمه مختلفه و دائم التغییر بشری چه در گذشته و چه در حال چه شرقی و چه غربی علائم مشخصه‌ای که بوسیله آن بتوان استحکام اساس و قدرت فضائل مکنونه در آنها را سنجید، ارائه نمید هند.

حكومات متحده آینده بهائی که این نظم وسیع اداری یگانه حافظ آنست نظراً بعمل اد رتاریخ نظما مات سیاسی بشری فرید و وحید است و در تشکیلات ادیان معتبره عالم نیز بینظیر و مثیل، هیچ نوع از انواع حکومات ذیقراطی یا حکومات مطلقه واستبدادی چه سلطنتی و چه جمهوری و یا انظمه اشرافی که حد متوسط بین آن د و محسوب است و حتی اقسام حکومات دینیه چه حکومات عبرانی و چه تشکیلات مختلفه کلیسای مسیحی و یا امامت و خلافت در اسلام، هیچیک نمیتواند مماثل و مطابق نظم اداری بد یعنی بشمار آید که به بد اقتدار مهندس کاملش ترسیم و تنظیم گشته است.

هرچند این نظم اداری نوظهور دارای عزاها و عناصریست که در سه حکومت عرفی مذکور نیز موجود، ولیکن بهیچوجه مطابق هیچیک از آن حکومات نبوده "از عیوب اصلیه و فطریه آنان عاری و مبیراست". این نظم اداری بهائی حقایق سلیمه‌ای را که بدون شک در رهبریک از انظمه مذکور موجود است بیکدیگر التیام و ارتباط نمید هد بدون آنکه حقایق خدادادی را که آن نظم جهان آراء مبتنی برآنست ضایع و مهمل سازد و این امریست که هرگز انظمه فانیه بشری به اجرای آن موفق نگشته است.

نهاید بهیچوجه تصور رود که نظم اداری آئین حضرت بها الله مبتنی بر اساس ذیقراطی صوف است زیرا شرط اصلی این نوع حکومت آنست که مستول ملت باشد و اختیاراتش نیز متنکی بر اراده ملت و این شرط در این امر اعظم موجود نیست. باید بخاطر داشت که

الواح حضرتبها «الله بالصراحة حاکی از آنست که اعضای بیت العدل اعظم د رتعشیت امور اداری امرالله و وضع قوانین لازمه مکمله کتاب اقدس مسئول منتخبین خود نمیباشد ونباید تحت تأثیر احساسات و آراء عمومیه وحتی عقاید جمهور مؤمنین ومؤمنات ویانغوسی که مستقیماً ایشان را انتخاب نموده اند ، قرار گیرند ، بلکه باید همواره درحال توجه و ابتهال به حکم وجد ان خویش رفتار نمایند وبرا ایشان فرض است که به اوضاع واحوال جاریه هیئت جامعه آشنائی کامل حاصل نمایند . وبه قضایای مرجوعه بدون شایه غرض رسیدگی کنند ولی حق نهائی اخذ تصمیم را برای خویش محفوظ دارند . کلمه مبارکه (انه یلهمهم مايشا) اطمینان صریح حضرت بها «الله بهاین نفوس است وبا این نفوس مهابط هدایت والهامت الهیه اند نه هیئت منتخبین که رأساً وبا بطور غیر مستقیم ایشان را انتخاب نمایند واین الہام همانا روح حیات وحافظ نهائی این ظهور اعظم است . بخلافه ندنسی که در این ظهور اعظم بر حسب اصل توارث برگرسی ولايت جالس است ، خود مبین کلمه الله است وبا النتیجه بر حسب سلطه واقعی که بهوی تفویض گشته مانند هیچیک از سلاطینی که در حکومات مشروطه معموله قدرتی نداشت ، جز مقام اسمی ندارند ، نیست ونیز نمیتوان نظم قاطع براین امر آنکه حق مسلم تشریع احکام غیر منصوصه بهائی فقط مختص به بیت العدل اعظم است که اعضای آن نمایند گان منتخب پیروان حضرتبها «الله اند واین حق مقدس را ولی امر و مؤسسات دیگر نمیتوانند غصب نمایند وبا درآن دخل و تصرف کنند . الغاء حرفة قسیسی وشعائر آن از قبیل غسل تعمید وعشاء ربانی وقرار به معاصری ، عدم سلطه طبقه علماء وروحانیون وفقدان امتیازات ومتاد وتعالیات بهوروکراسی این طبقه ، دستور طرز - انتخابات بیوت عدل محلی وملی وین المللی به تصویب عمومی ، شواهد دیگری برکیفیت غیر مستبدۀ نظم بدیع بهائی و مشابهت آن بتریبات ذیمقراطی در اداره امور است ، ونیز این نظم را که به اسم حضرت بها «الله مرتبط است نباید با هیچیک از حکومات اشرافی صرف معائل دانست زیروا از طرفی مبتنی بر اصل توارث است ووظیفه مقدّسه تبیین آیات ، رابدولی امر تفویض کرده واز طرف دیگر هیئت عالیه مقتنه آن به انتخاب مستقیم و آزاد بوسیله جمهور مؤمنین ومؤمنات معین میگردد .

هرچند نمیتوان گفت که این نظم بدیع از انظمة معروفة عالم مقتبس ، ولیکن حاوی عناصر سلیمه ایست که در هر یک از این نظامات مختلفه موجود و در این نظم با یکدیگر امتزاج والتیام یافته است . اختیارات موروثی ولی امرالله ووظائف حیاتیه وضروریه بیت العدل اعظم و مقررات مخصوصه انتخابات ذیمقراطی که بوسیله وکلای جامعه کل حاکی از این حقیقت است که این نظم بدیع الهی که هرگز قابل قیاس با هیچیک از انواع حکومات مذکور در آثار

ارسطو نیست، دراشر اتکا، برهقایق روحانیّه خویش حائز و ملائم عناصر صالحها است که در هریک از انظمه آن موجود است. این نظم بدین چون از عیوب فطریّه مسلمه انظمه مذکوره مطلقاً عاری و مبیّاست، هرقد ر فروعش امتداد یابد و دامنه اش وسعت کبرید، بمجموع اعصار ود هور به حکومت استبداد و تسلط اعیان و شور و ناطقین و خطباکه عاقبت کلیّه تأسیسات سیاسی ناقصه بشری است، منجر نگرداد واز نساد آنان مصنون ماند.

پاران عزیز، هرقدر اصل و مبدأ این بنیان رصین نظم اداری مهم و وجوه ممیّزه اش بی مشیل باشد، و قایعی که مبشر ظهورش بود و مرحله اولیّه پیشرفتی راعلام داشته از حیث اهمیّت مقام کتری را دارا نیست. چقدر شگرف و عبرت انگیزاست که نظم اداری امرالله متدرجاً مستعرضاً تحکیم یافته مراحل اولیّه نشو ونمای خود را می‌بینیم، در حالیکه معاهد عتیقه مذهبی و عرفی عصر حاضر دراشر قوای مخربه‌ای که برآنها مهاجم است، رو به تجزیه و تحلیل می‌رود.

قوه حیاتیه‌ای که بوجود اتم از مؤسّسات اصلیّه این نظم اعظم دائم الاتساع الهی - ظاهر می‌شود، موانعی را که شهامت و عزم راسخ بانهان نظم اداری برآن فائق آمدہاند، شعله نروزان انجذاب که به کمال شدت در قلوب مبلغین سیار مشتعل است، مدارج جان - فشانی و انقطامی که مئوّسین نظم بدین معنی پیمایند، وسعت نظر و امید و اثق وروح نشاط انگیز و آسایش خاطر وهاکی عمل و انصباط کامل و تعاضد ویگانگی خلل ناپذیری که از مذا دلیرش به ظهور می‌رسد، توانائی و لیاقتی که روح نبایضش در جذب عناصر مختلفه و تطهیر آنها از انواع تعصبات و امتصاجشان در قالب خود نشان داده است، کل آیات قدرتی است که جامعه مأیوس و متزلزل کنوی عالم هرگز نمیتواند آنرا انکار نماید.

حال ظهورات باهره روح قدسی الهی را که به هیکل امر حضرت بها اللهم فتحه حیات می‌بخشد، با الم وفوان و خود خواهی وجهالت و تعصب و مراحت و نفاق و شرارت دنیا ای رنجور و پرآشوب قیاس نماید. خوف و هراس قائد بین، عالم را معدّب ساخته و اقدامات سیاستیون حیرت زده و بی بصر راعقیم و بلا اثر گذاشتهاست. ملل عالم بایکد پکر در نهایت ضفینه وعد وان واژهم خائف و هراسان، مطامحشان عاری از حقیقت و اهد انسان در نهایت سخافت، فی الحقيقة هرج و مرج و فساد و عدم ایمان اساس تهدّن متزعزع عالم را بتصوب فناو نیستی سوق میدهد.

آیا این فساد مستمر که خفیا در جمیع شعب و شئون انکار و اعمال بشری رخنه می‌کند، با ارتفاع بد قدرت حضرت بها اللهم قرین نیست؟ آیا حوادث خطیره بیست سال اخیر کسبب انقلاب اقالیم ارض گشته، در حالیکه سکرات موت تمدنی راعلام مینماید که در شرف تلاشی و اضمحلال است، دلالت بر درد زه نظم بدین دارد که سفینه نجات بشری است و

ناگزیر برخرا بهای عالم مستقر خواهد شد ؟

بلای میرم الهی ، سقوط سلطنتها و امپراطوریهای پرشوکت و احتشام در قاره اروپ مطابقاً لما صدر من القلم الابهی ، هبوط مد اوم علمای تشیع در موطن اصلی جمال القدم ، انفراض — سلسلهٔ قاجاریه خصم دیرین امرالله ، انهدام سلطنت و خلافت در ورکن رکن اهل تسنن و شباهت شگفت انگیز آن با خرابی اورشلیم در اواخر قرن اول میلاد ، سیل قوانین عرفی که به معاهد دینیه مصر متهاجم است و سبب تضعیف و فسای متمسکین به شعائر اسلامی گشته ، تذلیل و تحریر اقوی کنائیں مسیحیت در روسیه و اروپای غربی و امریکای مرکزی ، نشر عقاید و انکار سقیمه که هادم و مخرب اساس و بنیان انظمه بظاهر متین سیاسی و اجتماعی بشتری است ، علائم نزول بلای ناگهانی که از جمیع جهات اساس تمدن کنونی را تهدید مینماید و بنحوی حیرت بخش سقوط امپراطوری روم غربی را بخاطر می‌آورد ، کل شهادت مدهد که این انقلاب برای ولادت نظم اعظم آئین حضرات بھا‌الله در عالم بوجود آمد هاست و هر قدر مضامین مکنونه این نظم دائم الاتساع الهی مکشوف ترگرد و شاخ و برگ آن کره ارض را بیشتر فراگیرد ، برشدت و وسعت این انقلاب خواهد افزود .

در خاتمه مذکور میگردد که عصر تکوین دور بهائی به ارتفاع نظم اداری مختص گشته و این نظم بمتابهٔ صد نی برای حفظ وصیانت گوهر گرانبهای امرالله است و بمیور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیه‌ایست که این شرع انور را به مرحلهٔ نهائی وارد خواهد کرد .

مدادام که این نظم هنوز در مرحلهٔ طفولیت است زنهار کهنسی در راد راک کینهیتش به خط رود ویا از اهمیتش بگاهد و یا مقصدش را دیگرگون جلوه دهد . صخره‌ای که این نظم اداری برآن استوار است مشیت ثابت‌الهیه برای هالم انسانی در عصر حاضر است . منبع الہامش نفس حضرت بھا‌الله است ، حامی و مدافعه جنود مجنده ملکوت ابیه است ، ظهور و نشو و نهایش نتیجه اهراق دم لا اقل بیست هزار شهید است که حیات خویش را در این سیل نثار نموده اند ، محوری که مؤسسه ساساش حول آن طائف مضامین محکمة الواح و صایای حضرت عبد‌البها است ، مبادی اساسیه اش حقایقی است که مبین مصنون از خطای آیات الهی در خطابات مبارکه خویش در غرب بیان فرموده ، احکامی که برای اداره اش وضع گردیده و وظایفش را تحدید مینماید صریحاً در کتاب اقدس نازل شده است ، مقری که مشروعات روحانیه و خیریه و اداریه اش حول آن مجتمع میباشد مشرق الاذکار و متفرعات آن است ، ارکانی که سلطه اش مستظهر بد است د مؤسسه ولايت امرالله و بیت عدل اعظم است ، مقصد اصلی وضعی که محرك آنست استقرار نظم بدیع جهان آرایی است که شالوده آن را — حضرت بھا‌الله بنیان نهاده ، روشنی که بکار می‌رود و موازینی راک القا مینماید آنرا به

شرق متعاشر میسازد نه به غرب نه به یهود و نه به غیر آن نه به فقیر و نه به غنی نه به سفید و نه به سیاه، شعارش وحدت عالم انسانی، علمش صلح اعظم، سرانجامش حلول دوره ذہبی هزار ساله یعنی یومی که سلطنت‌های عالم به سلطنت الهیه که سلطنت حضرت بهما "الله" است، مبدل گردد.

حیفا - فلسطین ۸ نوریه ۱۹۳۴ "شوکی"

بیست و پنج سال در رظل ولایت امیرالله

بقلم حضرت امیرالبهاء روحیه خانم

بیست و پنج سال پیش عالم بهائی دچار یک زلزله عظیمی شد حضرت عبدالبهاء در کز
میثاق سرالله الا کرم بفتاً صعود نرمود دوستان و پیروان خود را که منتظر این فاجعه
هولناک نبودند مبهوت وحیران بر جای گذاشت بهائیان شرق و غرب که در چنین حیثیت
و حسرت گرفتار شدند بودند سعی نمودند افکار و قوای خود را در نقطه واحد تمرکز دهند قلبی
بین امر جدید و مظہر ظہور الهی ونظم جهان آرایش کدولید شریعت ابھی بود ایمان
داشتم و میدانستیم که وظایف عظیمه در پیش داریم ولی احساس میکردیم که کاملاً یک و تنها
باقي مانده ایم و نشار مسئولیت سنگین وظایف آینده را بر قلوب غمده خود مشاهد میکردیم
چویان ما کجا است؟ آهنگ آن محبوب یکتاکه از نفس مظہر حق سرچشید گرفته بود و گوش ما
با آن بس آشنایی داشت یکباره خاموش شده آری تعالیم بر جای بود آن میراث مرغوب چون
آزمایشگاهی کاملاً مجتہز واز برای هر منظوری آماده بود ولی کجا است آن کیمیاگری که بتواند
فلزات پست را بطلاء تبدیل کند؟ کجا است آن شنونده‌ای که بسؤالات ماجواب گوید؟ و مارا
دراستفاده از این آزمایشگاه راهنمای باشد؟ در این هنگام بود که الواح وصایای حضرت مولی
الوری تلاوت شد و با یک احساس خوشی همگی آگاه شدیم که گرچه امواج بلا فراق از هر
طرف ما را احاطه کرده است ولی حضرت عبدالبهاء مارا بخود وانگذاشته بود فلک پیمان
خویش را بنا اعطای نرموده بود تا بتوانیم در آن بسلام آمنیم وارد شویم.

چه معنوی و شاکر بودیم هنگامیکه مشاهده نمودیم آن طلعت جوان از خلال آن السواح
بفتاً پیدا شده حضرت عبدالبهاء این عطیه کبری را بشمره دوسره منتهی و گوهرد و بحر
مظلوم اسنی ملقب نرموده این خلق بدیع بخلعت بینظیر مقام موروثی تبیین کلمات الهی
وصایت آئین ریانی و ریاست بد و نعزل بیت عدل عمومی مخلع گشته الواح وصایای حضرت
عبدالبهاء از چندین جهت مکمل و هتم کتاب مستحاط اقدس است که در این الواح مبارکه
طریقه انتخاب و وظایف و اختیارات و حاکمیت بیت عدل عمومی مشروحاً بیان شده و نیز موضوع
شایان توجهی که در کتجینه سنن و احکام الهی مسکوت مانده بود و توجه هر صاحب نظر صیر
را فوراً بخود جلب نمی نمود تصریح و تبیین گشته است حضرت بهاءالله در کتاب مستحاط —
اقدس یک نوع مالیات اختیاری بدیعی وضع نرموده اند و اهمیت این عایدات را باتسمیه آن
با اسم حقوق الله کاملاً آشکار می فرمایند ولی ابد اتصاریح نمی فرمایند که عایدات مذکور به که
راجعاً است و چون عاید است بیت عدل عمومی صریحاً بیان شده و حقوق الله در ضمن آن حسو
نگردیده البته این اشکال پیش آید که حقوق الله به که راجعاً است الواح وصایای حضرت
عبدالبهاء این معماً را حل و این مجهول صریح را که حضرت بهاءالله ناتمام گذاشتند —
معلوم و روشن می فرماید موضوع غالب توجه دیگرانکه حضرت عبدالبهاء از مدتهاق ل از

صعود مبارکشان نه تنها مندرجات الواح وصایارا در نظر داشتند بلکه عمل‌آنیز بود وین آن
 اقدام فرمودند الواح وصایا مشتمل بر سه قسم است که هر یک از قسم‌های آن در زمانی
 نازل شد و به مهر و امضای مبارک مزین گشته است حضرت شوقی افندی هنگامیکه جوانی
 بیش نبودند یعنی در دوران سخت و خطرناک زندگانی حضرت عبد البهاء در مرد پنهان عکس
 به سمت وصی حضرت عبد البهاء در طی قسمت اول وصیت مبارک معین شده بودند این تصمیم
 مبارک بعدها در قسمت سوم وصایای مبارکه بالحنی شدید تر تأیید و تأکید گشته بعلاوه
 حضرت عبد البهاء در دوره طفولیت اولین ولی امراللهی آن لوح عظیم را در موضوع ولاد
 طفلی که در آنیه با نجاح امور عظیمه‌نائل خواهد آمد نازل فرمودند هنگامیکه منشی مبارک
 دکتر بونس خان سؤال می‌کند آیا مقصود طفل واقعی جسمانی بود و یارمی روحانی
 است حضرت عبد البهاء می‌فرمایند که منظور طفل حقیقی است که ارتفاع امراللهی بدست او
 خواهد بود بنابر این ملاحظه می‌کنیم که با صعود حضرت عبد البهاء بیست و پنج سال پیش
 جامعه اهل بہا بیسیزیرست تواند نظر مبارک حضرت عبد البهاء نسبت به مقام ولايت امر
 که ولید نقشه حضرت بہا اللہ است در همان ایام اولیه لباس عمل پوشید ولی در اثر وقایع
 تلخی که در زدت شصت سال برآن حضرت وارد آمده بود این راز گرانبهای خود را با کمال
 دقیق حتی از وصی مورد نظر خویش مکثوم داشتند و فقط پس از صعود مبارکشان بود که ما
 بتدربیج بعظامت و کمال نظم اللهی که در این کور اعظم با هل عالم اعطای شده بی بردیم این
 نظم نظمی است که از طرفی ید فیضی اللهی بصورت مقام ولايت امر که مستقیماً منسوب به
 دوشار مقدس این آئین است همواره از آن حفاظت وصیانت مینماید و از طرف دیگر در ظل
 همین نظم ریاضی است که مقام انسان بر تیه عظمی نائل آمده چه که اعضای بیت عدل عمومی
 که بانتخاب آزاد تعیین می‌گردند در مقام هیئت و اجتماع موعود بشمول الهامات اللهیه و
 صیانت ریاضیه در مذاکرات و تصمیمات خود مینباشد .

بگذار انتظار خود را بگذشته اند ازیم و بیاد آریم هنگامی را که حضرت شوقی افندی برای
 اولین دفعه زمام ولايت را بدست گرفتند و در نظر خود مجسم کنیم که ماچه بودیم واو چه
 بود آنانیکه صعود حضرت عبد البهاء را بخاطر دارند و آن لطمه شدید و حزن و اندوه طاقت.
 فرسا را بیاد می‌آورند بهتر می‌توانند احساسات مبارک را در بیان داران هنگام بیش از
 بیست و چهار بیار از عمر جوانشان نمی‌گذشت و در دانشکده آکسفورد در انگلستان تحصیل
 مینمودند و نکر مبارکشان این بود که هم در انجام وظیفه مترجم در آستان مبارک حضرت
 عبد البهاء وهم در ترجمه بروخی از آثار مبارکه بزبان انگلیزی مهارت بیشتری حاصل نمایند
 در این جیسن که خبر وحشت اثر صعود مبارک باشان رسید باقلی اند و هنگ و ضعفی منبعث
 از روح والم بطوریکه مستلزم کمک هیکل مبارک در بیاد شدن از ترن بود وارد حیفا شدند
 دفعتاً ضربه‌ای دیگر با اثراتی شدیدتر برایشان وارد آمد الواح وصایای جد مجيد از برای

ایشان تلاوت شد و برای اولین دفعه در زندگانی خود بر راز عظیم و مکنون حضرت مولی‌الوری واقف شدند که ایشان شوقی اندی نوہ محبوب آن جد بزرگوار وصی آن حضرت واولین ولی امرالله‌ی تعيین شده‌اند در تحت نشار این بارستگین و ضربه هولناک به عالم بهائی روآوردند جامعه‌ای مشاهده فرمودند که از لحاظ تنوع اختلاف از حالت وحدت و یکریگی خارج و دارای نظم و ترتیبی ناموزون و متفرق در صفحات مختلف جهان و مقیم در قریب بیست مملکت از ممالک دنیا است گرچه این نقوص ثابت و مخلص و جانشان بودند ولی گوئی هنوز در خرابه‌ای ادیان سابقه خویش بسر میبردند هنوز بهائی مسیحی و بهائی کلیی و بهائی مسلمان دیده میشد گرچه همه با مر بهائی مؤمن بودند ولی هنوز تعاس و ارتباط نزد یک با تشکیلات دینی سابقه خویش داشتند مانند میوه درخت گرچه از پیوند جدید بودند ولی هنوز بر شاخه‌های قدیمی قرار داشتند مصدق این گفتار هم در شرق و هم در غرب مشاهده میشد هنگام صعود حضرت عبد‌البهاء امرالله‌ی بدین پایه رسیده بود.

واماً ماجوانی را مشاهده میکرد یم بیست وجهار ساله که برآس امرالله‌ی قرار گرفته بود بخی از یاران برآن شده بودند که هیکل مبارکش را راهنمای باشند ولی دیری نگذشت که تنها بمقام اولین ولی امرالله‌ی بلکه بطور کلی بمقام ولایت یعنی برده نوراً دریافتیم که اخاطه حضرت شوقی اندی امنع از آن است که بتوان با آن برابری نمود نه منسوبان و نه یاران قدیم وجود دهد و نه محبین و مفرضین قادر نبودند نظریات مبارک را تغییر داده یاد رتصمیماتش اعمال نفوذ نمایند نوراً تشخیص دادیم که نه فقط مؤید بالهایات الهیه‌اند بلکه حق جل جلاله یا ایشان قوای اعطای فرموده که بوسیله آن نظم اداری تأسیس و یاران در مساعی مشترکه متحد و اقدامات عمومی آنان تنظیم خواهد شد حضرت شوقی اندی در تشكیل نظامات و تحلیل معضلات و تجزیه هر مسئله به جزئیات آن و پیشنهاد راه حل متنی و صحیح بلافاصله شیوعی از خود به ظهور سانیدند و با جدیتی کامل و عزمی راست و همتی بهیمان اقدام فرمود و نفوذیکه بفیض لقا مشرف میشدند مفتون صراحت و صمیمت و ملاحظت و تواضع حقیقی و مهروج ذ فطیری مبارک میشدند چرخه‌ای امرکه موقتاً نظر به صعود حضرت عبد‌البهاء دچار وقته شد بود بار دیگر با سرعتی بیسابقه بکار افتاد پدر صبور و غفور ما که بیش از آنچه تصور میکرد حضرتش را خسته و شاید آزده نموده بود یم در کذشت و یک برادر حقيقی در عنفوان جوانی وباتصمیعی راست (که وقت آنست کل با جرای وظایف مفروضه حضرت بهما «الله و حضرت عبد‌البهاء قیام نمائیم و آنی از دست ندهیم») جایگزین آن پدر بزرگوار گردید. تلاوت الواح و صایا واستقرار مقام ولایت دوره جدیدی در تحولات امرالله‌ی بنحوی بس طبیعی و اسلوبی اساسی آغاز نمود بهترین نمونه این تحول یکی از اولین اقدامات حضرت ولی امرالله‌ی بود که از رفتن بمسجد جامع کاملاً خود داری نمودند در صورتیکه حضرت عبد‌البهاء تا آخرین جمعه حیات مبارکشان در مسجد جامع حضور بهم می‌ساندند کمان اهالی محل راجع

به بدعت آئین بهائی باکمال صراحت روش شد این اقدام شاید از برای حضرت عبد البهاء، غیر مقدور بود که روابط بس صمیمی و قدیمی خود را با جامعه اعراب و مخصوصاً با مسلمین - فلسطین قطع و نسخ نمایند . این روابط حتی در دوره‌ای که ذکر نام بهائی منوع و حرام بود ادامه داشت ولی حضرت ولی امرالله بیدرنگ این عمل را انجام دادند و بهائیان رانیز در مالک مختلفه نیا تشویق بهمن عمل نرمودند .

حضرت ولی امرالله پس از صعود حضرت عبد البهاء از برای خود د وظیفه معین نرموده بکی آنکه بهائیان را در سراسر عالم تشویق فرمایند تا اقدامات خود را بادر نظر گرفتن بیانات حضرت بهاءالله و تبیینات حضرت عبد البهاء از مجرای تشکیلات اداری صورت دهند وظیفه دیگر رهایی تدریجی آنان از تعلقات عالم قدیم بود تاهم از انتساب به تشکیلات دینی سابق وهم از پیروی اصول عتیقه فاسده و متداوله در جامعه مالک مختلفه که منافی با مبادی بدینه اخلاقی حضرت بهاءالله برای این عصر است خود داری نمایند . حضرت ولی امرالله در بین سالهای ۱۹۲۳ و ۱۹۳۴ بکمک و معااضدت خالصانه بهائیان در مالک مختلفه موقع بنیانش محفل روحانی ملی با تشکیلات تابعه آنها از قبل صندوق های خیریه ولجه‌ها شدند در صورتیکه در دوره حضرت عبد البهاء این تشکیلات ملی فقط در ایران و امریکا برقرار بود و وضعیت آنها بیشتر جنبه هیئت‌های مرکزی داشت که امور ملی امرالله را اداره نمی‌نمودند و این هیئت در امریکا انجمن شور سالیانه را تشکیل میداد - اقدامات اولیه را برای تأسیس مشرق الاذکار اتخاذ نمود ولی حال محفل روحانی ملی جدید در بریتانیا - آلمان - عراق - مصر - سودان - استرالیا و نیوزلند برآسان متن تأسیس یافت و در ظل تبیان و تربیت مستمر و مستقیم حضرت ولی امرالله باداره امور جامعه‌های دائم الاتساع خود باکمال جدیت و همت قیام نمودند .

حضرت ولی امرالله دارای قوه میزه امرالله هستند و این قوه را بحد اعلى وقطعانی بموهبت الهی احراز نموده‌اند آنچه بتشخیص ما کاملاً امری ناچیز و بی‌اهمیت است ممکن است در نظر مبارک محور تعمیمات عظیمه باشد حضرت ولی امرالله میزان امرالله هستند قدر و منزلت مسائل واحتیاجات ووظائف و موقعیت رامعین و ترتیب و تنظیم می‌فرمایند و اسر الهی را در جمیع اقطار عالم باقتضای ضعف و نقص افراد احبابیه برمی‌حور مطلوب می‌گردند . حضرت ولی امرالله از آغاز دوره ولايت خویش باب مکاتبه را با محفل روحانی ملی بهائیان امریکا باز نمودند و طریقه اداره امور امریه را در آن اقلیم توضیح نرمودند تواقیع مفیده مبارکه ایشان بعد‌ها جمع‌آوری و بنام کتاب "تشکیلات بهائی" منتشر گردید و منزله دستور العمل هیئت‌های اداری امری دشرق و غرب عالم بهائی قرار گرفت حضرت ولی امرالله در ضمن اینکه ما را بچگونگی قیام بخدمت بصورت هیئت و اجتماع و در مقام فردی بعنای عضو جامعه بهائی آشنا می‌فرمودند افکار ماترانیز تربیت می‌فرمودند تا مفهوم جدیدی از

مقام آئین الهی که مستند بر بیانات حضرت اعلیٰ و حضرت بها اللہ و مخصوصاً الواح مخصوصه حضرت عبد البهاء خطاب با حبای امریکا بود درک نعائیم و آن مفهوم این بود که ایران در قرن نوزدهم مهد این آئین جهانی بود و حال آمریکای شمالي مهد نظم اداری است که بنوبه خود مبشر مد نیت و حکومت بدیع جهان آرا خواهد گشت حضرت ولیٰ امرالله در نهایت برد باری وبا کوششی خستگی ناپذیر در طی این سالیان دراز زحمت کشیده اند که این نظم اداری تأسیس شود و جامعه بهائیان امریکا را نمونه اعظم قرار داده اند تا بهائیان در رسائل ممالک بآنان تأسیس کنند در ضمن اینکه یاران امریکا سعی و کوشش مینمودند که معنی حقیقی زندگی در ظل نظم الهی که دارای سنن و مقرراتی است که باید عملآجرا شود نه اینکه صرفاً زیارت و مطالعه گردد پی برند و امیال و طرز رفتار خود را حقیقتاً مطیع و منقاد دلالت هیئت‌های نمایند که بحکم اکثریت باداره امور خود میپردازند در ضمن این احوال حضرت ولیٰ امرالله منظور نهایی خود را از تأکید اکید نسبت بلزوم اطاعت از مبادی اداری امر الهی اقل من آنی از نظر دور نداشتند و منظور مبارک همواره ایجاد دستگاهی بود که بتواند با کمال اقتدار یکی از وظایف اولیه هر فرد بهائی یعنی تبلیغ امرالله را اجرا نماید . . .

هیچ شرحی در تقدیر از خدمات برجسته بهائیان عالم در این مدت کامل نخواهد بود مگر آنکه ذکری از آنچه حضرت ولیٰ امرالله بتهایی د مرکز جهانی الهی در فلسطین انجام داده اند سخن بیان آید گذشته از مکاتبه مستمر و بهمار مبارک نه فقط با محافل روحانی ملی و محلی بلکه با جمعیت‌های بهائی و افراد یاران بغیراز تلکرانات و دستورات مبارکه خطاب به بهائیان در نقاط مختلف جهان بجز کتبی که تحریر فرموده و آثاری که با کمال زحمت وظرافت ترجمه فرموده اند حضرت ولیٰ امرالله به بهائیان شرق و غرب در جمیع اقدامات مهمن یاران مساعدت مالی نیز ابراز نموده اند خواهد رستگیری از مهاجرین روسیه و یا از ملهمین و مظلومین ایران خواه در بنای حظائر قدس ملی و باطیع و انتشار ترجمه‌های مختلف کتاب اسلامت خواه در مساعدت کریمانه بساختمان مشرق الا ذکار امریکا و یا کمک به مهاجرین نقشه- های هفت ساله و یاد ر ساختمان مراقد خادمین برجسته امرالله در جمیع این موارد دست فتوت مبارک قبل از همه باز بوده و کمک مؤثراً اعطای میفرمودند در حیناً و عکاً حضرت ولیٰ امرالله نه فقط موفق شدند که بقاع مبارکه و مسافرخانه‌ها و اراضی مربوطه را ازعوارض دلتنی و شهرداری معاف نمایند بلکه دائره این موقوفات را وسعت داده بطوری که در را وادی اردن نیز املاکی بتصرف امر د رآمد و قیمت جمیع این موقوفات را امروز به دو میلیون و نیم دلار تخمین میزنند و نیز همه ساله بر وسعت باغهای حول مقام اعلیٰ در کوه کرمل افزوده میشود همچنین حضرت ولیٰ امرالله با استقرار رسان مطهیر حضرت ورقه علیها در یکی از عالی‌ترین نواحی شهر حیفا از لحاظ سکنی موفق شدند و پس از چندی به انتقال دو رسان اظهر مادر و برادر رشان بهمان

بقعه نورا که مرقد حرم مبارک حضرت عبد البهای نیز در آن مکان مستقر است نائل گشتند و باع
مجلل و بینظیری در حول آن چهار مقام مرمری که محل استقرار رمسهای اعضای خانواده
مبارک حضرت عبد البهای است ایجاد فرمودند این دو باع که در دو طرف یکی از خیابانها
معروف شهر حیفا قرار گرفته از برای تماشای عموم آزاد است و در کلیه کتب جدید راهنمائی
فلسطین بعنوان امکنای که مسافرین ارض مقدس نباید از آن صرف نظر نمایند مذکور شده
ابتیاع قصر مبارک بهجی — دفع تحریکات مستعره ناقصین — تاسیس دو محفظه آثار ملواز
اشیاء نفیسه متبرکه تاریخیه که بوسیله هیکل مبارک جمع آوری و بازرسی و تسمیه و تنظیم
میشود تاسیس گنجینه کتب و مطبوعات امری که مشتمل بر ۵۰۰ جلد کتاب هم در کتابخانه
حیفا و هم در کتابخانه عکا است اینها فقط مختصی از اقدامات برجسته در مرکز بین‌المللی
امرالله است که زائرین و مسافرین از هر خاک و بوم بسوی آن سافرت مینمایند.

چون کلیه این امور را در نظر گیریم بحقیقت واقعیت و قایعیه از حین صعود حضرت
عبد البهای تاکنون در ظل حمایت مستقیم حضرت شوقي افندی بوقوع پیوسته تدریج اپسی
خواهیم برد این آئین نازنین که در زمانی گمنامی بیش نبود و فقط چند تن از مستشرقین از
وجود آن اطلاع داشتند در سایه هدایت واستقامت حضرت ولی امرالله هم اکنون افتخار
دارد که در صفحه پیروان خالص و غفور خود ملکه فاضله مشهوره (مری) رومانیا قرارداد و شهادت
نفوں ممتازه معروفة غیر بهائی در تقریر از مؤسسين و تعالیم و اقدامات آن بالغ بربیک جلد
کتاب گردیده و در این مدت بیست و پنج سال توانسته است قوه خلاقه خود را به ثبوت
رسانیده هیاکل قدسیه و شهداء و متفتنیین ممتاز در تشکیلات امری و حتی ایادی امرالله
بوجود آرد و شهرت آن در عالم غرب بحدی انتشار یافته که یکی از دول بزرگ جهان چون
دولت آلمان قبل از جنگ وجود و بقای آن را منع و پیروانش را تعقیب و زجر نمود و بالاخره
شکایت بهائیان از شیعیان بغداد در تولیت بیت اعظم در کمیسیون مخصوص جامعه ملل
صور داده واقع و قرار برله بهائیان صادر گردیده و شخص ملک فیصل و وزرا او در این
خصوص مفصلًاً مذکوره ولی موضوع را با وعده‌های بی اساس خود خاتمه دادند.

جمعیت این امور پس از موارد دیگر که ذکر آن در این مختصر نگنجد گواهی میدهد که
امرالله با صعود حضرت عبد البهای دچار وقهه و رکود نگشت بلکه به پیشرفت خود در
صراط مستقیمی که حضرت مولی الوری در الواح و صایا مقرر فرموده بودند ادامه داد و حتی
به نحوی بسیاره ترقی و تعالی حاصل کرد، تصوّرات ما راجع به نظم اعظم جهان آراهنگاً
صعود حضرت عبد البهای بس ساده و نابالغ بوده، برخی از بهائیان معمرو خدم و بامهرو
شدقی پدرانه راجع به لزوم تشکیل فوری بیت عدل عمومی حضرت ولی امرالله را متذکر
میداشتند نمیدانستند که مبنای این مشروع جلیل برچه استوار است ولی حضرت ولی امر
الله بر تمهیدات زیاد و دقیقیه میباشد قبل از ترتیب داده شود کاملاً واقف بودند نظم

بد یعیکه در احکام حضرت بها «الله مقرر گشته چون قصر مشید است و بیت عدل عمومی چون گنبد واوج واکلیل و رمز وحدت آن آیا معکن بود این گنبد را در فضا معلق گذاشت ابتدا میباشد اساس ریخته شود و این اسا س عبارت از محافل روحانیه و با واحد های اولیه ایست که باید خود مرکب از عنصر پرورش یافته کامله باشد و اما افراد پاران یعنی سلوهای کوچک جامعه باید بد و درک وظایف خود نموده وحدتی کامل و متین تأسیس نمایند تا بتوانند محافل روحانی در سراسر کشور خود تشکیل دهند و بدینوسیله بنیادی نهند که برآن قوائم وارکانی چون محافل ملی در ظل گنبد این قصر مشید استوار گردد . اگر بیگانهای سؤال نماید که صرف نظر از اتساع و انتظام داشته اقدامات بهانیان و نفوذ وسرایت آن در ممالک و طبقات جدیده آیا حقیقت باطن وصفای معنوی امراللهی چگونه بوده ؟

آیا پیشرفت و ترقی ظاهری، بنیان وحدت و میگانگی روحانی پیروان امر حضورت بها «الله را در چار ضعف و سستی نموده است اگر مقابل این سؤال میتوانیم پس از تجربیات بیسیت و پنج ساله خود با کمال صد اقت و از صمیم قلب بگوئیم لا والله مقام ولا بیت امر که بوسیله حضرت عبد البهاء جزء لا ینفک امراللهی مقرر گردیده بطوریکه حتی ارباب استقامت و نبوغ هرگز قادر بتفکیک آن نموده و نخواهد بود صفوی پیروان امراللهی را از هرگونه جدائی و انشاق باکمال قدرت و بتقدیر ایله تجربه نیز آنرا بشیوه رسانیده است حرص، حسد، بغض و آزار و بالجمله جمیع قوای شیطانی نفسانی که بشهادت تاریخ درقبال هرمصلح و پیغمبر و زمامدار روشنفکری - بنها یت بپر حمی ایستادگی نموده و در این دوره در قلب مخالفین چند رسوخ نموده و با کمال شدت هم بشخص حضرت ولی امراللهی وهم بهیکل زیبای امراللهی عمله کرد است.

همان طوریکه انتظار میرفت اولین حمله از جانب ناقصین بود محمد علی که بیهوده میکوشید تا شاید حضرت عبد البهاء را مد نام نماید و احباب را دلسوز کند و تحریف آثار مبارکه حضرت بها «الله را نماید و حتی بیش از یکبار قصد جان مولای حنون را نموده بود بار دیگر بیاد یعنی جوانی بیدفاع بر رأس امر آرزوهای خفتها و بید ارشد حمله ای و بیش از آنچه اضطراب آور بود مسخره آمیز مینمود چه که یکی از مریدان خود را برآن داشت که روضه مقدس پدر بیزیگوارش حضرت بها «الله را غصب و کلید آنرا از مستحفظ مخصوص برباید گرچه این واقعه تشویش آور بود ولی دعوی جانشین حضرت عبد البهاء، چنان در انتظار اولیای امور انگلیس روشی و هویدا بود که در اندک زمانی مجبور با استرداد کلید بنما ینده حضرت ولی امرالله شد میتوان گفت که این اولین مبارزه با حضرت ولی امرالله بود و بهائیان عالم ونفوosi که در محل شاهد این قضایا بودند از دوست و دشمن دانستند که امراللهی صاحب مدافعی قابل و هوشیار است.

در مصر ارمنی متکبری کردیده اش باز وطمع محتجب بود علم ناچیز خود را بر مخالفت این امر نازنین برا فراشت وعده ای از همطنان بهائی خویش و نفوس کم تجربه را از جامعه ای که در آن زمان هنوز در مراحل اولیه نشو وارتفا بود منفصل نمود ولی دیری نگذشت که این علمدار احساس خستگی نمود چه که ملاحظه کرد کسی او در اخراج نفوس از این فلک محکم و متین عملی است بیشتر و بیهوده بتد ریج پس از چند سالی برخی از این نفوس که با وجود این گمراهی و تجربه تلخ روحانی هنوز بارقه ایمانی در قلب خود احساس می نمودند بار دیگر از همان راه رفته بازگشتند و با مرالله روآوردند و پس از اینکه صدق نیت آنان بشیوه رسید مجدداً در زمرة بیاران که با کمال فعالیت امور امریه خود را اداره و توسعه مینمودند محسور وید یافته شدند خانمی امریکائی میسیز روث وايت که فی الحقیقہ دچار یک سو تفاهم عجیبی شده بود یعنی مدّعی بر جعل الواح و صایای حضرت عبد البهاء بود مقدار معتبر بھی از وقت و مال و همت خود را مصروف نشر و بسط عقايد خود نمود این تهمت و ادعای نسبت باین سند گرانها باد رنظر گرفتن خط ومضون و انشاء و مهرو تاریخ آن بحدّی بد یهی البطلان بود که تحریکات پر حرارت او هیچ اثر و نفوذی در جامعه بهائیان نکرد بجز در متعدد و دی از نفوس ساده دل در آلمان و اغلب این نفوس که علاقه و عقیده خود را نسبت باین امر مبارک از دست نداده بودند و فقط در این موضوع دچار شببه شده بودند حال مراتب پشمیانی وند امت واقعی خود را از اینکه سالیانی در گمراهی و در خارج جامعه بهائی زیسته و اوقات خود را به در داده اند اظهار نمودند و بار دیگر در زمرة بیاران در آلمان وارد و از فعالترین خدمت گزاران امرالله در آنسامان بشمار میروند در ایران آواره که در زمانی یکی از مبلغین فعال امرالله بود روشی اتخاذ کرد که در نظر هر صاحب بصر سلیمانی بیک نوع هاری روحی تعبیر میشد و اونه فقط به غایت شدت و بولهوسی شخص حضرت ولی امرالله را مورد حمله قرار داد بلکه اعتراضات خود را به حضرت بھا اللہ و حضرت عبد البهاء نیز وارد آورد اظهارات سخیفه ناهنجار او در مطبوعات سنت ایران در طی سالیان متعدد منتشر میشد و بقدرتی مشحون به اکاذیب بینه بود که حتی اعداء هوشیار و راسخ امرالله بطلان دعاویش را تشخیص میدادند.

نتایج این اقدامات از هرای او بسی ماشه نامیدی شد زیرا نه جمعی با او گرویدند و نه توانست در امور جامعه وسیع و مخلص و ثابت قدم بهائیان در موطن حضرت بھا اللہ رخنه و انشقاقی ایجاد نماید.

احمد سهراب یکی از منشیان سابق حضرت عبد البهاء خصوصاً در اثر کمک مادی زنی که بد ام مگر وحیله گرفتار گردیده توانست افکار شیطانی خود را در اجرای مقصد خویش بکار بندد حمله و اعتراض متعددی وشدید به نظم اداری کنوی امرالله بود که در رأس آن حضرت شوقي افندی و در ظل قیادت حضرتش محافل روحانیه قرار داشتند که بر طبق موازن

صحیحه تشکیل و در سراسر عالم بهائی بانتشار امر حضرت بهاء اللہ مشغول و بتأسیس مؤسسات الهیه اش مألوف بودند این فخر و میاهات را باید مخصوص او دانست که بلاشک لدو د ترین عدو و معارضی است که امراللهی در این بیست و پنجم سال اخیر برانگیخته است زیرا کدام جمالي است که موجد حق و حسد نشود و کدام عفتی است که آن را تهمت و افتراء از پس نیاید و کدام خوبی و فضیلتی است که حس شرارت حسود را بیدار ننماید این شخص که صرفاً از روی فضل و احسان چون همه ماقطراتی چند از بحر رحمت الهی نصیب گرفته بود میتوانست در اجرای نوایای حضرت عبد البهای و دستورات حضرت بهاء اللہ با بهائیان بنحو مؤثری کمک و مساعدت نماید ولی حرص و جاه طلبی براو غلبه نمود در این آئین نازنین ماباید تعایلات و آرزوهای شخصی خود را منحل در نقشه کلی عمومی نمائیم زیرا شعار ما اصل وحدت است و مانه فقط مرق شریعتی جدید هستیم که ارادی تعالیم بدیع است بلکه بنیان جامعه‌ای را برطبق اصول و اساس الهی بنیاد میکنیم که مستلزم غلبه بر اهواه ننسانیم و افنا شخصیت و امتزاج اعضا هیئت جامعه در قالب مشترک واحدی است احمد سپهریاب میان امر سرتسلیم ننهاد زیرا حصول برتری و تفوق که آرزوی قلبی او بود در این بساط مقدور نبود باد پرشارارت تهمت و افتراء او مدّتی برم بوزید و هر چند بعضی از قلوب را مضطرب و لسرد نمود ولی جمهور مؤمنین و مؤمنات را سائق و محركی شدید بود که نه تنها علاقه قلبی آنانرا نسبت به الواح و صایای حضرت عبد البهای بیافزود بلکه آنانرا برای قیام با نجام خدمات بیشتری دلالت نمود .

ما اهل بهاء از ذکر نام این متزلزلین نه خائفیم و نه منفعل بلکه بالعكس این نفوس بمنته نشانه‌های افتخاری است که نصیب جنود الهی گشته و چون فتوحاتی است که خاطره آن در قلوب ما عزیز و گرانبهای است طوفان‌هاییکه از آن بوجود آمد نه تنها ریشه ایمان مارا نسبت به امر حضرت بهاء اللہ راسخ تر نمود بلکه این نکته را بهشت رسانید که برای شخصتین بار در تاریخ دیانتی بنوع بشر عنایت گشته که قابل انشقاق بعدها ب نیست زیرا کتاب و صایای حضرت بهاء اللہ و حضرت مولی الوری چنان قویم و متنین و خالی از شائمه شکوارتیا است که محل است بتوان تعالیم این آئین را از مندرجات این کتاب مستطاب تفکیک نمود .

اصل وصایت که توأم با حق تبیین آیات الهی است همانا محوری است که اصول و - احکام امرالله چون پرده‌های چرخ در حول آن جای دارد هرگاه محور جد اگرد دستگاه بالکل از کار باز مانده آلت معطله شود و همین است که اعدای این امر نازنین صد سال است نتوانسته اند اساسی در خارج امر بنهند که مقرنون بد وام و سعادت باشد چون - با این دوره بیست و پنجم ساله اخیر نظر انکنیم قلب خود را مشحون از سرور و ترضیه خاطر مشاهده نمائیم اهل بهاء در این مدت قد مهای بزرگی در طریق رشد و بلوغ برد اشتعاند

و قابع ناچیز مؤلمه گذشته و مشاجرات شدیده و تشنجهات سفینه امرید است اعداء اینک کلّاً
 از مادر و مسافت زیادی از مانع اصله دارند ما پروردۀ کتاب و صایا هستیم مادر رقرب آن
 سدۀ مقدّسه شی مستظلّیم که برآفاق سایه افکده و حال ادارک مینمائیم که شجره اولین ولی
 امراللهی حضرت شوقی افتندی تا چه حد برومند و عظیم است و تا چه اند ازه ظلّش مدد و
 شاخ و برگش غرق در فواكه و اشمار طلعتیکه هنگامی مورد عطوفت و مهر واقع بود و قلوب از
 طراوت جوانی و عظمت ثقلیکه بر عهدۀ آن حضرت قرار داشت میگداخت حال مطعم نظر
 بند گانی است که با کمال اشتیاق متربّد اجابت فرمان و قبول نصائح و ارشادات صائبه
 حکیمانه او هستند در ظلّ هدایت ربّانیش اهل بها با عشقی سرشار و بکمال فخر و میاهات
 بخدمت قائم گشته و شاکر و سپاس گزارند که حق جل جلاله نه تنها چنین اساس اعز اغلای
 ولا پیش عنایت فرموده بلکه اساس این ولایت را بطراز این ولی امر محبوب مخصوص فرموده
 که سفینه امر را از آنهمه مخاطرات نجات داده و باید توانا و برد بارش آنرا بفتحاتی دلا
 فرموده که برحسب وعد حضرت بها اللہ باید نصیب آئین نازنیش در طی این قرن گردد
 قدر و منزلت خدمات حضرت شوقی افتندی ولی امر محبوب بامر نازنین اللهی هنوز مجہول
 است چگونه ممکن است چنین نباشد؟ ما طوری در قرب آن قرار گرفته ایم که در عنای این
 منظورة جلیل کاملًا ظاهر و آشکار نیست فقط رفته رفته بمقام و شخصیت حضرت باب و حضرت
 بها اللہ واقف و مطلع میشویم و تازه الیوم میتوانیم اشرافات آن دو طلعت مقدس را از خلال
 ابرهای متراکم و قوعات کتونی مشاهده نماییم که در نهایت عظمت و شوکت برآناق پرتوانکنده
 است کتاب God passesby بنفسه بزرگترین عاملی بود که مارا برای درک مقام و اهمیت آن
 د و همیکل مقدس براه اند اخت اما ما هنوز نزد بکسر آنیم که بخواهیم آنطور که شاید مقام
 و منزلت اولین ولی امر را دریابیم مغذلک با عطف توجه با ینکه حضرت ولی امرالله همچنانکه
 خود با نهایت خصوع بماتذکر داده اند بطراز هدایت الی مخصوص و مزین میباشد میتوانیم
 بخدمات حضرتشان اند کی وقوف حاصل نماییم در وهله اول بهداهای نفیسه آن حضرت
 اشاره نماییم و ترجمه کتابهای ایقان و لوح این ذئب وادعیه و مناجات‌های مبارکه و مجموعه
 الواح حضرت بها اللہ و کلمات مکونه و مطالع الانوار (تاریخ نبیل) و ذخائر بیشماریکه
 حضوش در آثار خود از نصوص مبارکه نقل واستشهاد فرموده اند در نظر گیریم اگر این
 ترجمه‌ها نبود معرفت و علاقه‌ها نسبت به امراء قدس ایهی از کجا سرجشة میگیرفت سپس
 آنها و شخصی هیکل مبارک نظر افکنیم و کتاب تشکیلات بهائی و توقعات عظیمه مبارکه راجع
 به نظم بدیع جهان آراء الله و رساله دوز حضرت بها اللہ و ظهور عدل الله وقد اتی
 يوم المیعاد و نیز بدء جلد کتاب هالم بهائی که حاصل نگرد و راند بیش و مجہودات مستعره
 خستگی ناپذیر آن حضرت است و از همه نفیس تر کتاب God Passesby داستان بینظیر
 و مشرف و عظیمه و قوعات مهم قرن اول بهائی در آن مسطور است کلّاً از براعة مبارکش نازل

گشته و این کتاب اخیر کتابی است که اهمیت سوانح قرن اول بهائی بعنهایت اهمیت آن
بیان شده واحدی جز هیکل مبارکش نمیتوانست این مهم ^{بانجام} رساند علاوه بر مراتب
فوق باید تواقیع مبارکه فارسی حضرت ولی امرالله را خطاب به بهائیان ایران اخافنهایم.
هرگاه مساعی خستگی ناپذیر و صبر جمیل حضرت ولی امرالله نبود هرگز موقیتهای —
بیست و پنجساله گذشته که در این مختصر بدان اشاره گشت حاصل نمیشد این مولای حنون
مادر عین یأس و ناامیدی مشق و پشتیبان بود و هرگاه ^{گنا} بهنگام بوقت عمل و مجاہدت طالب
راحت میگشتم مارا بکار و امید اشت احتیاجات را پیش بینی و مارا بانظریات و نصائح مبارکش
دلالت میفرمود و در موقع لزوم اجوبه شافیه میداد و نصوص مبارکه را در را ختیار مامیگذشت
حال امروز بخوبی تشخیص میدهیم که اگر حضرتش نمیبود امرالله چه وضعیت اسفناکی داشت
در اندازه اش طبقاً با اختلافات و رنجشها و دل آزدگیها که در هر جامعه سرچشمه
اشکالات گوناگون است مرتفع گردید توضیحات و تبیینات مبارکش چه بسا راه راهموارو قلوب
را در سبیل خدمت با مرحبوب بارد یگر نزد یک مینمود ولی معلمتنا هیچیک از این خدمات
مبارک باهل بها خالی از اشکال وزحمت نبود آن مولای محبوب با قلبی عطوف و حساس
و روحی پرفتح که از اشتیاق بیبايان بندگی در آستان حضرت عبد البهاء واجرای نوایای
مبارکش طافع بود در نهایت تدبیس و اعتساف بکمال مظلومیت مورد هجوم اعدای داخل و
خارج واقع گردید بطور کلی هرشخص سالم و آراسته ای در رایام حیات خوبی از عالم و عالمیان
توقع تقدیر و تحسین ندارد ولی از دوستان نزد یک خویشا ن نمیتواند انتظار نداشته
باشد ما شاید تصور میکردیم که با انقضای عصر جانبازی امواج بلا و افترا و حملات شدیده
فرونشسته ولی تقدیر الهی برآمد یگر تعلق گرفته بود آری حضرت ولی امرالله محبوب
امروز در نهایت قدرت و عظمت وبصیرت و دانایی و متناسب و کمال مارا در میان بازویان آهنین
خویش و در صون حمایت شریعت الهی مأوى و مسکن داده ولی آثار ضرباتی که در طی این
بیست و پنجسال بر هیکل الطفس وارد گشته کاملاً نمایان است و این ضربات شدیدتر از آن
بود که حضرت عبد البهاء در کتاب وصایا بآن اشاره نموده میفرماید "مواظبت نمائید که غبار
کدر و خزنسی بر خاطر نورانیش نشینید" در این مدت هیکل مبارکش متحمل مشاکل روزانه ایون —
این امر دائم الاتساع و مورد زحمات و لطمات عدیده آن قرار داشت آنچه در این میان این
مسئولیتهای عظیم مولای بناصر و معین اهل بها را تسلی میدهد همانا پیشرفت و تقدیر
امور امریه است در ساخت اقد سشن اخبار و بشارة خوش بمعناه نفعه حیات است و هر وقت
مقصودی انجام پذیرد و یا مشکلی حل شود و یا مشروع جدیدی آغاز گردد روح مبارکش
سبکبار و قلیش مشعوف و نکره نارغ و آماده ابداع امور جدیدی میگردد بنابراین ملاحظه
میکنیم که همان قسم که ما بهائیان در سراسر عالم از طرف خداوند بصون حضرت ولی امرالله
سپرد هشده ایم حضرتش نیز و دیگر گرانبهائی است که خداوند متعال بمعانیت فرموده است

مانجا پستی این موهبت را حقیر انگاریم بپاس مقام عظیم ولايت امرکه نوع بشر د راین عصر در ظل آن مستظل است و نیز بپاس این اولین ولی امزالهی حضرت شوقی افندی سزاوار آنکه در طی این سنین آتی کمرهت بر بسته برمراقب سعی و کوشش بیان فزائیم و در مدارج انتباه و هشیاری قدم فراتر نهیم مابا پستی همواره بخاطر داشته باشیم که کلیه قبودات و محدودیت های حقیقی منبعث از شخص ماست هرگاه ما اهل بها در حول این مرکز گرد آمده به محبتش دل بند بیم و در ظل رافت کبرایش عاشق یکدیگر شویم مسلمان موقنیت های ما در طی بیست و پنج سال آتی مضاعف خواهد شد .

هر حقیقت و اصلی دارای معانی و وجوده مختلفه است ممکن است هزار سال بگذرد تا قدر و منزلت حقائق مود و عه در الواح و صایای حضرت عبد البهاء کما ینبغی مفهوم گردد ولی ما نخستین حاملان این الواح مقدسه اگر بخواهیم میتوانیم در تاریخ آثاری بر جای گذاریم و بادگار دو رهای گرد بیم که نصیب بیشتری در درک مفاهیم این کتاب مستطاب - داشته و نوایی بدینه آن را برای اولین بار در اظلم سنین تاریخ بشری بر عالمیان هویدا ساخته است .

مجموعه نصوص مباركه درباره بيت العدل اعظم
حضرت عبد البهاء ميفرمايند : قوله الا حلی :

"ام رالله مانند قلزم بیکرانی است که هیچ چیز جوش و خروش آن را مانع نتواند شد ."
"بدایع الاثار، ج ۲ ص ۳۶۳"

ونیز میفرمایند :

"حق جل جلاله یفعل ما یشا" است و هیچ چیز قادر به انهدام عهد و پیمان او نیست و
نمی تواند الطاف اورا سدنماید و یا مخالفت امر او کند . او بهاراده خود هرچه بخواهد
می کند و برکل اشیاء قادر است . " (ترجمه) دستخط معهد اعلیج ۱۲۲ ص ۱

بيت العدل اعظم

- ۱ - "مصنون از کل خطأ" است.
- ۲ - " مصدر کل خیر" است .
- ۳ - " مرجع کل امور" است.
- ۴ - "مبین امور مبهمه" است.
- ۵ - "حلال مشکلات" است .
- ۶ - "دانع اختلاف" است.
- ۷ - "جري صلح اکبر" است.
- ۸ - "احکامش ملهم و روحانی" است.
- ۹ - " واضح احکام و شرایع غیر منصوصه" است.
- ۱۰ - "هرچه تقرر یابد همان مانند نیز" است.
- ۱۱ - "امور سیاسیه کل راجع به بيت عدل" است.
- ۱۲ - "مخالفت با بيت العدل اعظم مخالفت با خدا" است.
- ۱۳ - "اقتدارش من عند الله و مستعد از ملکوت اعلی" است.
- ۱۴ - "اتبعاعش فرض مسلم و واجب متحتم برکل " است.
- ۱۵ - "در تحت حفظ وصیانت جمال ابهی و حراست وعصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما
الغداء" است.

"معهد اعلی ، بيت العدل اعظم"

۱ - کیفیت تشکیل (طرز انتخاب ، رمز بنیان ، محل استقرار)

الف - نصوص و بیانات مبارکه :

حضرت بها الله میفرمایند :

" بد قدرت الهیه امر نازنین را برآس سمتین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات

عالی کون بنیان آنرا هرگز منهدم ننماید واوهام بشر بنیاد آنرا متزلزل نسازد"

(ترجمه) دستخط معهد اعلیٰ ج ۱ ص ۱۲۲

حضرت بها "الله می فرمایند :

"این امر میرم از جبروت قدم از برای اهل عالم عموماً و اهل مجالس خصوصاً نازل شده چه که اوامر و احکام وحدودات منزله در کتاب به رجال بیوت عدل الهی تفویض شده واین حکم سبب اعظم از برای اتحاد وعلت کبری است برای مخالطه و وداد من فی الیاد ."

"امرو خلق ج ۴ ص ۲۷۸"

حضرت عبد البهاء می فرمایند :

"... و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ وصیانت جمال ابهی و حراست وعصرت فائض از حضرت اعلیٰ روحی لهم الفد است ... اما بیت عدل الذى جعله الله مصدراً كل خیر و مصوناً من كل خطأ باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود ... و مقصد بیت العدل عمومی است یعنی در جمیع بلاد بیت عدل - خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل ، بیت عدل عمومی انتخاب نمایند ..."

ارکان نظم بدیع ص ۲۳۳

حضرت عبد البهاء می فرمایند :

"... و بیت عدل اعظم به ترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملت د رارویا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت العدل اعظم را انتخاب نماید ..."

مکاتیب عبد البهاء ج ۳ ص ۵۰۱

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

"آنچه در هویت این امر ابداع اکرم ستور و بتدریج از حییز غیب بمعرصه شهود خواهد آمد اول واعظ آن تأسیس دیوان عدل الهی است که اعلیٰ ذرورة قصر مشید نظم اداری امرالله محسوب و باید در جوار قبله اهل بها" و مرکز روحانی آئین بیزد این استقرار یابد"

قرن بدیع ج ۴ ص ۲۸۶

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

"الحمد لله آفتاد عدل از افق بها" الله طالع شد زیرا در الواح بها" الله اساس

عدلی موجود که از اول ابداع تا حال بخاطری خطور ننموده" همچنین "خیمه هستی بر ستون عدل قائم است نه بخشش وفضل وحیات انسانی بر بنیان عدالت استوار است نه اغراض وستره" (ترجمه) ظهور عدل الهی ص ۵۹

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

"... آنچه از حیث اصول راجع به کیفیت انتخاب، قلم میثاق تصریح فرموده آن است که باید محافل مرکزی روحانی بہائیان که من بعد ببیوت عدل خصوصی معروف و موصوف

خواهند گشت خود مستقیماً اعضای بیت عدل اعظم الهی را انتخاب نمایند . . . پس معلوم و واضح گشت که بر حسب تعلیمات مقدسه حضرت عبدالمهیا، بیوت عدل خصوصی که در وقت حاضر به محافل مرکزی روحانی معروف و مشهورند منتخب منتخبیند و ارکان بیت عدل اعظم الهی منتخب منتخبیند:

"توقیعات مبارکه ج ۲ ص ۸۹"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"اعده محافل مقدسه مرکزی اهل بها متدرّجاً براساس متین ورزین محافل محلیه روحانیه در هر کشوری ثابت واستوار گردید و براین اعدمه مجله قصر مشید بیت العدل - اعظمش مرتفع و منصوب شود و در قطب امکان سر برافرازد و وحدت اهل بها را بر روی زمین من اقصاها الى اقصاها محقق و مجسم سازد . . ."

"ارکان نظم بدیع ص ۲۲۶ و ۲۲۷"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" . . . و به تأسیس مراکز منفرده که بمنزله نقاطند متوكلاً على الله مبادرت نمایند و این مراکز منفرده را به اسرع ممکن د رنتیجه تبلیغ و هدایت نفوس قولًا و عملًا به جماعات که بمنزله حروف ناتند تبدیل نفایند و جماعات را ستعاقباً به محافل محلیه که بمتابه کلمات تامانند تبدیل دهند و در ازدیاد این محافل روحانیه محلیه در ممالک مختلفه متعدد یا همت بگمارند تا وسائل انعقاد انجمن های سور روحانی متدرّجاً به کمال متنانت فراهم گردد و ارکان دیوان عدل الهی، مرتبًا منصوب شود و براین ارکان قبة بنیان الهی که بیت عدل اعظم و بمتابه کتاب مبین است مرتفع گردد و مؤسسات نظم بدیع الهی به این تاج مفخرت عظیمی - متوجه گردد و در دامنه کرم الهی جبل الرب د رمق معین استقرار یابد . . ."

"ارکان نظم بدیع ص ۲۳۰"

ب - توضیحات معهد اعلیٰ :

درخصوص انتخاب بیت العدل اعظم در نظامنامه معهد اعلیٰ چنین آمده است: " بیت العدل اعظم مرگب از نه نفر عضو از رجال است که بشرح ذیل از میان افراد جامعه بهائی انتخاب شده باشند :

بنده اول: انتخابات: اعضاء بیت العدل اعظم بوسیله اعضاء محافل روحانیه ملیّه در مؤتمری بنام سور روحانی بین الملکی با ابداء رأی سری انتخاب خواهند گردید.
الف - انتخاب بیت العدل اعظم هر هنچ سال یکبار صورت می گیرد مگر اینکه در این باره بیت العدل اعظم قرار دیگری دهد . . ."

"ارکان نظم بدیع ص ۳۲۸ و ۳۲۹"

۲ - مقام و منزلت :

الف - نصوص وبيانات مباركة :

حضرت بها «الله من فرما يند» :

.... اشراق هشتم این فقره از قلم اعلى دراين حين مسطور واز كتاب اقدس محسوب، امور ملت معلق است به رجال بيت العدل الهي، ايشانند. امنا «الله بين عباده و مطالع الامر في بلاده... چونکه هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی لذ اموریه بیت العدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند، غافسیکه لوجه الله برخدا مت امر قیام نمایند، ایشان ملهمند به الہامات غیبی السی برکل اطاعت لازم... امور سیاسیه کل راجع است به بيت العدل و عبادات بما انزله الله في الكتاب.

اشراقات ص ۷۹

حضرت عبد البهاء میفرما یند :

.... كتاب اقدس مرجع جميع ام و احکام الهی در آن مصّح ، احکام غیر مذکوره راجع به قرار بيت العدل ، دیگر اسباب اختلافی نه ومن يتعدّد بعد ذلك فاولئک هم الناعقون و اولئک هم الظالمون واولئک هم الاعداء العبغضون . زنهار، زنهار نگذارید نفسی رخنه کند والقا . نته نماید ، اگر اختلاف آرائی حاصل گردد ، بيت عدل اعظم فوراً حل مشکلات فرماید و اکثربت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است زیرا بيت عدل اعظم در تحت حمایت وعصمت وعفت سلطان احد بیت است واو را صیانت از خطای فرماید و درظل جناح عفت وعصمت خویش محافظه نماید و هر کس مخالفت کند مرد و گردد وعاقبت مقهور شود .

ارکان نظم بدیع ص ۱۸۹

حضرت عبد البهاء میفرما یند :

مقصود این است که قبل از الف کسی سزاوار تکلم به حرفي نیست ولو مقام ولا بیت باشد . كتاب اقدس مرجع جميع ام و احکام الهی در آن مصّح ، احکام غیر مذکوره راجع به قرار بيت العدل دیگر اسباب اختلافی نه ...

(ترجمه) د ستخط معهد اعلی ج ۱ ص ۱۶۴

حضرت عبد البهاء میفرما یند :

.... و بيت عدل عمومی که به انتخاب عمومی تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست وعصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفدادست . آنچه قرار دهند من عند الله است من خالفة وخالفهم فقد خالف الله ومن عصاهن فقد عصى الله ... اما بيت العدل الذي جعله الله مصدر كل خير ومصوناً من كل خطأ باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل گردد ...

(ارکان نظم بدیع ص ۱۸۹ و ۱۹۰)

ونیز میفرمایند :

"... وهمچنین ملاحظه نشود که بیت العدل به فکر و رأی خویش قراری دهنده استغفارالله . بیت العدل اعظم به الہام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نباید زیرا در تحت وقایت و حمایت وصیانت جمالقدم است . آنچه قرار دهد اتباعش فرض مسلم و واجب متحتم برکل است ابدأ منزی از برای نفسی نه"

ارکان نظم بدیع ص ۱۹۱ و ۱۹۲

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... حکم مفروض وامر واجب آن است که از قلم اعلی صادر ویابه قرار بیت العدل عمومی حاصل گردد . اما مامأموریم نه آمر، مکلفیم نه مکلیف . هذا حقیقت شریعة الله و اساس دین الله"

ارکان نظم بدیع ص ۱۹۴

ونیز میفرمایند :

"... باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت العدل نمایند و مaud اها کل مخالف فسی ضلال مبین"

ونیز میفرمایند :

"بگو ای مردم براستی بیت العدل اعظم د رظل جناح پروردگار مهریان و بخشندگو تحت عون و صون و حمایت اوست . به یاران ثابت قدم خود امر فرموده است که ازان هیئت مجلس مقدّسه مطاعه که اقتض ارش من عند الله و مستعد از ملکوت اعلی واحکامش ملهم و روحانی است اطاعت کنند"

د سخنخط معهد اعلی ج ۱ ص ۳۰۸

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"کلمه مبارکه "انه يلهمهم ما يشا" اطمینان صریح حضرت بها "الله بماين نفوس است و بنابراین فقط این هیئت مهابط هدایت والهیمات الهیمه اند ، نه انتخاب کنند گان که رأساً و یا غیر مستقیم ایشان را انتخاب می نمایند و این الہام همانا روح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"... این معهد اعلی سرچشمه اقدامات و اجراءات کلیه بهائیانست"

منتخبات توقيعات ص ۳ خطاب به احباب ایران

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"تصمیمات آن مؤسسه بهیچوجه و صورت با وصایا والواح حضرت بها "الله مفایرت - ندارد ."

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"اما آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و بتدریج از حیز غیب بمعرفة شهود خواهد

آمد اول واعظ آن تأسیس دیوان عدل الهی است که اعلیٰ ذرّه قصر مشید نظم اداری محسوب و باید در جوار قبله اهل بهاء و مرکز روحانی آئین یزدانی استقرار یابد . . .

(ترجمه) قرن بدیع، ج ۴ ص ۲۷۶

حضرت ولی امرالله میفرمايند :

" . . . و چون بیت العدل عمومی تأسیس شود آنچه قرار دهد من عند الله است و - تحت صیانت و عضتم و حراست جمال ابهی . . . "

ارکان نظم بدیع ص ۱۹۵ و ۱۹۶

حضرت ولی امرالله میفرمايند :

" . . . و چون واضح و مؤسس قوانین و احکام غیر منصوصه در کتاب الهی یعنی بیت العدل عمومی . . . تأسیس گردد ترتیبی جدید و قانونی محکم و متین و مشروعتی کامل تشریع نماید و تأسیس کند و تمام انجمن های یاران، چه خصوصی و چه عمومی چه داخلی و چه مرکزی کل در ظل آن و مقتبس از آن و مؤسس برآیند . . . "

ارکان نظم بدیع ص ۲۱۸

حضرت ولی امرالله میفرمايند :

" . . . معهد جلیل و بنیان قویم و رفیع المقامی که طبق آنچه از قلم شارع مقدس این امر اعظم در شان آن عز نزول یافته و بدان نام و نشان منعوت گردیده مظہر عدالت کلیته الهیه ومصدر صفات و سنتوحاات رحمانیه است، صفات و سنتوحاات که تحکیم و تنفیذ و صیانت و وقايت آن اعلیٰ رسالت آن هیئت مقدسه را تشکیل میدهد . . . "

" ظهور عدل الهی ص ۵۷ "

حضرت ولی امرالله میفرمايند :

" . . . شارع مقدس این شرع اعظم مشروع عظیمی را که احتاج و هاج واکمل جلیل مؤسسات نظام بدیع جهان آرای امرا قوم افحش اوست، آن را به صفت فضل و عنو موصوف نفرموده بلکه بیت عدل الهی نام نهاده است زیرا عدالت پگانه اساس و بنیان رصین و مؤید صلح اعظم یزدانی است . . . "

" ظهور عدل الهی ص ۰۶ "

ب - توضیحات معهد اعلیٰ :

در دستخط مورخ ۹ مارچ ۱۹۶۵ خطاب به محل روحا نی ملی هلت، بیت العدل اعظم بنقل از حضرت ولی امرالله میفرمايند :

" . . . حضرت عبد البهاء در الواح وصایا ازما دعوت نفرموده که تنها بدون قید و شرط نظم بدیع جهانی حضرت بها "الله را بپذیریم بلکه قدر و ارزش آنرا در انتظار عالمیان مکشف سازیم. اگر قصد کنیم قدر و منزلت کامل آنرا دریابیم یا پس از این مدت کوتاهی که از زمان اشراق و طلوع آن گذشته بخواهیم مفهوم حقیقی اش را درک کنیم، اقدامی بیموقوع و

گستاخانه کرده‌ایم، بلکه باید تسلیم زمان شویم و به‌هدایت بیت العدل اعظم الہی اطمیناً داشته باشیم تا مفهوم روشنتر و کاملتری از محتویات و آنچه رامتضمن است، بدست آوریم:

(ترجمه) دستخط‌های معهد اعلیٰ ج ۱ ص ۱۷۷

معهد اعلیٰ در پیام مورخ اکتبر ۱۹۶۳ خطاب بعالیٰ بهائی فرموده‌اند:

"... سلسلة عهد وبيان حضرت بها ﷺ از هم نگسته واز قدرت مکنونه وسيطرة محیطه‌اش نکاسته است. این امتیازات غلیظ دارای دو خاصیت بینظیر است که از عهود ادیان سابقه ممتازش میدارد. اول کلمة الله است که در این دور اعظم به طهارت اصلیه‌اش باقی و به تبیینات منصوصه الہیه غصن اعظم و غصن ممتازش مؤکد واضح و از تصرفات عالم کون و فساد محفوظ واز کد ورت تعالیٰ و عقاید مصنوعه بشری مصفاً واز استنباطات نامشروع و تفاسیر مراجع غیر منصوص، میری. ثانی زلال هدایت الہیه است که از مجرای مؤسسه عظیمه‌ای - جاری که حضرت بها ﷺ بنفسه بنیانش را تأسیس و به اختیارات عالیه‌اش مختص و به‌هدایت محتویه مطمئنش فرموده‌است. مؤسسه‌ای که ضامن تمشیت امور جامعه انسان به‌مقتضای زمان است.

معهد اعلیٰ در دستخط ۲۷ می ۱۹۶۶ می‌فرمایند:

"بیت العدل اعظم که بفرمودهٔ هیکل مبارک حضرت ولیٰ امرالله در آیندهٔ آیام بعنوان آخرين ملجاً و بناء مد نیت متزلزل و پراشوب" محسوب.

"دستخط معهد اعلیٰ ج ۱ ص ۳۲۰"

حضرت ولیٰ امرالله می‌فرمایند:

"برای درک نظم جهان آرای حضرت بها ﷺ دوچیز لازم است: یکی مرور زمان و دیگر هدایت بیت العدل اعظم" دستخط معهد اعلیٰ ج ۱ ص ۳۰۳

۳ - وظائف و اختیارات

الف - نصوص و بیانات مبارکه:

حضرت بها ﷺ می‌فرمایند:

"... کلمة الله در ورق هشتم از فردوس اعلیٰ... آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنی بیت العدل مشورت نمایند، آنچه پسندیدند مجری دارند، اته یلهمهم ما بیشا، وهو الدّر العلیم."

"(کلمات فردوسیه) ارکان نظم بدیع ص ۲۰۷"

حضرت بها ﷺ می‌فرمایند:

"باید وزراً بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تاعالم از مصاريف باهظه فارغ و آزاد شود. این فقره لازم و واجب چه که محاربه اس زحمت و مشقت است."

"دریای دانش ص ۹۱"

حضرت عبد البهاء مینفرما يند :

"... وچون بیت عدل واضح قوانین غیر منصوصه از معاملات است ناسخ این مسائل نمیز تواند بود یعنی بیت عدل الیوم در مسئله‌ای قانونی نهد و معمول گردد ولی بعد از صد سال حال عمومی تغییر کلی حاصل نماید ، اختلاف ازمان حصول یابد ، بیت عدل ثانی تواند آن مسئله ثانویه را تبدیل به حسب اقتضای زمان نماید زیرا نص صریح الهی نمیست..." اarkan نظم بدیع ص ۲۰۴

حضرت عبد البهاء مینفرما يند :

"... اگر نزاع وجد ال حاصل گردد حکم راجع به بیت عدل است..."

"مکاتیب عبد البهاء" ج ۴ ص ۲۰۶ " و " اarkan نظم بدیع ص ۲۱۳"

حضرت عبد البهاء مینفرما يند :

"... بیت العدل مصدر تشريع است و حکومت قوه تنفیذ ، تشريع یابد مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ یابد ظهیر و معین تشريع شود تا از ارتباط این دو قوه بنیان عدل و انصاف متین ورزین گردد واقالیم جنت النعیم وبهشت برین شود ..."

الواح وصایا ، اarkan نظم بدیع ص ۲۱۴

حضرت عبد البهاء مینفرما يند :

"... کتاب اقدس مرجع جمیع ام و احکام الهی در آن مصرح ، احکام غیر مذکور راجع به قرار بیت العدل . دیگر اسباب اختلافی نه ... زنهار زنهار نگذارید نفسی رخنه کند والقا فتنه نماید . اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فورا حل مشکلات فرماید واکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است..."

"مکاتیب حضرت عبد البهاء" ج ۳ ص ۵۰۰ و اarkan نظم بدیع ص ۱۸۹"

حضرت عبد البهاء مینفرما يند :

"... اما بیت عدل الّى جعله الله مصدر كل خير ومصنونا من كل خطأ...
مرجع كل امور است وهو سلس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حل گردد ... مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثریت آراء تحقیق یابد همان حق و مراد الله است من تجاوز عنه فهو من احب الشقاق و اظهر النقاق و اعرض عن رب العیناق ..."
الواح وصایا ، اarkan نظم بدیع ص ۱۹۰

حضرت عبد البهاء مینفرما يند :

"... و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذکوره نمایند ، هرچه تقرر یابد همان مانند نص است." "الواح وصایا"

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"من مبین آیات جمال مبارک و منصوص قلم اعلی کل باید اطاعت نمایند . جمیع امور به مبین منصوص راجع و اما بعد رجوع کل به بیت عدل الهیست ."

"بدایع الانارج ۱ ص ۱۱۱"

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... تکلیف این عبد بیان نصوص قاطعه است و مaudاًی آنچه در کتاب منصوص
راجع به بیت عدل است ..."
امروخلق ج ۴ ص ۲۹۱"

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... از میزان کلمه بدعت سؤال نموده بودی ، بدعت احکامی است که نعم کتاب نه و
بیت العدل عمومی تصدیق آن ننماید ."
مائده آسمانی ج ۲ ص ۱۰۵"

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"حضرت بہا اللہ نرموده اند که هرگاه اهل بہا اختلاف کنند ولو درباره خود بہا اللہ
باشد در صورت اختلاف هر دو باطلند وكل را به رجوع به بیت عدل امر فرمودند و قبل از آن
امور را به مرکز میثاق راجع وكل را امر به اطاعت فرمودند ..."
امروخلق ج ۴ ص ۳۰۷"

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... میترسم باز نفوس خود خواه اخلاق در الفت و اتحاد احیاء نمایند ، اگر وقت
مقتضی بود و تأسیس بیت عدل می شد ، بیت عدل محافظه می نمود ..."
بدایع الانارج ۱ ص ۲۵۰"

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... بعد از عبد البهاء هر وقت بیت العدل عمومی تشکیل شود رافع اختلاف خواهد
بود ..."

"نقل از نطق مبارک در ۱۹۱۲ جولای در ریورساید نیویورک"
هنگامیکه جناب یوسف ثابت وجود ای بحضور مبارک حضرت عبد البهاء مشرف بودند ،
عرض کرد ، قربانی گردم یکی دو نفر از مردمان بید انش در همدان هستند و بعضی زمزمه ها
دارند ... لوحی را نسبت به جمالقدم داده وارا نه داده بودند که در آنجا نمود بالله
صراحتاً تشکت و تفرق امر مبارک را به عدد "کلشی" معین نموده ، به رو سیله ای بوده است
سوادی بدست آورده به حضور مبارک ارسال داشته اند . فرمودند : از این قبیل بسیار
پیدا می شود ، تحریر ندارد ، بیت العدل درست می کند ، بیت العدل جمیع آثار والواح مقد
را جمع نموده و به دقیقت ملاحظه کرده ، حکم قطعی مینماید و هرگز حرفی بزنند ، دندانش
را می شکند ..."

"محاضرات ج ۱ ص ۲۲۵"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"... بیت العدل عمومی جمیع امور امری جهان را مشهد ساخته، قوت مید هد، ترب نموده و راهنمایی میکند زیرا این معهد اعلی سرچشمه اقدامات و اجرایات کلیه بهائیان است..."
"ارکان نظم بد یع ص ۱۹۶"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"تکلیف شدیدم آن است که افکار را حصر نموده بتمام قوی و به مشورت احباب متوجه آمده و معتقد ام علیه تمہیدات مهنة لازماز برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و واضح احکام و شرایع غیر منصوصه و مبین امور مبهمه است، حتی المقدور فراهم آورم..."
"مائدہ آسمانی ج ۳ ص ۱۸"

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... این کلمات را مبادا کسی تأویل نماید و مانند بعد از صعود هرناقص ناکشی بهانه‌ئی کند و علم مخالفت براندازد و خود رأیی کند و باب اجتیاد باز نماید. نفسی را حق رأیی و اعتقاد مخصوصی نه. باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و مaud اها کل مخالف فیضلال مبین..."
"نقل از الواح وصایا"

بیت العدل اعظم البهی در یکی از دستخط‌های منیع خویش به نقل از حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"... این مؤسسه امور امریه را در سراسر جهان هدایت نماید و مشکل و هم‌آهنگ سازد و اوضاع و احوال را کلاً مورد مطالعه جدید قرار داده، وضع اصولی نماید که تا مدتی که مقتضی است امور امریه بر وقف آن اداره گردد..."
"دستخط معهد اعلی ج ۱ ص ۲۰"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"ابنا عصر حاضر زماناً" بسیار نزدیک به این اسناد و الواح و مؤسسات میباشدند. به طوریکه هیچیک قادر نیستند که ادعای نمایند کاملاً به حکم مودعه آن پی برد و به اسرار مکنونه آن بصیر شده باشند. نسل آتیه میتواند قیمت و اهمیت این شاهکار البهی را کهید. قدرت خلاق آن برای نصرت و غلبة امر اطهرش در عالم ایجاد نموده، استنباط کنند...
"ارکان نظم بد یع ص ۷۳"

۴ - ضمیمه

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و واضح احکام و شرایع غیر منصوصه و مبین امور مبهمه است."
"مائدہ آسمانی ج ۳ ص ۱۸"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"مرکز عظیم و معهد رفیع المناری که طبق نام و عنوان آن مظہر عدالت رحمانیه و حافظ و حارس معدلت ربانیه است، عدالت و معدلتی که یگانه عامل استقرار حکومت نظم و قانون و ضامن امن و امان در جهان پر همه و هیجان است."

"ظهور عدل الہی ص ۴۹"

حضرت ولی امرالله میرمامند :

"از آن سرچشمه نظم الہی ما" حیوان که کافل حیات ابدیه و دافع شرور و مکاره عالم ترابیه و شافی اقسام و علل مزمنه است بر تمام اقوام و ملل متباینة متابغضه جهان جاری و ساری گردد ."

حضرت ولی امرالله میرمامند :

"... چون آن محور مرکزی اهل بھا، در نهایت جلال و اتقان استوار گردد، دو ره جدیدی رخ بگشاید و نعماء والطاف سماویه از آن منهدر گردد و وعود کلیه جلوه نماید."

"منتخبات توقيعات ص ۴۶"

لجنات و دوائر بیت العدل اعظم

۱ - دارالانشاء :

این دایره مکاتبات بیت العدل اعظم را بر عهده دارد.

۲ - لجنهای مهاجرت قاره‌ای :

پنج لجنه مهاجرت قاره‌ای، برای قاره آسیا، اروپا، آمریکا، آفریقا، اقیانوسیه، زیر نظر بیت العدل اعظم به خدمات خود قائم‌اند. وظیفه این لجنات رسیدگی به وضع نقشه‌های مهاجرتی در قاره تحت اشراف خود ودادن آمارهای لازم به بیت العدل اعظم است. این آمارها معمولاً بطور ماهانه داده می‌شود و راخیار لجنات قاره‌ای قرار می‌گیرد. (نظیر مهاجرین اعزام شده، مهاجرین مستقرشده، مهاجرین تغییر مکان یافته و ...)

۳ - لجنات سمعی و بصری بین المللی :

مسئول امور سمعی و بصری در سطح جهانی است و اسلامی، ویدئو، پوسترو... را در اختیار محافل روحانیه ملیه قرار می‌دهد.

۴ - نعایندگی جامعه بهائی در سازمان ملل متحد :

این نعایندگی که با دوائر غیر دولتی در سازمان ملل نظیر سازمان اجتماعی، اقتصادی علمی فرهنگی ارتباط دارد و مقرّاً صلی آن در سازمان ملل است ابتدا تحت اشراف محفل ملی آمریکا به خدمات خود ادامه می‌داد ولی با پیشرفت امور مستقلّاً زیر نظر بیت العدل اعظم به خدمات خود ادامه می‌دهد. این دفتر دارای شعبه‌ای در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد است.

۵ - دائرة تحقیق :

این دائرة تحقیقاتی در مسائل مختلف از نصوص مقدّسه براساس اوامر بیت العدل اعظم انجام میدهد و تاکنون نتایج این تحقیقات در اختیار جامعه امر قرار گرفته است. از جمله این اقدامات می‌توان (تعلیم و تربیت بهائی، عهود عصر تکوین، حقوق الله، مقام زن در امر ...) را نام برد.

۶ - دائرة اقتصادي اجتماعی :

این دائرة به منظور هم آهنگ نمودن فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی جامعه بهائی در سطح جهانی برای خدمت به نوع انسانی فعالیت می‌کند.

۷ - دائرة اطلاعات :

این دائرة که اخیراً تشکیل شده است مسئولیت دادن اطلاعات لازم درباره امر بهائی را به گروههای روابط عمومی بر عهده دارد.

ضمیمه دارالتبلیغ بینالمللی : دستخط معهد اعلی درخصوص وظایف واژد یاد اعضا "رسمی
این مؤسسه .

بیروان حضرتبه‌ا "الله درسراسرجهان طرآ ملاحظه فرمایند
یاران عزیز و محبوب طی ده سال دارالتبلیغ بینالمللی خدمات ذی ارزشی در مرکز
جهانی امرانجام داده است و با کمال سور اکنون مراحل اساسی جهت توسعه این مؤسسه
حیاتی برای نظم اداری حضرت به‌ا "الله را به اطلاع می‌رسانیم .

پس از صعود مصیبت بار جناب "پل هنی" فقط دو نفر از حضرات ایادی در ارض اقدس
مقیم هستند اکنون تصمیم برآن گرفته شده که از جنابان دکتر علی محمد ورقا و "کولیزند رستون"
تقاضا شود که در راجام وظائف مخصوص حضرات ایادی مقیم ارض اقدس در صورت لزوم مشلاً
موارد نظیر نقض عهد شرکت نمایند آنان می‌توانند این وظیفه را از طریق مکاتبه یا حضور
متناوب در مرکز جهانی انجام دهند .

همچنین تصمیم گرفته شد تعداد اعضا "رسمی دارالتبلیغ به و نفزاد یاد باید امسه
موقعه خانم "فلورانس می‌بری" بعلت بیماری مرکز جهانی را ترک خواهند نمود و خدمات بسیار
ذی ارزش ایشان با این مؤسسه خاتمه می‌یابد بنابراین چهار نفر از هئیت مشاورین به
عضویت این مؤسسه انتخاب شدند .

خانم دکتر "مکد الن کارنی" جناب "مسعود خمسمی" ، دکتر پیترخان ، و خانم "ابزارل صبری"
که اکنون از آنان درخواست شده است که بارض اقدس منتقل و به حضرات ایادی امداده
روحیه خانم و جناب فروتن و حضرات مشاورین "آن لوئیزیوب" ، "هوپردانبار" و "عزیز بیزدی"
ملحق گردند .

همچنین تصمیم گرفته ایم که همانگونه که قبل اطلاع داده شده است یک دوره پنج ساله برای
اعضا "مشاور دارالتبلیغ تعیین نماییم . هر دوره از ۲۳ می بلغاً اصله پس از تشکیل انجمن
شور بینالمللی بهائی آغاز می‌شود دوره فعلی در ۲۳ می ۱۹۸۸ خاتمه خواهد یافت
اگریه علی معهد اعلی قادر به انتخاب اعضا "جدید در آخر هر دوره پنج ساله نباشد مشاور
بخدمت خود تازمانی که انتصابات جدید عملی خواهد شد ادامه خواهند داد .

باتوجه به پیشرفت سریع امر که دوره مجھولیت را پشت سرگذاشتهاست و تنوع فعالیت‌هایی
که یاران در بسیاری از نقاط دنیا مسائل مختلفه نظیر تعلیم و تربیت ، توسعه روستایی ، رادیو
و روابط عمومی ، مسائلی که توجه معهد را بیش از پیش بخود معطوف می‌دارد بر عهده دارد
ماتصمیم براین گرفتیم که زمان برای دادن مسئولیت‌های بیشتری بدارالتبلیغ دنیا مسائل
صیانت و ترویج امر مناسب است وظائف مرکز جهانی اعم از آنچه که قبل ابر عهده داشته‌اند
و آنچه که اکنون بآنها محول شده است بقرار زیراست :
— قبول مسئولیت کامل برای هماهنگ نمودن .

- ایجاد تحرّک و تنظیم و ترتیب امور هیأت‌های مشاورین و عمل بعنوان رابط بین این هیأت‌ها و معهد اعلیٰ.
 - اطلاع کامل از وضعیت امر درسراسر جهان ودادن گزارش وارائه پیشنهادات به معهد اعلیٰ و توصیه نمودن به هیأت‌های مشاورین براساس این اطلاعات.
 - توجه تام به حفظ وصیانت امراللهی.
 - آگاهی کامل با مکانات توسعه فعالیت‌های تبلیغی و زندگی اقتصادی، اجتماعی در داخل و خارج امر و آگاه نمودن معهد اعلیٰ و هیأت‌های مشاورین با این امکانات وارائه پیشنهادات اعلیٰ.
 - تعیین و پیش‌بینی نیاز به آثار امری، مهاجرین و مبلغین سیار و طرح نقشه‌های تبلیغی اعم از منطقه‌ای وجهانی برای تصویب معهد اعلیٰ.
 - تنظیم وظایف لجنات مهاجرت قاره‌ای.
 - اداره معارف صندوق توکیل بین‌المللی.
 - تنظیم بودجه سالانه که بوسیله صندوق بین‌المللی بهائی دراختیار هیأت‌های مشاورین قاره‌ای جهت فعالیت‌های خاص تبلیغی و آثار امری و در صورت لزوم تبعیق به صندوق های قاره‌ای قرار خواهد گرفت.
- انتقال وظائف و مسئولیت‌ها که در تصمیمات فوق ذکر شده است بتدربیح بالاسکان اعضاً جدید در ارض اقدس عملی خواهد شد. دروضع فعلی آنان مثل سابق عمل خواهند نمود.
- عنقریب دارالتبلیغ بین‌المللی به مرکز جدید که نزد یک بیت حضرت عبد البهای است یعنی ساختمانی که مدیر بعنوان سافرخانه غربی و سپس بعنوان مقر شورای جهانی بهائی و در بیست سال اخیر بعنوان مقر معهد اعلیٰ بوده است منتقل خواهد شد این مکان اکنون مناسب‌ترین محل برای دارالتبلیغ بین‌المللی است تا آینکه به مقدار ائمی خود که در کوه کرم‌الله رقرب دارالتشریع بناخواهد شد منتقل گردد.
- ما صدمیانه دعا می‌کنیم که تصمیمات متخذه کنویی بزیور تأییدات جمال قدم جلّ ذکرہ الاعظم مزین گردد و مرکز جهانی بتواند بوضع مؤثرتری فعالیت‌های مجده انه و توأم با ایشاره باران الله در هر نقطه جهان در این سالیان سرنوشت ساز و توأم با مبارزه روحانی را که در ریاض ما قرار دارد تنظیم و ترتیب دهد.

اصلاحیه ارکان نظم بدیع

| <u>صفحه</u> | <u>سطر</u> | <u>غلط</u> | <u>صحیح</u> |
|-------------|------------|---|---|
| ۱۲۳ | ۱ | ۱۹۹۸ | ۱۹۶۸ |
| ۱۷۲ | ۱۹ | امداد واستبداد | امداد واستمداد |
| ۱۷۲ | ۱۶ | مکرر واستبداد | مکرر واستمداد |
| ۱۷۲ | آخر | داریم الاتساع | دایم الاتساع |
| ۲۳۵ | ۱۶ | ارتفاع بیان | ارتفاع بنیان |
| ۲۳۹ | ۸ | یوگوجیاگری عضوسیار | یوگوجیاگری عضو سیا |
| ۲۴۰ | ۴ | حتی الحصول | حتمی الحصول |
| ۲۶۴ | ۱۴ | عمده | اعده |
| ۳۶۰ | آخر | توضیح مسائل مهمه | توضیح مسائل مهمه |
| ۳۲۱ | ۲۰ | رجال العدل | رجال العد |
| ۳۲۳ | ۱۵۱۶ | اعضاً | امضاً |
| ۳۳۲ | ۵ | شود | منشود |
| ۳۳۲ | ۱۸۶ | صادر مفادر پیام رضوان ۱۹۸۴ | بنایه مفادر پیام رضوان ۱۹۸۴ |
| ۳۳۲ | ۱۳۷ | در دارالتبلیغ بین الملکی که می فرمایند : | در دارالتبلیغ بین الملکی که می فرمایند : |
| ۳۳۲ | ۱۳۷ | " با ازدیاد تعداد مشاورین عضو ارالتبلیغ بین الملکی به هفت نفر ومسئولیتهای جدید دیگر که به عهده آنان گذارده شده میدان خدماتشان بی اندازه توسعی یافته . " | " با ازدیاد تعداد مشاورین عضو ارالتبلیغ بین الملکی به هفت نفر ومسئولیتهای جدید دیگر که به عهده آنان گذارده شده میدان خدماتشان بی اندازه توسعی یافته . " |
| ۳۳۲ | ۱۳۷ | پیام بیت العدل اعظم خطاب به عموم اهل بہا رضوان ۱۹۸۴ | پیام بیت العدل اعظم خطاب به عموم اهل بہا رضوان ۱۹۸۴ |
| ۳۳۲ | ۱۳۷ | امالله تعداد این نفوس نفیسه نیز افزایش یابد وحال اعضای آن هیئت جلیله (مشاورین قارئهای) از ۳۶ نفر به ۷۲ نفر بالغ گردیده است . " | امالله تعداد این نفوس نفیسه نیز افزایش یابد وحال اعضای آن هیئت جلیله (مشاورین قارئهای) از ۳۶ نفر به ۷۲ نفر بالغ گردیده است . " |
| ۳۳۲ | ۱۳۷ | پیام منیع بیت العدل اعظم خطاب به یاران مهد اممالله در جمیع بلاد عالم رضوان ۱۹۸۶ | پیام منیع بیت العدل اعظم خطاب به یاران مهد اممالله در جمیع بلاد عالم رضوان ۱۹۸۶ |

ضیافت نوزده روزه از ابداعات حضرت رب اعلی است که مورد تصویب جمال مبارک قرار گرفته است، چنانکه در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند:

قد رقم علیکم الضیافه فی کل شهمرمه واحده ولو بالماه آن الله اراد ان يؤلف بين القلوب ولو با سباب السموات والارضين .

ص ۱۷ کتاب اقدس چاپ بمیشی

حضرت عبد البهای میفرمایند

"هوالله ای ثابت بریمان نامه مفصل شما رسید ولی ازکثر مشاغل جواب مختصر مرقوم میشود درخصوص ضیافت در هر شهر بهائی سؤال نموده بودید مقصود از این ضیافت الفت و محبت و تبتل و تذکر و ترویج مساعی خیریه است یعنی بذکر الهی مشغول شوند و تلاوت آیات ومناجات نمایند و بایکد یکر نهایت محبت والفت مجری دارند و اگر میان دو نفس از احیا اغبراری حاصل هرد و را دعوت نمایند و باصلاح مابین کوشند و در امور خیریه و اعمال برتریه مذاکره نمایند تا نتایج مدعوه حاصل گردد"

ص ۳۰۲ مکاتیب جلد د قم

و نیز ضمن نطق مبارک در لندن مورخ ۲۹ دسامبر بیانی با عنوان مضمون میفرمایند:

"ضیافت نوزده روزه را حضرت باب تشریح و حضرت بها الله در کتاب مستطاب اقدس آن را تصویب فرموده اند"

ص ۹ عنظم اداری تالیف لجنہ جوانان چاپ دوم یا ص ۴ عنظمات بهائی
هیکل مبارک حضرت ولی امر الله در آثار مبارکه خویش ضیافت نوزده روزه را بعنوان اساس
نظم بدیع الهی یاد میفرمایند و برای ضیافت نوزده روزه پروگرامی تصویب میفرمایند.
چه کسانی در ضیافت نوزده روزه میتوانند شرکت کنند

در ضیافت نوزده روزه فقط نفوosi میتوانند بعنوان عضو رسمی شرکت کنند که در جامعه حق ابدای رأی داشته باشند ولی جوانانیکه سنشان از بیست و پیکالگی کمتر و نامشان در دفتر سجلات محفل به ثبت رسیده باشد مخصوصاً اگر عضو خانواده بهائی هم باشند میتوانند در جلسات مذبور حضور یابند.

اطفال بهائی میتوانند در جلسات ضیافت نوزده روزه و سایر محافل بهائی شرکت کنند ولی پس از بلوغ سن پانزده سالگی محفل روحانی باید از این قبیل جوانان تقاضانماید. ضمن اظهار نامهای علاقه خود را نسبت با مرالله ابراز و مقصد خود را دائر باینکه پس از وصول به سن ۲۱ سالگی عضویت جامعه را با حق ابدای رأی قبول میکنند اعلام نمایند در مالکی که اوضاع امری اجازه دهد حتی با تصویب محفل مربوطه نفوی غیربهائی میتوانند در ضیافت شرکت کنند ولی این جوانان بایستی مانند جوانان بهائی زاده اظهار نامهای به محفل

اقتباس از نظامات بهائی ص ۱۹ - ۲۰

بایستی باین نکته توجه داشت که در دنیای فعلی ماکه تمام وسائل برای فریشن و انحراف جوانان مجّہز و روز بروز حتّی از طرف دول عالم تشویق میشوند که باین وسائل غریب‌نده تنوع بد هند ضیافت نوزده روزه یکی از وسائل جالبی است که جوانان بهائی باشرکت در آن آمادگی میارزه با مقاصد اجتماعی را پیدا میکنند بنابراین توصیه شده است که خانواده های بهائی اطفال و جوانان خود را در این تشکیل جلیل که بید قدرت و عنایت الهی خلق شده است شرکت دهند وایشان را تشویق به حضور نمایند و بهتر است نظام جلسات ضیافت نوزده روزه پرگرام جلسات را توسط جوانان اجرا نمایند واز ایشان برای زیارت الواح و آثار و اخبار استفاده کنند و آنها را تشویق به شرکت در مشاورات نمایند. بدینه است قبل از ۲۱ سال تمام حق رأی دادن ندارند.

الله
حضرت ولی امرالله ضیافت نوزده روزه را بمنزله اساس نظم جهان آراء حضرت بهاء
توصیف فرموده اند.

..... یاران باید این ضیافت را بمنزله محور عملیات روحانی خویش و وسیله استفاده از رموز بیانات الهیه و مظہر اتحاد وثیق بین یاران شمرند بطوریکه این وحدت و عمومیت از هرگونه قبود جنسی و طبقاتی و ملّی و مذهبی و شخصی منزه و مبتنی باشد و نیز ضیافت نوزده روزه فرصت مفتخری است که افراد در عرضه خدمات عمومی برای تقویت امرالله بذل مساعی نمایند.

نظامات بهائی ص ۲۴

پرگرام ضیافت نوزده روزه

این پرگرام توسط محفل ملّی امریکا تقدیم حضور مبارک شده وبصحبّه هیکل اطہر سر حضرتولی امرالله رسیده است.

این پرگرام شامل سه قسمت اصلی است :

۱ - قسمت روحانی ، ۲ - قسمت اداری ، ۳ - قسمت مهمانی
اول قسمت روحانی : این قسمت از پرگرام صرفاً جنبه روحانی یعنی تلاوت مناجات و آثار مبارکه را دارد که بسیار مهم است و بایستی از الواح و آثاریکه جنبه روحانی دارد نه ازدیاد معلومات استفاده کرد توجه بملکوت ابھی نمود استعانت از درگاه جمال کبریا خواست و دقایقی چند صرف تلاوت آیات کرد.

دوم قسمت اداری : متضمن گزارشات محفل روحانی محلی، اخبار محلی، ملّی، بین المللی و بشارات امریکه و نیز شور و مشورت درباره مواضیع پیشنهادی از طرف محفل روحانی محلی و یا اعضاً ضیافت و اتخاذ تصمیم و تقدیم آن به ساحت محفل روحانی محلی.

و نیز اصفاء پیامهای مرکز امرالله

سوم قسمت مهمانی : در این قسمت مهمانی واقعی شروع میشود و بتناسب موقعیت از اعضاء ضیافت پذیرایی میشود افراد احباب ایام میآمیزند معاشرت میکنند از احوال یک یگر آگاه میشوند از مشکلات و مسائل همدم یکر مطلع میگردند و کوشش در رفع آن و مساعدت بیکد یکر میکنند . اگر خدای نکرده که ورتی بین دونفر است سعی در برطرف کردن آن میکنند .

نقش ضیافت نوزده روزه

درهیچیک از سیستمهای اداری حتی در مرتفقی ترین مالک جهان هرگز افراد ملت به این صورت منطقی و عملی و انسانی نمیتوانند باهیئت حاکمه خویش تماس گرفته آنها را از نظریا دسته جمعی خود مطلع نمایند جالب این است که این تشکیل جلیل در هر ۱۹ روز یکبار در سراسر جهان بهائی تشکیل میگردد و افراد علاوه بر امکانات مکاتبه مستقیم به محفل روحانی خویش ۱۹ بار در رسال بصورت جمعی امکان دارند که نظریات خود را به محفل روحانی یا هیئت رئیسه جامعه خویش تقدیم نمایند این مسئله نه تنها از این نظر که چنین امکانی خود جالب و نماینده غایبت روح دموکراسی در نظامات بهائی است میباشد بلکه از این جهت که ارتباطات نکری و انسانی بین افراد یک اجتماع برای بحث و مذاکره در محیط کاملاً دور از اغراض شخصی و بر از روحانیت ایجاد نماید جالب توجه و حائز تفکر و تعمق بیشتر است .

مناسب ترین و م مشروع ترین فرصت از برای مشاوره عمومی در بین جامعه وشور میان محفل روحانی و افراد جامعه جلسات ضیافت نوزده روزه است

ص ۴ نظمات بهائی

نکات :

۱ - اگر در یک محل یک ضیافت وجود داشته باشد رئیس محل رئیس ضیافت و منشی محل منشی ضیافت است و ممکن است ناظم جلسه از طرف محل روحانی یا جلسه ضیافت نوزده روزه انتخاب و معرفی شود .

۲ - حضور غایب اعضای ضیافت یا یستی توسط منشی انجام شود و قرار خبر کردن - غایبین داده شود .

انتخابات بهائی

امر انتخابات در نظام اداری بهائی با سایر انظمة عالم کاملاً متفاوت است بنابراین لازم است بدقت اصول انتخابات بهائی را مطالعه کرد .

روش انتخابات بهائی در الواقع حضرت عبد البهای مذکور است و نیز اصول انتخابات در آثار حضرت ولی امرالله آمد است ، که بصورتی کاملاً مختصر بشرح زیر است :

أصول انتخابات بهائی

- ۱ - امر انتخاب برای یک فرد بهائی وظیفه‌ایست روحانی و وجود آنی بنا بر این در موقع انتخاب بایستی بدیل دعا و مناجات متولّ شد تا حق جل جلاله مارا بانتخاب نفوسي موفق دارد که اراده خود او است.
 - ۲ - در انتخاب باید در نهایت توجه و خلوص و تجرد و فراغت از هرگونه مقاصد شخصی و مآرب نفسی اقدام نمود.
 - ۳ - انتریک، پارتی بازی و پروپاگاند در انتخابات بهائی اکیداً معنو شده است.
 - ۴ - امر انتخابات در جامعه بهائی امری است سری، آزاد، عومنی.
- حضرت ولی امرالله میفرما بیند :

"انتخاب در جامعه بهائیان سری و عومنی و آزاد است"

- سری است : یعنی هیچکس نباید از رأی دیگری آگاه شود حتی آگاهی زوج برکیفیت انتخاب زوجه معنو است. بهمین دلیل آراء باید بدون امضاء باشد.
- عومنی است : هر فردی که بیست و یک سال تمام داشته باشد باید در انتخابات شرکت کند و هیچ مقامی نمیتواند شخص بیست و یک سال بهائی مسجّل شده را از حق انتخاب کردن معنو سازد مگر بد لائی طرد اداری او اعلان شده باشد.
- آزاد است : هر فرد بهائی مسجّل بیست و یک ساله نمیتواند هر کس را که بیست و یک سال تمام داشته و مسجّل باشد بعنوان عضو محفل پاکانونشن کشور خویش انتخاب کند.

شرایط انتخاب شوندگان

گرچه هر کس آزاد است که هر کس را که بهائی بوده و بیست و یک سال داشته باشد و مسجّل باشد بعضویت محفل محلی یا کانونشن ملی یا محفل ملی انتخاب نماید ولی حق بصرف نظر برای هدایت انتخاب کنندگان برای نفوسي که مایلیم انتخاب کنیم شرایطی قائل شده است که باید بآن توجه کنیم و اصولاً یک فرد بهائی برای انتخاب اعضای محفل خویش بایستی اهمیت خاص قائل باشد بحدی که باین وظیفه وجود آنی ارج بنهاد و مذتهد ریاره نفوسي که میخواهد انتخاب کند فکر کند نه آنکه خدای نکرد و بدون مطالعه بانتخاب پردازد در حالیکه واقعاً نمیداند بچه کسانی رأی داده است.

مهرحال بهتر است بنصوص مبارکه در این زمینه که هدایت کننده و دلالت کننده است مراجعه نماید که نمونه‌ای از آنها ذیلاً درج میگردد.

حضرت ولی امرالله میفرما بیند "ابلاغیه مبارک ۹ آپریل ۱۹۳۲ "عزت و تقدم جامعه بهائیان مشروط بانتخاب نفوس سلیمه، مؤمنه، فعاله است..."

هیکل مبارک در تکمیل بیان فوق و توضیح آن باین بیانات ناطق :

"... مؤمنین و مُؤمنات باید بکمال توجه و خلوص و تأمل و تدبیر نفوس مؤمنه مخلصه
 مجریه مقدّره مستعده که قابل عضویت اند انتخاب نمایند ..."

كتاب اموالخلق ص ۳۶۲

هیئت نظار

محافل با پستی برای اخذ واستخراج آراء عده‌ای از احیای محل را بعنوان هیئت نظار انتخاب کنند حضرت ولی امرالله میفرمايند :

"... هیئت نظار باید نفوس زکیه مخلصه امینه مقتدره باشند و کمال مواظبت رانمایند که انتخابات آزاد و سریع عمومی باشد از عناد و خدشه و دسیسه واکراه جلوگیری نمایند و ممانعت کنند " کتاب اموالخلق جلد چهارم ص ۳۶۳

مسائل اداری مربوط به انتخابات

۱ - نقطه ساکنان یک محل میتوانند در انتخاب اعضاء محفل روحانی آن محل شرک نمایند .

۲ - شخص تازهوارد به محلی که اهل آنجا بوده و همه احیا را میشناسد وقصد توطئ طولانی و یا دائم دارد میتواند بلا فاصله پس از ورود اگر هنگام انتخابات باشد در انتخاب اعضاء محفل روحانی آن محل شرک نماید .

۳ - هرگاه درنتیجه انتخابات محفل روحانی دو یا چند نفر رأی مساوی آوردن که یکی از آنها منتبه طبقه اقلیت بود برای عضویت محفل اولویت با آن شخص است که از طبقه اقلیت است ولی اگر هردو از طبقه اکثریت با هردو از طبقه اقلیت بودند آنقدر بین آن دو رأی گرفته میشود که رأی یکی برد یکری افزون باشد .
 برای روشن شدن مطلب مثال زیر را می‌آوریم :

مثالاً اگر برای عضو نهم دو نفر انتخاب شدند که دارای رأی مساوی بودند دو صورت ممکن است داشته باشد .

الف - یکی از آنها از طبقه اقلیت است مثلاً قبلًا یهودی بوده و حالا بهائی است و یکی از طبقه اکثریت است یعنی قبلًا مسلمان بوده و حالا بهائی است . در اینصورت بر طبق نصوص حضرت ولی امرالله آنکه قبلًا یهودی بوده عضو محفل میشود زیرا در کشور مقدس ایران اکثریت با مسلمانان است .

ب - حال اگر هردو عضوی که دارای رأی مساوی هستند از نژاد و طبقه اکثریت یا اقلیت باشند باید مجدد آن دو رأی گرفت آنقدر که یکی از آنها رأی بیشتری بیاورد .
 ولی باید توجه داشت که طبق اساسنامه بیت العدل اعظم الهی این قانون در مرور د انتخاب اعضاء آن معهد اعلی اجرا نمیشود زیرا تعیین اقلیت و اکثریت در دنیا امکان پذیر نیست و انتخابات مربوط به بیت العدل اعظم انتخابات جهانی است نه محلی و نه ملی .

این اصل یعنی اولویت یا رجحان اقلیت بر اکثریت در مورد تساوی آراء برای عضویت محفل مقدس روحانی اقتباس از نص مبارک حضرت ولی محبوب امرالله است که در کتاب ظهور عدل الهی که اصلاً انگلیسی است بشرح زیر آمده است.

”این اصل اصیل بد رجهای مهم وحیاتی است که هرگاه در مواردی مانند امر انتخاب تعداد آراء در حق افرادی از اجناس مختلف ویا مذاهب و ملیت‌های متنوع در داخل جامعه یکسان و با خصائص و شرایط لازمه جهت احراز رتبه و مقامی بین افراد مذکور علی‌حد سوا باشد اولویت و تقدّم باید بلاتردید بفردی تعلق گیرد که منتبه با قلت است و این ترجیح و تقدّم صرفاً ازل‌حاظ آنست که اقلیت مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد و بآسان فرucht موقعیت مساعد داده شود تا در خدمت جامعه و پیشرفت مصالح عمومیه قد مهای بلند برد ارند ظهور عدل الهی ص ۷۴ ذیلاً بدرج عین دستخط مورخ سوم نوریه ۱۹۷۲ بیت العدل اعظم الهی در موارد دیگر مسائل اداری مربوط به انتخابات بهائی میپردازیم .

ترجمه قسمتی از دستخط مورخ ۳ نوریه ۱۹۷۲ بیت العدل اعظم
(در جواب سؤال مطرحه در قسمت اول نامه شما دایر باینکه آیا ورقه رأی که دارای کمتر یا بیشتر از ۹ اسم باشد معتبر است یا نه؟)

موارد یکه سبب ابطال کامل ورقه رأی میشود عبارتست از:

- ۱— در صورتیکه بیش از ۹ نفر در ورقه رأی نوشته شده باشد .
- ۲— در صورتیکه کمتر از ۹ نفر در ورقه رأی نوشته شده باشد .
- ۳— در صورتیکه اسمی تکرار شده باشد .

در رای موارد که خطای مشهود شود ممکن است یک یا چند اسم باطل شود ، ولی بقیه اسامی مندرج در ورقه رأی معتبر اعلام گردد . مانند موارد مشروح ذیل :

- ۱— در صورتیکه هويت یکی از اسامی شناخته نشود ویا غیر خوانا باشد .
- ۲— اسم کسیکه واجد شرایط انتخاب شدن نباشد نوشته باشد مانند شخصی که سنه کمتر از بیست و یک سال باشد یا ساکن حوزه انتخابیه نباشد البته مشروط براین است که ورقه رأی بیشتریا کمتر از ۹ اسم نداشته باشد وکسی تکرار نشده باشد . . .
- ۳— هرگاه نام کسی ذکر شده باشد که بعللی نتواند عضو محفل شود (مرگ ، طرد ، مسافت و سکونت در محل دیگر)

مشورت در امر بهائی

یکی از مسائل بسیار مهم در نظم اداری بهائی مسئله مشورت است .

جمال مبارک میفرمایند :

..... آسمان حکمت الهی بد و نیز روش و منیر است مشورت، و شفقت، در جمیع امور
مشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت راه نماید و آگاهی عطا کند.

گنجینه حدود و احکام چاپ دوم ص ۲۲۵

حضرت عبد البهاء میفرمایند:

ای احباب الهی در امور مشورت نمائید و از یک رأی طلبید آنچه از شور درآید
 مجری دارید خواه موافق فکر رأی شما باشد خواه نباشد زیرا معنی شور این است که
 آنچه را اهل شور موافق بینند مجری دارند ...

گنجینه حدود و احکام چاپ دوم ص ۲۲۷

در این امر مبارک به مسئله شور بسیار اهمیت داده شده است و در آثار مبارکه در این زمینه
 مطالبی ذکر شده که برای سهولت در امر یاد گیری آنها را بصورت زیر خلاصه مینماید.

چگونه مشورت نمائیم

"هدف شور بهائی تحری تحقیقت است"

مرحله اول شرایط اساسی وروحانی

"باید اعضای مشورت در نهایت محبت و الفت وصداقت با یکدیگر باشند"

حضرت عبد البهاء گنجینه حدود و احکام چاپ دوم

صفحه ۲۲۷

"اول شرط محبت والت تام بین اعضای آن انجمن است که از بیگانگی بیزار گردند و بیگانگی
حضرت پروردگار آشکار)"

حضرت عبد البهاء "اصول نظام اداری تألیف علی اکبر فروتن"

۲ - "اول فرضیه اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انتقطاع از ماسوی الله و انجذاب
بنفحات الله و خضوع و خشوع بین احباباً و صبر و تحمل و بریلا و بندگی عتبة سامية الهیه است.."

حضرت عبد البهاء

بيان مبارک نوق را میتوان بدین شکل خلاصه کرد:

اول فرضیه:

۱ - خلوص نیت

۲ - نورانیت حقیقت

۳ - انتقطع

۴ - انجذاب

۵ - خضوع و خشوع

۶ - صبر و تحمل بریلا

۷ - بندگی عتبة سامية الهیه

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

- ٣ - "شرط ثانی آنستکه رئیسی بجهت آن محفل، اعضای انجمن بالاتحاد انتخاب کنند و دستور العمل ونظام می بجهت اجتماع و مذاکره قرار دهند.
- وآن دستور العمل ونظام انجمن در تحت اداره و محافظه و حمایت رئیس باشد و تنفيذ نماید و اعضاً محفل باید درنهایت اطاعت و انقیاد باشد.
- ٤ - مقالهٔ حشو وزوائد در آن محفل نگردد.
- ٥ - واعضاً درین ورود توجه به ملکوت اعلیٰ کنند و طلب تأیید از افق ابھی.
- ٦ - درنهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند.
- ٧ - وبنهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیت خطاب به بیان آراء بپردازند.
- ٨ - در هر مسئله‌ای تحری حقیقت کنند نه اصرار در رأی ...
- ٩ - ولی اعضای محترمہ باید بنهایت آزادگی بیان رأی خویش نمایند.
- ١٠ - وابداً جائز نه که نفسی تزییف رأی دیگری نماید.
- ١١ - وبلکه بکمال ملایمت بیان حقیقت کند.
- ١٢ - وچون اختلاف آراء حاصل شود رجوع باکثریت آراء کنند و کل اکثریت رامطیع و منقاد گردد.
- ١٣ - ودیگر جائز نه که نفسی از اعضای محترمہ برقرار اخیر چه در خارج وچه در - داخل اعتراض نماید و یا نکته گیرد و لو مخالف صواب باشد.
- ١٤ - ... نباید هیچیک از اعضاً متکبر از مقاومت دیگری شود.
- ١٥ - بلکه هریک قول دیگری را با وجود مخالف بودن رأی خویش در کمال ادب به خلوص نیت گوش دهد و غباری در قلبش ننشیند.

حضرت عبد البهاء "اصول نظم اداری تألیف علی اکبر تروتن"

- ١٦ - ... حین عقد مجلس هریک بحریت رأی خویش راییان و کشف برهان نماید.
- ١٧ - ... و دیگر آنکه مذاکره در محفل شور راکسی نباید نقل کند.
- ١٨ - ... ابدآ در مجلس شور از امور سیاسیه د نزنند.

حضرت عبد البهاء "مکاتیب جلد چهارم ص ۱۵۲ یا ۲۸"

اصول نظم اداری تنظیم لجنه ملی جوانان

- ١٩ - باید رأی خود را در هر امری و در هر جلسه‌ای درنهایت صداقت و روشنی و خیر خواهی
- ٢٠ - و خضوع و خلوص ابدآ و اظهار دارند.
- ٢١ - و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تمام رأی اکثریت برآن قرار گرفت بدل و - جان بدون ادنی کد ورت و رنجشی اجرا ننمایند و لو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع

و عاری از صواب باشد . . .

حضرت ولی امرالله "اصول نظم اداری" ص ۲۶

- ۲۳ - اعضای این محافل روحانیه باید در تمام امور مرجوعه همت شایان بگمارند و تحقیقات کامله اجرا نمایند.
- ۲۴ - و تعقیب هر مسئله‌ای کنند.
- ۲۵ - و تمعن و تدبیر در جزئیات هر امری نمایند.
- ۲۶ - واژ روی دل‌سوزی و حکمت بنشاط تام قیام کنند.
- ۲۷ - و بد و مبدأ صراحت و صدق اقت تمسک تام جویند.
- ۲۸ - و بعد انت تام حکم کنند.

۲۹ - و در اجرای فوری قرارهای خوبش همت وسعی کامل مبذول دارند.

حضرت ولی امرالله "اصول اداری بهائی" چاپ چهارم ص ۲۹

- ۳۰ - اعضای محافل روحانیه محلی و مرکزی باید از مآرب و منافع و مصالح شخصیه فرزد و خود بیزار و درکنار باشد.

۳۱ - نظر را حصر در ترویج مصالح جمهور و فوائد عمومیه و پیشرفت جامعه بهائی نمایند.

۳۲ - و در مذاکرات و مباحثات کل من دون استثناء مشارکت کنند.

حضرت ولی امرالله اصول نظم اداری تألیف علی اکبر فروتن ص ۲۷

مرحله دوم شرایط اداری

مطلوب زیر بعنوان مسائل اداری شوربهائی مطرح میشود که هر یک بصورتی بعنوان نظامیات بهائی در امر مشورت بصحة مبارک مولای مهربان حضرت ولی امرالله عزیزه است.

۱ - هر موضوعی که در محفل مطرح میگردد وقتی با حسن وجه حل و تسویه خواهد شد که مراحل ذیل را طی نماید.

(اول) تعیین جریان مسلم موضوع و توافق نظر درباره آن باین مرحله نام تحقیق میدهیم
(مرحله تحقیق)

(دوم) انطباق موضوع با تعلیمات روحانی و اداری امری که شامل موضوع مورد بحث باشد باین مرحله نام (مرحله تطبیق) میدهیم.

(سوم) مذکوره کامل و آزاد راجع به موضوع تام‌ مجرم تقدیم پیشنهاد گردد. (مرحله مشورت)
چهارم) اخذ رأی درباره پیشنهاد تقدیم شده که مرحله (اتخاذ تصمیم) نامدارد.
پس وقتی مسئله‌ای در محفل یا هر آنجمن شوری مطرح میشود میتواند چهار مرحله طی کند.
مرحله تحقیق در این مرحله بایستی بر اعضای محفل روشن باشد که موضوع مورد مذکوره
چیست و یافی المثل حقیقت دارد یا خیر مثلاً محفلی احساس میکند که تعداد افراد جامعه
اش زیاد شده‌اند و برای اجتماعات امری خانه احباباً دیگر گنجایش تشکیل جلسات امری را

با حضور همه احیای ساکن آن محل ندارد . موضوع در مرحله تحقیق بایستی روشن شود که آیا این مسئله صحیح است تعداد زیاد شده است ؟ دیگرخانه ایکه گنجایش همه احیا را داشته باشد در آن محل وجود ندارد ؟ پس از اثبات این موضوع که حقیقت دارد .

موضوع در مرحله تطبیق وارد در این بحث میگردد که از نظر امری چه میتوان درباره رفع این مشکل انجام داد احیا را بد و دسته تقسیم کرد ؟ حظیره القدسی تهیه نمود ؟ اجاره یا خریداری ؟ و آیا چنین طرقی موافق با دستورات امری است ؟ آیا موافق با حکمت است ؟ اگر فی المثل تهیه حظیره القدس مطابق با اصول و نظمات امری است پس وارد مرحله مشورت میشویم . موضوع در مرحله مشورت وارد این جریان از بحث میگردد که میتوان حظیره القدس تهیه کرد ؟ پول داریم ؟ محلی اجاره کنیم . یا خریداری نمائیم ؟ پس از طی این مرحله مثلث معلوم میشود که بایستی محلی را خریداری کرد و امکانات مالی وجود دارد پس وارد مرحله اتخاذ تصمیم میگردیم .

موضوع در مرحله اتخاذ تصمیم باینجا ختم میشود که بایستی حظیره القدسی در محل خریداری گرد تا گنجایش تمام افراد را برای تشکیل جلسات داشته باشد .

در حقیقت کلیه اصول شور اساسی و روحانی بهائی در این چهار مرحله بالا خص مرحله مشورت بایستی مورد عمل قرار گیرد .

در مرحله مشورت بایستی بهنگات اداری زیر علاوه بر رعایت اصول روحانی که قبل اذکر شد توجه کامل داشت که اقدامات مادر مرحله مشورت بطور صحیح ادا شون باید و زود تر به نتیجه برسد .

۱ - هیچ پیشنهادی قابل بحث و یا اخذ رأی نخواهد بود مگر آنکه رسمآ تقدیم و تأیید شود بهتر است هر پیشنهادی بنفسه واضح و کامل باشد ولی اگر پیشنهاد اصلاحی رسمآ تقدیم و تأیید شود رئیس جلسه اول نسبت به پیشنهاد اصلاحی رأی میگیرد . اگر پیشنهاد اصلاحی تصویب شود پیشنهاد اولیه ازین میروند . و اگر تصویب نشود پیشنهاد اولیه مورد بحث قرار میگیرد .

باید توجه داشته که پیشنهاد اصلاحی مربوط به موضوع و درجهت پیشنهاد اصلی باشد نه مخالف آن پس از طی این مرحله در اینجا است که اعضاء عملاً وارد مشورت میگردند مخالف و موافق با رعایت نوبت و اجازه از رئیس جلسه صحبت میکنند و رعایت اصول روحانی مشورت را از نظر ملایمت درگفتار و ادب در کلام و صراحت در بیان عدم تکذیر از مقاومت دیگران در نهایت روحانیت و بی غرضی و بی نظری و آزادگی مینمایند .

۲ - رئیس جلسه بهمان اندازه اعضاء محفل و یا انجمن شور حق ابدی رأی دارد مضافاً باینکه حتی الامکان بعد از سایرین بایستی صحبت کند و بیان نظر خود نماید .

۳ - بحث درباره هر موضوع موقعي خاتمه یافته تلقی میگردد که اعضاء در ختم مذاکرات

توافق نمایند منظور از این روش آنست که همه اعضاء نرصنت کاملی برای اظهارنظر داشته باشند.

پیشنهاد ختم مذاکرات نیز مانند هر پیشنهادی با پستی از طرف یکی از اعضاء مطرح و تأیید شود و اتخاذ رأی بعمل آید.

۴ - هیچ پیشنهاد مصوبی یعنی هیچ تصمیمی در همان جلسه مورد تجدیدنظر نمیتواند قرار گیرد مگر بحکم ضرورت فی المثل در جلسه‌ای تصمیم گرفته شده که یکی از مبلغین رایه سفری تبلیغی اعزام نمایند خبر میرسد که آن مبلغ فی المثل بیمار یا مسانراست در این صورت آن تصمیم خود بخود لغو میشود و در صورت ضرورت میتوان درباره آن موضوع در همان جلسه تصمیم دیگری اتخاذ نمود.

۵ - هر تصمیمی برای همه اعضای محفل چه موافق و چه مخالف چه حاضر چه غائب محترم و اجرایش ضروری ولازم است و این بدان معنی است که درامر بهائی نمیتواند عضو مخالف بگوید من با پیشنهاد یا تصمیم درباره فلان موضوع چون مخالف بودم از اجرای آن تصمیم معافم و یا چون هنگام اخذ تصمیم درباره فلان موضوع در جلسه محفل حاضر نبودم از اجرای آن تصمیم معذورم.

بلکه رأی اکثریت بفرموده حضرت عبد البهاء "ندای حق است" و درامر مبارک و در نظر اداری بهائی اقلیت و اکثریت نداریم همیشه اکثریت بطور مطلق مطرح و هروقت اکثریت به امری رأی داد با پستی آنها که مخالف بوده‌اند قلباً لساناً عملاً تابع تصمیم اکثریت باشند پس اقلیت درامر مبارک مفهومی ندارد.

۶ - هر تصمیمی معکن است در جلسه دیگر مورد تجدید نظر قرار گیرد تجدید نظر مانند یک پیشنهاد عادی با پستی تقدیم و تأیید شود که پس از موافقت اکثریت با تجدید نظر در تصمیم قبلی محفل، محفل حق دارد مجدها نسبت به تصمیم قبلی خود مشورت نمایند که نتیجه از سه حال خارج نیست یا تصمیم قبلی تأیید میشود یا رد میشود یا اصلاح میگردد. ولی اگر اکثریت اعضای محفل مایل به ورود در تجدید نظر نباشد ادامه مذاکره از طرف هیچیک از اعضاء در اطراف موضوع سزاوار نخواهد بود.

۷ - در مشورت بهائی رأی متعن وجود ندارد عضو انجمن شور یا محفل روحانی یا با موضوعی مخالف است یا موافق نه موافق نه مخالف درامر مبارک نیست، و اصطلاح اداری نه موافق نه مخالف به کلمه رأی متعن مطرح میشود این اصطلاح در تمام نظامات غیر بهائی نیز وجود دارد. این مطالب از کتاب نظامات بهائی اقتباس شده است

مناسبات محافل با افراد

حضرت بہاء اللہ میفرما یند :

"... و ینبیغی لہم ان یکونوا امناء الرّحمن بین الامکان و وكلاء اللہ لعن علی الارض کلہما ویشاورون فی صالح العباد لوجه اللہ کما یشاورون فی امورهم ویختار واما هو المختار کذلک حکم ربکم الغریز الغفار."

کتاب مستطاب اقدس

حضرت عبد البهای میفرما یند :

"آنچه را محفل روحانی مصلحت بد انند اگرین تکلیف کنند مجری میدارم ابدآ توقف ننمایم." "اصول نظم اداری"

حضرت عبد البهای میفرما یند : (ترجمہ)

"... بس هر فردی واجب است همچگونه اقدامی بدون مشورت محفل روحانی ننماید و البته باید قلبًا و روحًا قرار محفل را مطیع ونسبت بآن منقاد باشند تا امور با حسن وجه امرتب و منظم گردد والا هر شخصی مستقلًا و بر وفق قضاوت خویش عمل خواهد کرد و امیال شخصی خود را متابعت خواهد نمود و سبب ضرر امرالله خواهد گشت."

نظا مات بهائی صفحه ۵۶

حضرت ولی امرالله میفرما یند :

"محافل روحانیه ایام اساس است، و محور و مرکز وصایای مقدسه مبارکه... لہذا احبابی الهی واما الرّحمن هر قدر اساس این محافل را محکمتر نمایند و اسباب پیشرفت و تقدیم را بهتر فراهم آرند وصایای مقدسه سریعتر اجرا شود و نوایای مبارکه زود تر و کاملتر تحقق پاید و جلوه نماید." "اصول نظم اداری صفحه ۱۴"

و نیز میفرما یند :

"یاران باید اعضای محفل خویش را در تمام امور نمایند گان خویش دانند و امنی الهی محسوب نمایند هر حکمی را محفل صادر نمایند بد ل وجان اجرا نمایند."

اصول نظم اداری صفحه ۲۹

حضرت ولی امرالله میفرما یند :

"عموم یاران چه در داخل و چه در خارج محفل باید محفل روحانی را نماینده خود شمرند و تقویت نمایند و ترویج اجرائاتش را کنند."

"و همچنین اعضای محفل روحانی باید خود را خادم نصائح عموم احباب دانند و مرجع صالح روحانیه یاران شمرند." "منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۱۵"

حضرت ولی امرالله میفرما یند :

"احباب باید اعتماد و ثقة تمام با اعضای محترمہ محفل روحانی خویش داشته باشند و بتعاون

وتعاضد قیام کنند و همچنین اعضای محفل شور باید بمصالح امریّه عمومیّه ناظر باشند ترویج مقاصد شخصی نمایند و ناظر با فکار و امیال ومصالح خویش نگردند.

"منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۶"

حضرت ولی امرالله میفرما بیند :

"باید افراد بهائی بتمام قوی و در کمال صمیمیّت قیام بر نصرت نمایند گان محلی و مرکزی خویش نمایند اطاعت و تعکین قرارهای صادره از آن مراجع عالیّه رسمیّه بهائی نمایند و آراء و انکار و تعابرات شخصیّه خویش را در رظل اراده و تصمیمات هیئت ممثلین درآورند."

"منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۸۹"

حضرت ولی امرالله میفرما بیند :

"... هرگاه موردی پیش آید که کد ورتی نسبت بمحفل ویانسبت با اعضای جامعه حاصل گردد محفل روحانی باید متوجه باشد که مناسباتش با یاران صرفاً از جنبه تشکیلاتی نبوده بلکه در عین حال بمنزله هیأتی است روحانی که باید سجاپایی ادب و صبر و شکیبائی و خیر خواهی را از خود ظا هر سازد چه بسا اختلافات که با اعمال قوت و قدرت نمیتوان باصلاح آن موقع شد بلکه باید بوسیله کشف علت حقیقی تکدر خاطر یاران بعلاج پرداخت حضرت عبد البهای میفرما بیند : بعضی نفوس طفلند باید تربیت کرد نادانند باید تعلیم نمود مریضند باید درمان بخشد."

"نظامات بهائی صفحه ۷۱"

حضرت ولی امرالله میفرما بیند :

"... از جهتی حفظ وصیانت امرالله را در امور جزئی و کلی مرااعات تام نمایند و از جهتی دیگر اسباب عناد اهل بغضنا نشوند و بر خصوصی و داد و اوت آنان نیفزا بیند و در موقع مخصوصه چشم از عیوب اهل فتوح بپوشند و بالعکس معامله نمایند و راه مسامحه پیش گیرند ولی بید از وهشیار باشند تا در دام اهل خدّه و تزویر گرفتار نشوند و فریب مغرضین نخورند."

"منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۱۴"

حضرت ولی امرالله میفرما بیند :

"... وظائف اعضای محفل امرکردن و تحکم نبوده بلکه مشورت است و آنهم نه تنها مشورت بین خود بلکه باید هرچه بیشتر ممکن شود با منتخبین خود نیز مشاوره نمایند و باید صرفاً خود را بمنزلة وسائلی بدانند که برای معرفتی امرالله بطور شایسته و مؤثر انتخاب شده‌اند آنان نباید چنین تصور نمایند که بمنزلة زینت وزیور هیکل امرالله بوده و نظرتاً از حيث استعداد و بالیاقت برد یگران تفوق داشته و یگانه مروجین تعالیم و مبادی امرالله میباشند."

"نظامات بهائی صفحه ۵۳"

حضرت ولی امرالله میفرما بیند :

"... با موضوعی که بدان اشاره نموده بود ید این عبد کاملاً موافق بوده و قطعیّاً بود و ن

هیچ قید و ملاحظه این اصل را تأیید نمینایم که اشخاص رانها بمنزله مرکز و یا محوری قرار داد بطوریکه جامعه طائف حول آنها باشد بلکه آنان باید در جمیع احوال مطیع مخالف روحانیه باشند ولوآنکه لیاقت و شایستگی آنان محرز باشد هرقد رآنجناب و سایر همکاران راجع باین اصل مهم و اساسی که مربوط باداره امور امری است تصویح و تأکید نمایند شایسته ورواست.^{٨٥}"
شوقی ربانی "نظمامت بهائی صفحه ٨٥"

آداب مشورت در تشکیلات بهائی

اهمیت مشورت :

حضرت بها "الله میفرمايند :"
"این کلمه مبارکه در صحیفه حمرا از قلم اعلیٰ جاری ونازل آسمان حکمت الهی بد و تیروشن و منیر مشورت وشفقت مشورت برآگاهی بیفزاید وطن و گمان را بیقین تبدیل نماید اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی راه نماید وهدایت کند از برای هرامی مقام کمال وبلغ بوده و خواهد بود بلوغ وظهور خرد بمشورت ظاهر و هویدا . . ."
"مائدۃ آسمانی جلد هشتم صفحه ۶"

حضرت عبد البهاء میفرمايند :

" . . . در خصوص مشورت مأمور بها سؤال نموده بود يد از مشورت مقصود آنست که آراء نفوس متعدده البته بهتر از رأی واحد است نظیر قوت نفوس کثیره البته اعظم از قوت شخص واحد است لهذا شور مقبول درگاه کبریا و مأمور به . . ."

" مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد ثانی صفحه ۳۰۳ "

حضرت ولی امر الله میفرمايند :

" . . . اگر چنانچه پس از تشکیل محفل ملى روحانی در انعقاد جلسات آن محفل واجتمع اعضای تسعه آن واينای وظائف مقد سه اش خلل و توری حاصل گردد البته انعکاس سوئی در جامعه خواهد داشت وعلت وهن وتحقیر امر الله شود واسباب هرج ومرج وتأخر و تقهقر گردد .
منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ٩٥"

اهمیت حضور مرتب در جلسات

حضرت ولی امر الله میفرمايند :

" بد یهی است مادام که عضوی نتواند مرتب^ا در جلسات محفل روحانی محلی خویش حضور به مرساند محال است بتواند وظائف مفروضة خود را اینا ومسئولیت های خویش را بعنوان نماینده جامعه انجام دهد عضویت محفل روحانی محلی حقیقت تأم باللزم وتوانائی تعاس نزد یک با جریایات امریه محلیه وحضور مرتب در جلسات محفل است ."
"نظمامت بهائی صفحه ٦٤"

حضرت ولی امرالله تصویب میفرمایند :

"هرگاه یکی از اعضاء علمه یا یک عضو عادی محل روحا نی نتواند برای مدت نامحدودی انجام وظیفه نماید و معلوم نباشد که آیا در آنچه خواهد توانست بخدمت خود ادامه دهد محل باشد او را رسماً معذور داشته و از احبابی محل دعوت نماید که بوسیله تشکیل یک جلسه عضو جدیدی انتخاب کند . (نظامات بهائی صفحه ۱۲)

حضرت ولی امرالله تصویب میفرمایند :

"هر محل روحا نی محلی باید کاملاً مراقبت و دقت نماید که مسافرتها و یا مرخصی های اعضای اصلی در زمان واحد از چهار نفر تجاوز نکند زیرا رأنا صورت محل از رسالت ساقط میشود . " (نظامات بهائی صفحه ۴۹)

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"راجعاً باستغفار دادن اعضای محل از عضویت پس از انتخاب فرموده حق استغفار داده وندارند و تشخیص و قبول عذر از خصائص محافل محلیه است هر نفسی اطاعت ننماید از متعدد محسوب واز حق انتخاب و عضویت محافل محروم . "

"توقیعات مبارکه صفحه ۳۹۳ ."

و نیز میفرمایند :

مقتضی میدانم خاطر احباب را بلزم قبول بلاشرط هر نوع خدمت و وظیفه ای که نمایند گان با محل ملی به آنان رجوع نمایند متذکر سازم هرگونه استناع از قبول خدمات مرجعه را مذموم میدانم . شوقي رباني "نظامات بهائی صفحه ۱۳ ."

اهمیت خضوع و خلوص

حضرت بهاءالله میفرمایند :

"... ان الانسان مرة يرفع بالخضوع الى سعاد العزة والاقتدار و اخرى ينزل بالغرور الى اسفل مقام الذلة والانكسار ."

مجموعه الواح حضرت بهاءالله کلمات غردد و سیه صفحه ۱۵۷

خط زین المقربین مطبوعه هند وستان

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... لحظات عین رحمانیت منعطف بتنفسی است که در عالم هستی جز محیت و نیستی در سیمیل الهی ندارند ."

"مکاتب حضرت عبد البهاء جلد چهارم صفحه ۳۶ ."

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... آنچه سبب بزرگواری عالم انسانی است خضوع و خشوع است و محیت و نیستی زیارات ذلل و انکسار تاج و هاج عبد البهاءست و محیت و نیستی بی مثتها الکلیل جلیل این بندۀ آستان ."

حضرت کبریا ماباید بکلی از وصف وجود فانی گردید بلکه نیست و مفقود شویم تا سزاوار الطاف و عنایت خداوند بیچون گردید هریک غبار رهگذر جمیع احبابشوم و خادم حق و هادم بنیان نفس و هوی زیرا زینت ابوان الهی باین دو بیت ربیانی است:

نارعشقی برفروز و جمله هستیها بسوز
پس قدم برد اروانگه سوی عشاقدان گذار
کی چشی خمر بقا از لعل نوشین نگار
تانگردی فانی از وصف وجود ای مرد راه

”مکاتیب حضرت عبد البهای جلد چهارم صفحه ۵۶“

حضرت عبد البهای میفرمایند:

”اول فرضیه اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع از ماسی الله و انجذاب بنفحات الله و خضوع و خشوع بین احباب و صبر و تحمل بریلا و بندگی عتبه سامیه الهیه است و چون باین صفات موفق و مؤید گردند نصرت ملکوت غیب ابهی احاطه نماید.“
”اصول نظام اداری صفحه ۱۵“

حضرت ولی امر الله میفرمایند:

”باید در جمیع احیان از روح تفوق واستکبار و روش استبار اجتناب نمایند و از رفتار تسلط طلبی بیزار شوند و در مشاورات خود هرگونه تعصبات و امیال شخصی را کنار گذارند...“
”منتخبات توقيعات مبارکه“

و پیز میفرمایند:

”باید خود را خادم امین حقیقی احباب الله شمند و نظر را متوجه و حصر در منافع عموم و مصالح امز الله نمایند و نه ناظر به اشخاص و متمسک بمقاصد و مآرب شخصیه گردند.“
”مجموعه توقيعات مبارکه صفحه ۵۰“

طریق مشورت و لوازم روحانی آن:

حضرت عبد البهای میفرمایند:

”شرط ثانی آنست که رئیسی بجهت آن محفل اعضای انجمن بالاتحاد انتخاب کنند و دستور العمل و نظامی بجهت اجتماع و مذاکره قرار دهند و آن دستور العمل و نظام در تحت اداره و محافظه و حمایت رئیس باشد و تنفیذ نماید و اعضای محفل باید در نهایت اطاعت و انقیاد باشند مکالمه حشو وزوائد در آن محفل نگردد و اعضاء درین ورود توجه بملکوت اعلی کنند و طلب تأیید از اتفاق ابهی و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند و نهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیت خطاب ببیان آراء پردازند در هر مسئله ای تحری حقیقت کنند نه اصرار در رأی زیرا اصرار در رأی منجر بمنازعه و مخاصله گرد و حقیقت مستور ماند ولی اعضای محترمه باید نهایت آزادگی ببیان رأی خویش نمایند و ابد آجاز نه کنفنسی تزییف رأی دیگری نمایند بلکه بکمال ملایمت ببیان حقیقت کند.“

”مکاتیب حضرت عبد البهای جلد سوم ص ۵۰“

و نیز میفرمایند :

"... باری هرکاری که بالفت و محبت و خلوص نیت فیصل شود نتیجه اش انوار است و اگر ادنی اغباری حاصل شود نتیجه اش ظلمات فوق ظلمات است.

"مکاتیب حضرت عبد البهای جلد سوم صفحه ۵۰

تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمان شور سبب ظهور شعاع حقیقت است نباید هیچیک از اعضا متکدر از مقاومت دیگری شود بلکه هریک قول دیگری را با وجود مخالف بودن بارأی خویش در کمال ادب بخلوص نیت گوش نهد و غباری در قلبش ننشیند چون چنین گردید آن - انجمان الهی است والا سبب برودت و کد ورت عالم شیطانی ."

"مکاتیب حضرت عبد البهای جلد سوم صفحه ۵۰

و نیز میفرمایند :

"... باید بنوعی مذاکره و مشاوره گردد که اسباب اختلافی نرا هم نباید و آن اینست که حين عقد مجلس هریک بکمال حریت رأی خویش را بیان و کشف برها ننماید اگر دیگری مقاومت میکند ابدأ او مکدر نشود زیرا تابحث در مسائل نگردد رأی موافق معلوم نشود و بارقة حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء حاصل گردد فنعم العراد و اگر معاذ الله اختلاف حاصل شود باکثریت آراء قرار دهند ... و دیگرانکه مذاکره در محفل شور را کسی ننماید نقل کند ."

"کتاب محافل روحانیه و وظائف آن صفحه ۱۲ و ۱۳"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"صراحت و صداقت مرجح بر جمیع امور واژشیم و صفات ممدوحه محبوبه مقدسه اهل بهای محسوب ."

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"... اعضای محفل شور باید بمصالح امریه عمومیه ناظر باشند . ترویج مقاصد شخصی - ننمایند و ناظر افکار و امیال ومصالح خویش نگردد . " اصول نظام اداری صفحه ۱۹"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"اعضای این محافل باید بنوبه خود کاملاً احساسات موافق و مخالف خود و مصالح و تمایلات شخصی را کنار گذارد و افکار خود را در اطراف اقداماتی که منجر به خیر و سعادت جامعه بهائی و ترویج مصالح جمهور است حصر ننمایند . " "نظمات بهائی صفحه ۵۸"

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"... زنهار زنهارگه طرفداری جاه طلبی و تعلق بد نیا در آراء امور رسخی ننمایند زیرا بعمر زمان نورانیت آئین مقدس را ظلمانی و طهارت و تنزيهش را لکه دار و اثرات عیقا اش را فلنج و معلول خواهد ساخت . " "مائدۀ آسمانی جلد ششم صفحه ۸۶

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"... وهمچنین اعضاي محافل روحانيه محلی و مرکзи باید از مآرب و منافع وصالح شخصیه فردیه خود بیزار و درکنار باشند و نظر را حصر در ترویج مصالح جمهور و فوائد عمومیه و پیشرفت جامعه بهائی نمایند در امور مفروضه موكوله تفحیق و تعمق نمایند و بعد لوانصاف حکم فرمايند در امور مرجعه در کمال صراحت و صدق اقت وجد بیت مشورت تمام نمایند و در مذاکرات و مباحثات کل من دون استثناء مشارکت کنند و پس از مشورت کامل متمسک بحکم اکثریت گردند و تصمیم قطعی بنمایند و پس از تصمیم من دون تأخیر و تردید در تنفيذ واجراهای قرارهای خوبش همت بلیغ مبذول دارند ."

"منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۹۰"

لزوم قبول رأی اکثریت

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... وچون اختلاف آراء حاصل شود رجوع باکثریت آراء کنند و کل اکثریت را مطیع و منقاد گرداند و دیگر جائز ندانفسی از اعضا محترمہ برقرار اخیر چه در خارج و چه در داخل اعتراض نماید و یانکته گیرد ولو مخالف صواب باشد زیرا این نکته گیری سبب شود که هیچ قراری استقرار نماید ."

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

"... باید رأی خود را در هرامی و در هرجلسات در نهایت صدق اقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تمام رأی اکثریت برآن قرار گرفت بد ل و جان ^{بدون} آدنی که ورت ورنجش اجرانمایند ولو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد چه اینست حکم صریح حکم الهی چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص جائز ؟"

ونیز میفرمایند :

"... وچون موقع اخذ تصمیم فرارسد باید از روی خلوص نیت و حسن طوبیت و کمال رغبت مشورت کرده و سپس باستان الهی توجه و تبیّن نمایند و باصنای قلب و ایمان کامل و شهادت تمام ابدای رأی نموده و مطیع نتیجه آراء اکثریت گردند زیرا بفرموده حضرت عبد البهاء رأی اکثریت نداری حق بوده وقابل احتجاج نیست و باید همواره باکمال میل و استیاق بمورد - اجراگذاشته شود این رأی اکثریت را باید پاران قلباً قبول کنند و آنرا یکانه و سیله صیانت و پیشرفت امرا للعشمرند ."

ونیز میفرمایند :

کل چه در داخل و چه در خارج محفل باید اطاعت و انتیاد با اعضاي محفل نمایند و تصویب و تأیید اجرائاتش نمایند ولو اینکه رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد ."

"منتخبات توقعات مبارکه صفحه . ۶"

ونبیز میفرمایند :

"نردی از افراد محفل هرقد ر عظیم الشأن باشد و کامل ، و هرچه آگاه باشد و فاضل باز رأی فرد مصاب نبوده و نخواهد بود ، آن فرد قانوناً باید مطیع اغلبیت باشد"

"أصول نظم اداری صفحه ۷۳"

لزوم اتحاد و اتفاق و پرهیز از اختلاف

حضرت بها «الله» میفرمایند :

"ایاکم ان تغّرّقكم شئونات النفس والبهوي کونوا کالاصابع فی اليد والا رکان للبدن كذلك يعظكم قلم الوحي ان انتم من الموقنين . " کتاب مستطاب اقدس آیه ۱۳۴"

ونبیز میفرمایند :

"حق شاهد و گواست که ضری از برای امر الیوم اعظم از فساد و نزاع وجد ال وکد ورت وبرود ما بین احباب نبوده و نبیست . " اقتداءات صفحه ۲۲"

حضرت بها «الله» میفرمایند :

" . . . اگر جمیع عالم از حق اعراض نمایند ضری برآم وارد نمبلکه اعراض خلق سبب وعلت ارتفاع امرحق جل جلاله است ولكن ضر وحزن مظلوم از عدم اتحاد و اتفاق اولیا ود وستانست بگو عمل رالله کنید والی الله ناظر شوید هر نفسی این مقام را ادرارک نماید ولذت آنرا بباید البته از خود و ماعنده بگذرد و بما بیرون تفع به الامر ناظر و عامل گردد . " "مائده آسمانی جلد هشتم صفحه ۵۷۵"

حضرت بها «الله» میفرمایند :

"قلم اعلی میفرماید : ای دوستان حق مقصود از حمل این رزایای متواتره و بلاحای متنابعه آنکه نفوس موقنه بالله باکمال اتحاد بایکد یگرسلوک نمایند بشائیکه اختلاف و اثنتینیت و غیریت از مابین محو شود الا در حدود این مخصوصه که در کتب الهیه نازل شده انسان - بصیر در هیچ امری از امور نقصی برآ و وارد نه آنچه وارد شود دلیل است بر عظمت شأن و پاکی فطرت او مثلاً اگر نفسی لله خاضع شود از برای دوستان الهی این خضوع فی الحقيقة بحق راجع است چه که ناظر بایمان اوست بالله در این و صورت اگر نفس مقابل بمثل او حرکت ننماید و یا استکبار از او ظاهر شود شخص بصیر بعلو عمل خود و جزای آن رسیده و میرسد و ضر عمل نفس مقابل بخود او راجع است و همچنین اگر نفسی بونفسی استکبار ننماید آن استکبار بحق راجع است نفوذ بالله من ذلک یا اولی الابصار ."

"مجموعه الواح حضرت بها «الله» صفحه ۲۶۹"

حضرت بها «الله» در مناجاتی میفرمایند :

"..... فوعزتك يا محبوبى لو تعددت بنى فى كل حين ببلاءً جدد لا حبت عندى بان يحدث
بين احبابك ما يكدر به قلوبهم ويترفق بما جتماعهم لانك ما بعثتنى الالاتحاد هم على امرك
الذى لا يقوم معه خلق سماائك وارضك واماراضهم عما سواك واقبالهم الى انق عز كبرياتك و
توجههم الى شطر رضاك... اذا اسألتك يا مالك العلوك باسمك الذى منه شرعت شريعة
الحب والوداد بين العباد بان تحدث بين احبابي ما يجعلهم متحددين فى كل الشئون
لتظهر منهم آيات توحيدك بين بريتك وظاهرات التفريد فى مملكتك وانك انت المعتقد على
ماتشاء لا اله الا انت المايمن القيوم."

"مجموعه الواح حضرت بها الله صفحه ٢٢٨"

حضرت عبد البهاء ميفرمایند :

"..... دراین دوربیع وقعن جلیل اساس دین اللّه موضوع شریعت اللّه رأفت کبری ورحمت
عظمی والفت باجتمع ملل وصداقت وامانت ومهریانی صمیمی قلبی باجتمع طوائف ونحل و
اعلان وحدت عالم انسانست حتی بیگانه آشنا بود واغیار یار شعرده گردید باجتمع افراد بشر
از هر ملل ونحل باید بنها یت دوستی وراستی وامانت ودیانت والفت واتحاد معامله گردد
حال این صبح نورانی امرالله وابن کوک رحمانی دین الله آیا انصاف است که بغمام
اختلاف بین احباب و عدم اتحاد مستور وینهان گردید لا والله بلکه جمیع ما بیگانگان را حان -
نشانی نمائیم تا چه رسید باشنا اغیار را باید بپرستیم تا چه رسید بیار هذه شریعة الله و
ودین الله وامرالله فی هذا القرن الجليل والعصر العظیم."

"مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد دوم ص ٢٦٦"

حضرت عبد البهاء ميفرمایند :

"..... امروز اهم امور اتحاد واتفاق احبابی الهی است که بایک یگر یکدل ویک جان شوند
تاتوانند مقاومت خصوصت اهل عالم کنند وتعصیات جاهلیه ملل ومذاهب را ازاله نمایند هر
فردی از افراد بشر را تفهم نمایند که کل باریکدارید وبرگ یک شاخصار، ولی تا نفس احباب
اتحاد واتفاق کلی نیابند چگونه توانند که احزاب سائمه را باتحاد واتفاق بخوانند .

جان نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

در کائنات خارجه تفکرکنید تاعبرت حاصل شود سحاب متفرق نیخ باران ندارد و دراند ک
مذت ملاشی شود گله پراکنده در تحت تسلط گرگ اند طیور متفرقه بچنگل بازمبتلاشود
چه برها نی اعظم از این که اتحاد واتفاق سبب ترقی وحیات است واختلاف و افتراق مورث
ذلت و هوان واعظم وسیله خذلان و خسaran تا توانید بر اتحاد واتفاق بایک یگر
بکوشید زیرا کل قطرات یک بحرید و اوراق یک شجر ولثالي یک صد ف وکل وریا حین یک
ریاض، پس ازان در تأثیف قلوب سائر ادیان بیکد یگر جانفشانی نمائید وبا هر فردی از افراد
انسانی نها یت مهریانی کنید نفسی را بیگانه نخوانید و شخصی را بد خواه مشمرید چنان

رفتار نمائید که جمیع خلق خویش و پیوندند و آشنا وارجمند چنان سلوک نمائید که این جهان نافی نورانی گردد و این گلخن ظلمانی گلشن رحمانی شود اینست وصیت عبدالبهاء اینست نصیحت این عبد بنینوا و علیکم البهاء الا بهی . عج

"مائدة آسمانی جلد پنجم صفحات ۵۶-۵۷"

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... باید یاران الهی مجد و بمنفعتون یکدیگر باشند و جانفشارانی در حق یکدیگر کنند اگر نفسی از احباب بدیگری بر سر مانند آن باشد که تشنه لبی بجهشید آبی حیات رسدو یسا عاشقی بمعشوق حقیقی خود ملاقات کند زیرا از اعظم حکمت الهی در ظهور مظاہر مقدّسه اینست که نفوس مانوس یکدیگر گردند و قوّه محبت الله جمیع را امواج یک دریان نماید و از هار یک بوستان کند و نجوم یک آسمان نماید اینست حکمت ظهور مظاہر مقدّسه ..."

"مکاتیب حضرت عبد البهاء" جلد سوم صفحه ۳۰

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... وصیت مینیایم شما را که جمیع همت را در الفت و محبت و اتحاد و اتفاق مبذول دارید تا هر یک نزد دیگری ساجد گردد و هر یک در محبت دیگری جانفشارانی نماید و حقیقت کامانی تحقق باید نیت را باید لله کرد اگر چنانچه از بعضی در وستان قصوری صادر گردد دیگران باید بدیل ستر بپوشند و در اکمال نواقص او کوشند نه اینکه از او عیب جوشی نمایند و در حق او ذلت و خواری پسندند نظر خطاط پوش سبب بصیرت است و انسان پرهوش ستار عیوب هر بندۀ پرمعصیت پرده دری شان و حوش است نه انسان پرداش و هوش ..."

"مکاتیب حضرت عبد البهاء" جلد چهارم ص ۱۱

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... باید که جمیع یاران الهی در نهایت خضوع و خشوع و تذلل و انکسار بعبودیت یکدیگر قیام نمایند و در منتهای اتحاد و اتفاق والفت و بگانگی بکوشند الیوم هر خاضع و خاسعی که بهمچوجه رائحة وجود در او نیست و به بندگی جمیع در وستان قائم در ملکوت ابهی رویش ... چون ممتازان تابند و درخشند و هدایت بخشنده ایادی امرالله چون سرج نورانیه اند در هر امری قراری دهند و اتفاق نمایند و یا اکثریت آراء حاصل گردد کل باید اطاعت و انقیاد کند و همچنین بر جمیع در وستان الهی بخیص قاطع رحمانی فرض است که بجان و دل حضرت شهریار عادل را دعا کنند و در اطاعات و انقیاد سعی بلیغ مجری دارند والبهاء علیکم . عج"

"مکاتیب حضرت عبد البهاء" جلد چهارم صفحه ۱۰

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

"... الیوم نصرتی از برای میثاق الهی اعظم از اتحاد و اتفاق نه و همچنین اهانتی اعظم از اختلاف و شقاق نیست والله الذي لا إله إلا هو اگر اتحاد و بگانگی در میان ما بکمال

درجه چنانکه رضای جمالقدم است حاصل نگردد کوراعظم نتیجه نبخشد بلکه این حزب جو
احزاب سابقه باشد . . . " مائدۃ آسمانی جلد نهم صفحه ۹ .

حضرت عبد البهاء میفرمايند :

" ای بیاران الهی زنها رزنهار از اختلاف زیرا بنیان الهی از اختلاف برافتد و شجره
مبارکه از اریاح اختلاف از ثمر بارزماند گشن توحید از زمہریر تباين افکار پزمرده گرد و
نار محبت اللہ افسرده شود . . . " مائدۃ آسمانی جلد نهم صفحه ۱۵۲

حضرت عبد البهاء میفرمايند :

" احبابی الهی میدانند و در جمیع الواح وزیر ربائی خوانده و میخوانند کا ذکر ذرہ ای -
اختلاف جمال مبارک روحی لا حبائی الغدا ، چنان برمیافروختند که وجه مبارک تغییر میکرد و
هر یک از اشخاص موجوده البته صد مرتبه بگوش خود از فم مطهر شنیده اند که بکرات بکمال
تأثر میفرمودند من اگر ببینم که امرالله سبب اختلاف میان دو نفس میشود از امرالله میگذرد
" مائدۃ آسمانی جلد نهم صفحه ۱۲۸ . . .

حضرت عبد البهاء میفرمايند :

" . . . همچو گمان نمیکنم که کسی سبب ذرہ ای اختلاف در امر مبارک شود خواه سری و -
خواه جهی و خیر ببیند عنقریب معلوم خواهد شد وهذا وعد غیر مکذوب . " مائدۃ آسمانی جلد نهم صفحه ۱۲۸

حضرت عبد البهاء میفرمايند :

" باری ای احبابی الهی ضریح کتاب الهی اینست که اگر دو نفس در مسئله ای از مسائل الهیه
جدال و بحث نمایند و اختلاف و نازعه نمایند هر دو باطلند . "

" مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد سوم صفحه ۳۳ . . .

حضرت عبد البهاء میفرمايند :

" اول شرط محبت والفت تام بین اعضای آن جمعیت است که از بیگانگی بیزار گردند و بیگانگی
حضرت پروردگار آشکار کنند زیرا امواج یک بحرند و قطرات یک نهر نجوم یک افقند واسعة
یک شمس درختان یک بوستانند و گلهای یک گلستان و اگر وحدت حال و بیگانگی بی ملال در
میان نماید آن جمع پریشان گردد و آن انجمن بی سروسامان . . . "

" مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد سوم صفحه ۶۰ . . .

ونیز میفرمايند :

" امروز اهم امور اتحاد و اتفاق احبابی الهی است که بایکد یک دل و یک جان شوند تا
توانند مقاومت خصوصی اهل عالم کنند . . . "

ونیز میفرمايند :

" . . . الیوم خدمتی اعظم از اتحاد و اتفاق احبابی است . "

(مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد اول صفحه ۲۹۱)

و نیز میفرما یند :

" قسم بجمال قدم روحی لا حیانه المتعدین فدا کفر و سروری از برای عبد البهاء جزء
بشارات اتحاد و اتفاق احباب نه زیرا آس اساس امرالله وحدت ویگانگی و محبت است "

(مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد دوم صفحه ۲۰۰)

و نیز میفرما یند :

" . . . امروز اعظم مواهب الهیه اتحاد و اتفاق احباب است . "

(مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد سوم صفحه ۸۸)

و نیز میفرما یند :

" آنچه اعظم امور است آن اتحاد و اتفاق جمهور احباب و ائتلاف تام در میان یاران این اهم
امور است اگر نفسی ملول گردد اهمیت بد هید و بهرو سیله باشد اورا گرم کنید و در دایره
و حلقه خوبیش در آرید " (مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد سوم صفحه ۳۴۰)

و نیز میفرما یند :

" باری هر کاری که بالفت و محبت و خلوص نیت فیصل شود نتیجه اش انوار است و اگر ادنی
اغیرایی حاصل شود نتیجه اش ظلمات فوق ظلمات است . "

(مکاتیب عبد البهاء جلد سوم صفحه ۵۰۷)

و نیز میفرما یند :

" . . . این مسئله بسیار مهم است البته در فکر آن باشید زیرا عبد البهاء در طوفان خطر
است و از خوف اختلاف آراء در تهایت حذر اگر معاذ الله اختلاف جزئی حاصل گردد جمیع
نفوس ذلیل و هالک و امرالله بنهایت ذلت در جمیع ممالک گرفتار شود دیگر معلوم است که
چقدر از این نکر در اضطراب الحمد لله اسباب اختلافی نه . "

(مکاتیب عبد البهاء جلد سوم صفحه ۵۰۰)

و نیز میفرما یند :

" . . . ای احباب الهی اگر سرور و حبور و آسانیش جان و راحت و جدان عبد البهاء راخوا
بر اتحاد و اتفاق بیفزایید و جمیع امواج یک بحر گردید و قطرات یک نهر گلهای یک گلشن
گردید و حلقه های یک جوشن در یک هوا پرواز نمایید و بیک نفعه و آواز ترقم ساز این
شبب سرور ابدی است و راحت قلب و جان سرمدی . " (مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد اول صفحه ۲۹۱)

و نیز میفرما یند :

" بگو ای یاران وقت اتحاد و اتفاق است و زمان یگانگی و آزادگی بیکدیگر مهربان باشید و
بخدمت همدیگر پردازید اول خادم شما منم و اول غلام شما من قسم بجمال قدم روحی و

ذاتی وکینوئتی لا حبایه‌القدر که رویم بنور خدمت دوستان حق روشن و مشام بمنفات محبت
یاران معطر نهایت آمال و آرزویم اینست که بخدمت یک از دوستان پردازم اینست میزان
والبها علیکم . ع (مکاتیب حضرت عبد البهاء جلد چهارم صفحه ۱۵)

حضرت ولی امرالله میفرمايند :

آنچه سبب اصلی وعلت اولیه نگرانی و افسردگی این دلتانگ شده و برغم وغضه این مصیبت
کبری افزوده و متأسفانه این عبد را بنگاشتن این نامه واداشته و تولید مشاکل متنوعه نموده
که هریک اسباب تأخیر وضعف امر مقدس الهیست همانا عدم الفت وتعاون حقیقی در بین
احباب الله است نعید ایند که آثار و علائم عدم صفاد رقلوب مؤمنین بلکه ادنی شائبه دلتانگی و
برودت و اغبار در جمع احباب چقدر اسباب خلل و توهین و تزییف این امر است وعلت خجلت
وحیرت و شرم‌ساری این عبد و بوجه حدى مضر و مخالف مبدأ و اساس شریعت الله چون سه
ناقع ولو اثراتش فوراً در نزد عموم نمایان و مشهود نگردد ، روح نباض هیکل امرالله را زجله
ونفوذ باز دارد و بتدریج منعدم سازد تمام اقدامات و مجاهدات این سنین متواهیرا از هر
گونه شمر ونتیجه واشری منع و محروم دارد و گروه مقبلین و طالبین راه‌زار فرسنگ از این معین
حیات و سبیل نجات دور نماید و مشئز سازد . حقیقت ساطعه مشعشعه این آئین مقدس
راد رانظار جمهور علی الخصوص در نظر متفرسین و ممیزین و دانشمندان عالم بظلمات اوهام
تبديل نماید و حرمت و امتیاز و شرافت و حلاوت امریکه را حتماً و متدرباً از نظریار و اغیار
محوزات کند و محن و بلایا و متعاب لاتحصای قد ما واحبنا و مؤسسین و شهدای این امر
عزیز را عاقبت هدر دهد بذر خلاف و شقاق و فساد را در موادر امریه پی در پی ایجاد نماید
و در نظام و پیشرفت محاذل روحانیه کهاليوم اس اساس بیوت عدل الهی است و پیگانه محصور
ومرجع شئون امریه خلی عظیم و تزعزعی شدید فراهم آرد

"منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۵ الى ۹"

ونیز میفرمايند :

... مقصود از شهادت حضرت اعلى ونفی و زندانی و اسارت جمال ابھی و سفک دم —
شهدا و متعاب و بلایا لاتحصای حضرت عبد البهاء تأسیس سلطنتی جدید و نام و شهرتی
تازه و ترویج طریقت و مذهبی مخصوص نبوده بلکه مقصود حصول اقدم آمال پیشینیان است
یعنی اخوت نوع بشر اگر اخوت حقیقی با حسنها و اجملها و اکملهاد رین احباب تحقیق نیابد
تأسیس وحدت عالم انسانی چگونه ممکن؟ اگر اختلاف درین یاران که هریک حامل پیام
نجاتند زائل نگردد امیدی دیگر نه و تبلیغ را دیگر اثر و فایده ولزومی نبوده و نخواهد بود
دیگر یاران خود دانند و به آنچه صلاح و خیر این امر است خود پردازند آنچه بمنظرقا صر
این عبد میرسد همانست که کراراً و مراراً بیاران ابلاغ نمودم که اگر صیانت و تقدّم سریع
امرالله راخواهانیم باید بهرنحوی ممکن ادنی شائبه اختلاف و برودت و اغبار را زمیان

خود محو سازیم و با قلوبی صاف و پاک و طیب و ظاهر در کمال روح و روحان و یگانگی نفحات تقدیس و تنزیه و خلوص و محبت الهیه را بشم آلوهه اهل عالم رسانیم ادنی گنگوئی در جمع احیا سلب تأیید نماید و روح مجرد متعین امرالله را از هیکل آن جمع مریض چون بر ق اخراج نماید مجہودات و مساعی مبذوله را بتمامها بپاد دهد و اسباب تقهقروانحطاط و تجزی و اضمحلال آنان فناناً ازد پاد باید واز جمیع جهات احاطه نماید

(منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۵ الی ۹)

حضرت ولی امرالله میفرمايند :

" و نیز از وظائف محفل جهد در تألیف قلوب پارانست و دفع علت و اثر اختلاف وکد ورت و اغیرا رد رجمع احیا الله بهر وسیله ای باید هر برودت وکد ورتی را بروحانیت وصفات بدیلداد و سکون و خمودت را بوله و استعمال مبدل کرد . "

(منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۴۰۲)

حضرت ولی امرالله میفرمايند :

" . . . باید اعضای محفل در الفت و اتحاد پاران وعزت امرالله و ترویج دین اللمشب و روز بکوشند اگرچنانچه از جهتی رائحه ای بوزد و آثار اغیار و علامات اولیه مشکلی معلوم و ظاهر شود باید فوراً اعضای محفل مجتمع گردند و درست این باب و جلوگیری از هر فساد و رفع و دفع آن ب تمام قوی بکوشند و نگذارند که ضرر و وحشی بر امرالله وارد گردد . "

(منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۴۰۳)

حضرت ولی امرالله میفرمايند :

" . . . تا اتحاد و اتفاق کامل در بین احیا جلوه ننماید و محکم و ثابت نگردد امر عزیز الهی د رحال توقف باقی و ازفتح وظفر منوع و محروم . "

(منتخبات توقيعات مبارکه صفحه ۱۱)

و نیز میفرمايند :

" . . . ادنی شائبه اختلاف و برودت و اغیار را از میان خود محو سازیم و با قلوبی صاف و پاک و طیب و ظاهر در کمال روح و روحان و یگانگی نفحات تقدیس و تنزیه و خلوص و محبت الهیه را بشم آلوهه اهل عالم رسانیم . "

" اخبار امری شماره ۷ سنه ۱۱ بدیع "

راهنمای تکلیف

رسمیت یک تشکیل

هر تشکیل وقتی میتواند به صورت رسمی شروع بکار نماید که حداقل نصف باضانه یک نفر از اعضاء در آن جلسه حاضر باشند.

تبصره ۱ - همانطورکه قبل از گفته شد جلسه‌ای رسمی گفته میشود که کلیه اعضای آن از زمان و مکان تشکیل جلسه مطلع باشند. در صورتیکه حتی یک نفر از اعضاء از زمان و مکان تشکیل مطلع نباشد و بقیه اعضاء تماماً حاضر باشند جلسه رسمی نیست مگر آنکه آن عضویه مسافرت رفته باشد. برای جریان بهترامور معمولاً زمان و مکان مشخص را برای تشکیل جلسات محفل اختصاص میدهدند در غیراین صورت منشی جلسه موظف است اعضاء غایب را از زمان و مکان جلسه مطلع و آنها را دعوت کند و عضو مسافر نیز با پیشنهاد محضور ورود مراجعت خود را به منشی جلسه اطلاع دهد. بمعبارت خلاصه هیچ جلسه‌ای رسمی نخواهد یافت مگر آنکه کلیه اعضاء از زمان و مکان تشکیل جلسه مطلع باشند و حداقل نصف باضانه یک افراد حاضر باشند. (نظم اداری بهائی ص ۳۰ طرح مکاتبهای).

تبصره ۲ - جلسه فوق العاده میتواند طبق درخواست ناظم و یا سه نفر از اعضاء تشکیل گردد. تمام شرایط موجود در تبصره ۱ جهت رسمی شدن جلسه فوق العاده هم لازم است. (نظم اداری بهائی ص ۶۰)

این حالت وقتی است که در خارج از جلسه لزوم جلسه فوق العاده بعلت کاری ضروری احساس گردد و الا اگر جلسه فوق العاده در جلسه رسمی مطرح شود نظر اکثریت شرط است.

شروع جلسه

هر جلسه با تلاوت مناجات شروع میشود. بهتر است برای کسب روحانیت و طلب تأیید مدت معینی در شروع هر جلسه به دعا و مناجات بگذرد.

انتخاب هیئت عامله :

هر تشکیل در اولین جلسه رسمی خود اقدام به انتخاب هیئت عامله مینماید بدین ترتیب که با رأی کتمی و مخفی به ترتیب ناظم، نایب ناظم، منشی و امنی صندوق را انتخاب مینماید. منتخبین باید دارای اکثریت مطلق یعنی حداقل نصف باضانه یک کل آرا باشند.

تبصره - در صورتیکه در اولین جلسه کلیه اعضاء حاضر نباشند هیئت عامله وقت انتخاب خواهد شد. ترتیب انتخاب هیئت عامله وقت تماماً شبیه انتخاب هیئت عامله ایم است با توجه به این موضوع که اکثریت مطلق عبارت از نصف باضانه یک اعضاء حاضر در جلسه است نه تمام افراد عضو، مثلاً اگر تشکیلی دارای ۹ عضو است و در اولین جلسه ۷ نفر حاضرند هر

یک از اعضای هیئت عامله موقت باید حداقل ۴ رأی داشته باشند درحالیکه در اعضای هیئت عامله دائم ۵ رأی . تازمانیکه کلیه اعضا در جلسه حاضر نیستند نمیتوان هیئت عامله دائم انتخاب نمود . به عبارت دیگر حین انتخاب هیئت عامله دائم حضور کلیه افراد ضروری است . در صورت کثیر کارهای منشی ، میتوان اقدام به انتخاب خلاصه نویس نمود .

(کتاب راهنمای محافل ان - ۱۲۸-۲)

باید توجه داشت که اعضای هیئت عامله کوچکترین امتیازی نسبت به بقیه اعضاء ارنده و کلیه افراد در صدقه واحدند . پس از شروع جلسه خلاصه مذاکرات جلسه قبل قرائت و در صورت عدم نقص تصویب خواهد شد . در صورت وجود نقص این پس از رفع آنها تصویب خواهد شد . پس از تصویب ، خلاصه مذاکرات باید به امضای منشی و ناظم بررسد . خلاصه مذاکرات شامل ساعت شروع و ختم جلسه افراد حاضر و غایب و دیرآمدگان و نیز بیان موجه بودن و یا غیر موجه بودن غایبت افراد ، همچنین گزارشات منشی ، ابلاغات ، مصوبات ، اقدامات وغیره و در صورت لزوم دستور جلسه آینده ممیباشد . توضیح اینکه دستور جلسه عبارت است از موضوع که قرار میگذارد تا در جلسه آینده مورد رسیدگی قرار گیرد .

پیشنهاد و شور

در صورتیکه یکی از اعضاء پیشنهادی نماید هنگامی قابل شوراست که حداقل یک نفر تأیید نموده باشد .

تبصره ۱ - برای اینکه از وقت محدود جلسه حد اکثر استفاده شود لازم است اعضا اول نظرات خود را بسیار خلاصه مطرح نمایند و درثانی از بیان مطالبات تکراری خودداری نمایند .

تبصره ۲ - ناظم جلسه بهتر است نظرات خود را حتی الامکان بعد از سایر اعضاء بیان نماید . به هر حال باید بحث چنان بار و حانیت و محبت انجام شود که حتی الامکان جلسه به اتفاق آرا تصمیم بگیرد در غیر این صورت به اکثریت آرا رجوع خواهد شد چنانکه حضرت عبد البهای میفرمایند : " در نهایت مذاکره اگر اتفاق آرا حاصل گردد فنعم المراد و اگر معاذ الله اختلاف حاصل شود به اکثریت آرا قرار دهدن " .

تبصره ۳ - رأی متعنی عدم ابراز رأی در تشکیلات بهائی جائز نیست و هر عضو باید نظر خود را نفیا یا اثباتاً اظهار نماید .

تبصره ۴ - در صورتی که در رأی گیری یک پیشنهاد افراد مخالف موافق پیشنهاد مساوی باشند در مورد آن پیشنهاد مجدداً بحث خواهد شد و افراد مخالف موافق صحبت نموده و مجدداً رأی گیری خواهد شد .

تبصره ۵ - مواقعي که چند پیشنهاد شبیه بهم بوده و یا باهم متضاد نباشد و نیز چند طریق مختلف جهت اجرای امر واحدی پیشنهاد شود و همچنین انتخاب اعضای تشکیلات

تابع، باید از طریق رأی نسبی نتیجه‌گیری کرد بدین ترتیب که نظام باید برای هر پیشنهاد تأثید بگیرد و به ترتیب هر کدام را به مشورت بگذارد و سپس رأی گیرد و تعداد رأی‌هارا - بیان داشت نماید و در نهایت پیشنهادی که بیشترین رأی را داشته باشد باید را نتخاب تشکیلات تابع افرادی که بیشترین رأی را بایاورند تصویب شده هستند در مواردی که دو پیشنهاد یا دو نفر از اعضای مورد نظر تشکیل تابع دارای رأی مساوی باشند فقط بین دو پیشنهاد یاد و نفر مجدداً اعلام رأی خواهد شد.

اهمیت شور و مشورت

از آنجائی که رأی افراد متعدد صحیح‌تر از رأی یک فرد است و از آنجا که به فرموده - مبارک "بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است" در دیانت بهائی تصمیمات برمبنای شور و مشورت اخذ می‌شود و تصمیمات به‌اتفاق یا به‌اکثریت مطلق اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد بدین ترتیب اختلاف آراء ازین رفته و وحدت اجتماع حفظ خواهد شد. جمال اقدس - ابهی در اهمیت مشورت می‌فرمایند :

"این حکم مبارکه در صحیفه حمرا از قلم اعلیٰ جاری ونازل آسمان حکمت الهی بد و نیز روش و منیر مشورت و شفقت. مشورت برآکاهی بیفزاید وطن و گمان را به‌یقین تبدیل نماید اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی راه نماید و هدایت کند از برای هرامی مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظا هر و هویدا". در مشورت باید ناظر به مصالح عمومیه بود و از مقاصد شخصیه احتراز جست صراحت و صداقت را پیشه کرد و خلوص نیت و راستی را مطمح نظر قرار داد به هیچ وجه نباید در رأی خود اصرار ورزید رأی دیگران را تزییف و تحقیر کرد. حضرت عبد البهاء می‌فرمایند : "باید بنوعی مذاکره و مشاوره گردد که اسباب اختلافی فراهم نماید و آن این است که حین عقد مجلس هریک به کمال حریت رأی خود را بیان و کشف برهان نماید اگر دیگری مقاومت می‌کند ابداً مکدر نشوز زیارات ابحاث در مسائل نگردد رأی موافق معلوم نشود و بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است. و نیز می‌فرمایند : "تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شورا سبب ظهور شعاع حقیقت است نباید هیچیک از اعضا مکدر از مقاومت احادی شوند بلکه هریک از اعضا قول دیگری را با وجود مخالف بودن با رأی خویش در کمال ادب به خلوص نیت گوش دهد و غباری در قلبش ننشیند چون چنین وضعی گردد آن انجمن الهی است و لاسبب برودت وکد ورت عالم شیطانی". هریک از اعضا پس از اجازه از نظام باید نظر خود را به کمال صراحت خطاب به جمع بیان نماید. اعضا باید از مجادله در مسائل بپرهیزنند. حضرت عبد البهاء می‌فرمایند : "باری احبابی الهی صریح کتاب الهی این است که اگر دو نفس در مسائل از مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلافات و منازعه نمایند هر دو باطلند".

در صورتیکه درین بحث اطراف یک پیشنهاد یکی از اعضاء پیشنهادی ارائه دهد که درجهت بهبود و تکامل پیشنهاد مطروحه باشد بهاین پیشنهاد اصطلاحاً پیشنهاد اصلاحی گفته میشود . ناظم جلسه موظف است پس از طرح پیشنهاد اصلاحی نسبت به آن تأیید بگیرد و در صورت تأیید شدن در اطراف این پیشنهاد مثل پیشنهاد اصلی بحث شده و در نهایت ابتدا برای پیشنهاد اصلاحی اعلام رأی میشود و در صورت تصویب پیشنهاد اصلی منتفی است و در صورت رد شدن پیشنهاد اصلاحی پس از اکمال شور و مشورت در مورد پیشنهاد اصلی رأی گرفته خواهد شد .

ختم مذاکرات

پس از بحث کافی هرگذام از اعضاء میتوانند پیشنهاد ختم مذاکرات بنمایند که در صورت تأیید و تصویب، اعضاء دیگر مجاز به بحث در اطراف موضوع نمیباشند و اعلان رأی خواهد شد . پیشنهاد ختم مذاکرات مانند یک پیشنهاد مستقل و بارعایت ثوبت مطرح و اخذ تصمیم خواهد شد . ناظم جلسه موظف است پس از تصویب پیشنهاد ختم مذاکرات پیشنهاد مطروحه را بطور روشن بیان و رأی گیری نماید .

انقیاد به رأی اکثریت

پس از تصویب یک پیشنهاد باید کلیه اعضاء اعم از کسانیکه قبلًا موافق با مخالف بوده اند پیشنهاد تصویب شده را پیشنهاد خود بدانند و بهدل وجان در اجرای آن بکوشند و کوچکترین مخالفتی چه در داخل و چه در خارج جلسه از خود بروز ند هند و خود رامطیع رأی اکثریت بدانند . حضرت عبد البهاء میفرمایند : " وچون اختلاف آراء حاصل شود رجوع به اکثریت آراء کنند وكل اکثریت را مطیع و منقاد گردند و دیگر جائز نه که نفسی از اعضاء به قرار اخیر چه در خارج و چه در داخل اعتراض نماید و با نکته گیرد ولو مخالف صواب باشد زیرا این نکته گیری سبب شود که هیچ قراری استقرار نماید " . و نیز میفرمایند : " رأی اکثریت ندای حق بوده و قابل احتجاج نیست و باید همواره با کمال میل واشتیاق به مورد اجرا گذاشته شود این رأی اکثریت را باید باران قلبًا قبول کنند و آنرا یگانه وسیله صیانت و پیشرفت امرالله شمارند " .

همچنین حضرت ولی امرالله میفرمایند : " باید رأی خود را در رهبری و در رهبری جلسه ای در نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تمام رأی اکثریت برآن قرار گرفت به دل وجان بدون ادنی کد و رتی و رنجش اجرا نمایند ولو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد چه این است - حکم صریح محکم الهی چگونه تجاوز و اعراض از این امر منصوص جائز؟ "

هرگاه پس از تصویب پیشنهادی در جلسات قبل رسماً پیشنهاد دیگری دایر بر لغو آن پیشنهاد تقدیم جلسه گردد، این پیشنهاد را پیشنهاد تجدید نظر گویند. باید توجه کرد که در هیچ جلسه‌ای نمیتوان نسبت به موضوعی که در همان جلسه تصویب شده است پیشنهاد تجدید نظر داد مگر آنکه همه اعضای حاضر موافق باشند. ولی در جلسه بعد میتوان پیشنهاد تجدید نظر داد که پس از تأیید مانند یک پیشنهاد جدید مورد شور و مشورت قرار خواهد گرفت. در صورت تصویب، تصمیم قبلی مجدد آن مورد شور و اتخاذ ذهنی قرار میگیرد. (توضیحیاً بیان میشود که اکثریت جلسه باید موافق باشند تاوارد بحث تجدید نظر شوند و الاماً موافقت اکثریت برای ورود به بحث الزاماً به معنی تجدید نظر نیست).

(نظم اداری چاپ ۱۳۰ بدمج ص ۱۰ هوشنگ محمودی)

حضور و غیاب اعضا

پس از صدور اعتبار نامه برای اعضا وارائه به فرد مورد نظر هر کدام از اعضا موظف هستند بطور مرتب و منظم در جلسات حضور یابند و بقیه اعضا را باری نمایند. هرگونه خدمت و فعالیت در تشکیلات، فرع حضور در آن تشکیل است و اگر عضوی در جلسات مرتب حاضر نشود بسختی موفق خواهد شد وظائف خود را به خوبی انجام دهد. هرگاه غیبت عضوی از اعضا از حد متعارف گذشت محفل باید از آن عضو بخواهد که تکلیفش را با محفل روشن نماید.

توضیح — هرگونه غیبیتی جزیه علت بیماری و مسافرت و داشتن اجازه قبلی غیر موجہ محسوس است و در صورت مسا فرت باید قبلاً تشکیل را بطلع نمود. البته موارد استثنائی هم پیش میآید که تصمیم نسبت به موجه بودن آن با محفل است.

د وستان عزیز، وقت شناسی از جمله آداب پسندیده و مدد و حمی است که باید هر فرد بهائی آنرا در کلیّه شئون زندگی خود بکار بندد علی الخصوص در تشکیلات بهائی باید دقیق کرد حتی یک لحظه تأخیر ننماییم و غیبت از جلسه را ولو برای یک دفعه جائز نشماریم استمرار در غیبت و تأخیر در جلسه باعث تضعیف و تخفیف تشکیل شده و از کارائی آن میکاهد حضرت ولی امرالله مینفرمایند: «بدیهی است مادام که هر عضوی نتواند مرتب در جلسات محفل روحانی محلی خویش حضور به مساند محل است بتواند وظایف مفروضة خود را ادا کند و مسئولیت‌های خویش را بمعنوان نماینده جامعه انجام دهد. عضویت محفل روحانی محلی حقیقتاً توأم با الزام و توانایی و تعاون نزد یک با جریانات امریّه محلیّه و حضور مرتب در جلسات محفل است اگر عضوی از اعضا به دلائلی قادر نباشد به خدمات خود ادامه دهد و قصد استعفا داشته باشد باید بتشکیل مانع خود که او را منصب کرد است استعفا بد هد در صورتی از خدمت در آن تشکیل معاف است که تشکیل مانع استعفای او را به پذیرد ولکن

تازمانیکه قبول استعفا بها و ابلاغ نشده است باید در جلسات حضور یابد و جزو اعضاً محسوب میشود ولن اگر عضو محفل است باید به نفس محفل روحانی استعفای بدهد .

غمودار بیانگر اهم محدودات انجام شده در عصر تکوین یا بعد حاضر میباشد.

محدودار به ترتیب ذیل ترسیم شده است:

۱- دوره ولاست امر تاختن تغثه حجاج کبیرا

۲- تغثه های یتیمی بین الملک کتوسط بیت العدل اعظم القع طی واجهه تحریره است و شال موارد ذیل می باشد

تغثه منبعه ۹ ساله

۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰

بنابراین احتمالات و مجموع داشت انجام شده در سالها (۱۹۷۴ - ۱۹۷۳) و (۱۹۷۲ - ۱۹۷۳) کو احوال بین
دو تغثه پیش از دراین نمودار برای نشانه است.

* احتمالات و مجموع داشت تاریخان ۱۹۹۰ دراین نمودار متوجه میباشد

بعض رذکوین

حضرت ولی امامہ

۱۹۴۵ سال ولایت امیر

صدور حضرت عبدالبھا
۲۸ نومبر ۱۹۲۱

تأسیس و انتخاب اولین محل
محل ملی شیعہ قاره صد
۱۹۲۱

ابلاخ ۷ محل مركزی در تونس ۱۹۲۰
۱. محل روحانی محل بھارت - مکری پور
۲. بارگوبھے مقنقر
۳. عشنا آڈیٹوریکن
۴. صدر - عراق
۵. اسلامبول - ترکی
۶. هنقا - فلسطین
۷. مدنی

اوپن دیدار و گفتگوی خانہ خانہ روت باطک
رومانیا ۲۷ ژانویہ ۱۹۲۲

فتحیہ مشیرت ہائمه مل و تائب حق جامد
دجانی در حضور مالکیت بیت عبدالبھارک در پندار
۴ مارچ ۱۹۲۹

صدور حضرت ولی امامہ باحضورت
روحیہ خانم ۲۵ مارچ ۱۹۳۲

افتتاح حضرت ولی امامہ باحضورت
روحیہ خانم ۲۵ مارچ ۱۹۳۷

جشن صدمین سال ظھری
(یادت چم سافی)

یادور حسن دین
صال منوارت حضرت
باب (عموی)
۱۹۵۱
افتتاح محل مسکونی
۱۹۴۷

تأسیس میرایی بنی اعلیٰ
دجانی (انتسابی)

آثار ناسیعی حضرت ولی عزیز امامہ

۱- مسلمات

۲- مرتضی ۱۹۲۲-۱۹۲۳
۳- ۱۹۲۳- ۱۹۲۴
۴- ۱۹۲۴- ۱۹۲۵
۵- ۱۹۲۵- ۱۹۲۶
۶- ۱۹۲۶- ۱۹۲۷
۷- ۱۹۲۷- ۱۹۲۸

The Hidden words
Epistle to the son of wolf
The Book of Certitude
Tablet of Holy Mariner
Prayers and meditation

Greetings from the writings of Bahá'u'lláh
Tablet to the Central organization for a durable Peace
Tablet to professor Ford.
Will and Testament of Abdul-Baha
The Dawn-Breakers

وقدار سیما ری توانیتہ افشاء
احمد و ساخت مدارک جدیدہ کمر

محبوبه طایع متفاہی معجم اوری
شودا است

ترجمہ هائی کی روپ سطح صیل مبارکہ حضرت ولی عزیز امامہ صورت گرفته است.

ترجمہ هائی کی روپ سطح صیل مبارکہ حضرت ولی عزیز امامہ صورت گرفته است.

۱- سعادت یونیورسیٹ
۲- لمحہ ابن زیل
۳- کتب سستہ بایان

۴- لوح مساجع

۵- ادعاہیہ و مفاتیح

۶- سنتنیت آنحضرت بخاریہ

۷- لوح حسای

۸- لوح فرمول

۹- لوح و صدای

۱۰- مرتضی

۱۱- مرتضی و ملخ

۱۲- مرتضی

استھاب حضرت اس باری امسد ۱۹۵۱

۱- خاتم ساتھی شیخوں (صعدہ ۱۹۵۲)
۲- خاتم مسیئریہ (انضمامہ دجال ۱۹۷۰)
۳- تفسیل حشرات بایادی
۴- خاتم اسٹا کالیتر (صعدہ ۱۹۷۰)
۵- خاتم ولی اسریتا (صعدہ ۱۹۷۰)
۶- خاتم علی اکبر مرتوں (صعدہ ۱۹۷۰)
۷- خاتم طرازہ سلطدری (صعدہ ۱۹۷۰)
۸- خاتم حالی (صعدہ ۱۹۷۰)

۹- خاتم دینی سیکر (صعدہ ۱۹۷۰)

۱۰- خاتم ایجادس (صعدہ ۱۹۷۰)

۱۱- خاتم مسیح تاویند (صعدہ ۱۹۷۰)

۱۲- خاتم کریمہ کری (صعدہ ۱۹۷۰)

اسال مختص مضرات ایادی امراء

صعود مضرات ایادی امراء

نهش جمادی ۱۹۵۳

گشاش جشنواری صدمین سال اقصان

امور حضرت عباده ایادی در میاچان

تحلیل بنای تمام اعلیٰ
اکتبر ۱۹۵۳

تحلیل اندیس از لوث ناقصیں
ستمبر ۱۹۵۴

تحلیل دارالاشریین اللالی - حبیا
اسپریل ۱۹۵۵

استخار رسی شری الازم
اویسی مولی عصرت
در وعی خانم ۱۹۵۵

کشاش جشنواری صدمین سال اقصان

امور حضرت عباده ایادی در میاچان

گشاش جشنواری صدمین سال اقصان

امور حضرت عباده ایادی در میاچان

گشاش جشنواری صدمین سال اقصان

امور حضرت عباده ایادی در میاچان

گشاش جشنواری صدمین سال اقصان

امور حضرت عباده ایادی در میاچان

گشاش جشنواری صدمین سال اقصان

امور حضرت عباده ایادی در میاچان

گشاش جشنواری صدمین سال اقصان

امور حضرت عباده ایادی در میاچان

گشاش جشنواری صدمین سال اقصان

امور حضرت عباده ایادی در میاچان

گشاش جشنواری صدمین سال اقصان

اسال مختص مضرات ایادی امراء

نهش جمادی ۱۹۵۲

بعشراز الاذکار و پیغام دار آمریکا

امور شمارت الاذکار بیانی
مشتری الاذکار رسی دار ترکیا سپتامبر ۱۹۷۱

امور شمارت الاذکار بیانی
برگزاری جشن صدمین سال افخاما رام حضرت بغاوه استاد امراء

امور شمارت الاذکار بیانی
دیگر هنای بھائی و سلطنت مختار مختار مختار مختار

امور شمارت الاذکار بیانی
دشمن انگلستان سپتامبر ۱۹۷۳

امور شمارت الاذکار بیانی
آنغاز معبد نالت عصر تکمیل

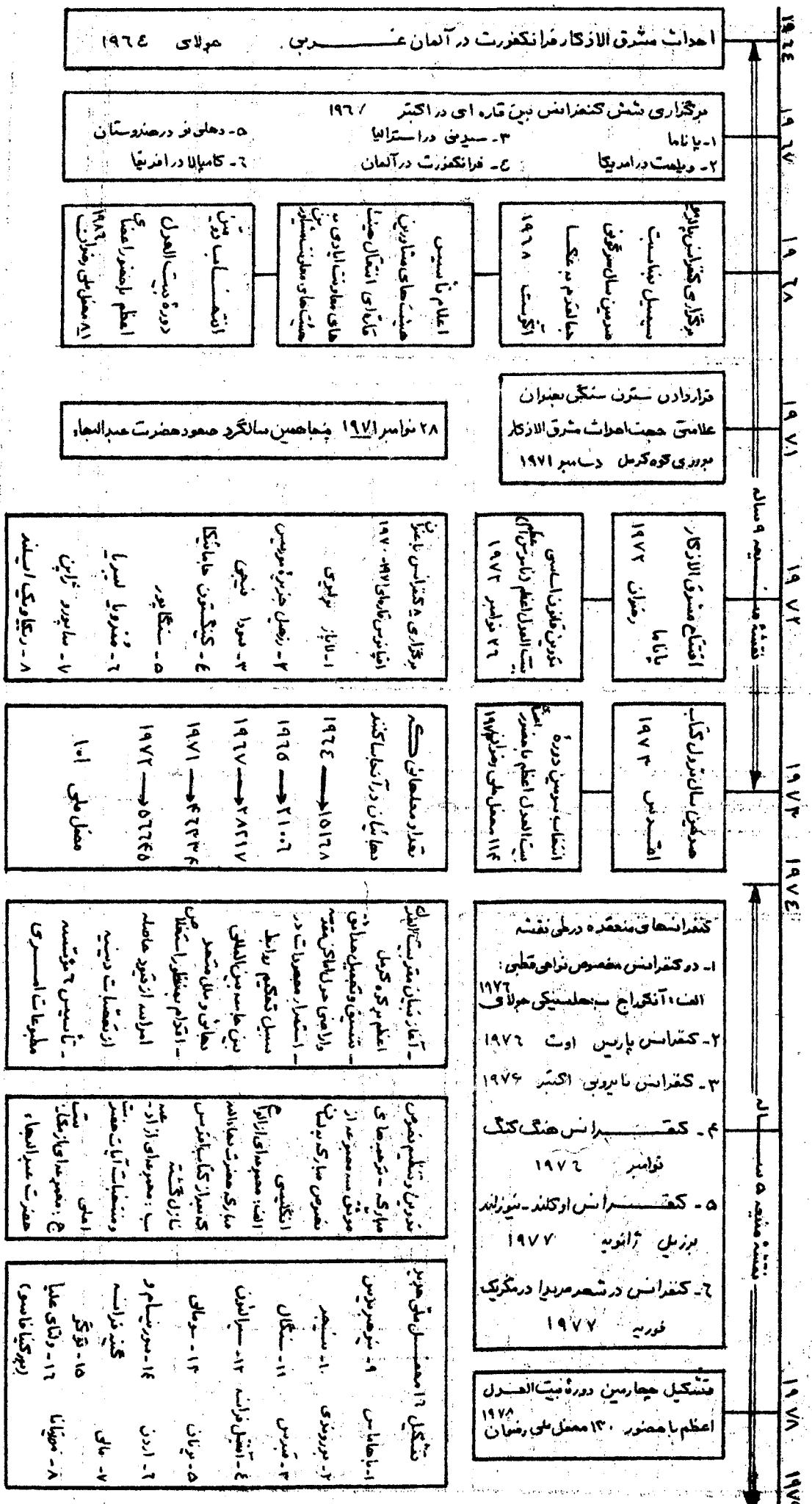
امور شمارت الاذکار بیانی
اوین هاند سالمندان نعمت دار

امور شمارت الاذکار بیانی
معتمد مختار مختار مختار مختار

امور شمارت الاذکار بیانی
پریمیل مختار مختار مختار مختار

امور شمارت الاذکار بیانی
پریمیل مختار مختار مختار

جیعت العد درکوین



بیت الـ عذر یکوین در اعظم الـ عـ

۱۹۷۹

۱۹۸۳

۱۹۸۷

نقشه من

- پیشرفت اور ساختاری شرقی الـ زـکـرـهـدـسـنـ

- اصلاح و تعمیر بناج هنری بین عرب اـسـپـاـشـ

- انشـاج رسـیـ روـیـشـیـنـ اـمـ الـ عـابـرـمـعـلـعـمـ

(سـلـامـ)

- اـکـالـ وـاتـامـ دـارـالـشـرـیـ وـانـشـالـ بـیـتـ الـ عـلـلـ

الـ عـلـمـ بـمـعـرـدـ رـانـیـ خـودـ

- بـعـرـبـ تـقـنـهـهـایـ اـسـبـهـهـ حـولـ قـوـسـ عـدـمـ

اسـتـرـفـ

کـثـرـاـ نـسـنـهـایـ مـنـعـرـهـهـ دـرـطـنـشـ

کـثـرـاـ نـسـنـهـایـ مـنـعـرـهـهـ دـرـطـنـشـ

- رـضـدـوـ بـعـنـزـانـ دـرـ کـطـرـوـرـکـامـ مـوـسـتـ

امـ سـرـیـ

- سـوـنـدـنـلـانـ اـسـنـدـاـسـ وـسـنـدـلـاتـ

مـاـنـلـ بـعـمـانـ مـلـیـهـ

ملـ مـعـنـ

تـشـکـلـ لـوـجـادـوـنـیـکـا

نـاسـبـسـ دـارـلـوـسـهـ اـهـبـاهـیـ وـاقـتـادـیـ

- تـشـکـلـ دـارـلـهـ اـطـلاـعـاتـ حـمـرـیـ

شـکـلـ پـنـجـمـ دـوـرـهـ

بـیـتـ الـ عـلـمـ اـعـلـمـ بـاـخـصـیـ

۱۹۸۳ مـحـفلـ مـلـیـ رـضـانـ

۷۹

افتـارـ بـیـامـ مـ

- اـنـرـیـادـ اـعـنـاـیـ دـرـ الـتـلـیـحـ بـیـتـ الـ عـلـلـ وـهـیـشـهـایـ مـاـنـیـزـ

قـارـمـایـ عـضـرـ دـارـالـشـلـیـلـ

- اـنـرـیـادـ اـعـنـاـیـ مـشـادـرـیـاـزـ ۲۳ـ بـیـمـ ۷۲ـ نـزـ

- تـقـیـنـ یـکـدـرـهـ خـدـمـتـ ۵ـ سـالـ مـجـتـعـیـهـاـیـ طـارـیـ

- اـقـرـائـیـ وـلـائـتـ دـارـالـتـلـیـحـ بـیـتـ الـ عـلـلـ وـاـشـالـ آـنـ بهـ

سـافـرـخـانـهـ غـرـبـیـ

اـفـتـاحـ سـ اـیـسـتـاـنـهـ رـادـیـوـیـ هـدـیدـ

- نـاسـبـسـ مـؤـسـسـهـ لـوـشـ گـرـیـگـرـیـ دـرـ

ایـالـاتـ مـتـحـدـهـ آـمـرـیـکـاـ

- مـعـاذـ مـسـنـدـ کـرـیـتـ بـعـانـیـ اـسـتـدـارـیـاـتـ ۱۱۷

- مـعـاذـ کـنـتـ اـعـدـاـیـ کـرـیـاتـ بـعـانـیـ اـسـتـدـارـیـاـتـ ۱۱۶

- مـهـجـ بـیـشـلـاـرـ وـنـظرـ ۱۹۱۷۸

- تـنـاطـ مـقـدرـ

- مـعـلـهـاـیـ کـدـاصـاـ،ـ مـتـبـدـ ۱۱۶۷۰

- تـبـلـیـلـ بـهـیـ وـرـوـیـ ۱۱۱۳

- تـرـمـدـهـ آـنـارـبـانـهاـ ۱۱۸۸۳